



زندان، وسیله‌ای برای سرکوب اصلاح طلبان
بررسی حقوقی شرایط زندان در دوران اصلاحات

مرکز اسناد حقوق بشر ایران

مرکز اسناد حقوق بشر ایران نهادی بیطرف و مستقل پژوهشی است که هدف آن ایجاد یک تاریخچه جامع و عینی از وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران از زمان انقلاب سال ۱۳۵۷ به بعد می‌باشد. این تاریخچه، شامل جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل طیف گسترده‌ای از اسناد و مدارک است که به صورت آرشیو، جهت مطالعه و تحقیق در دسترس عموم قرار خواهد گرفت. با تکیه بر این اصل که مسئولیت‌پذیری در قبال تخلفات گذشته لازمه پیشرفت اجتماعی و تحولات دموکراتیک در آینده خواهد بود، مرکز اسناد حقوق بشر ایران، گفتگو و تبادل نظر آگاهانه درباره وضعیت حقوق بشر در ایران را تشویق و ترغیب می‌نماید. این مرکز با تعداد زیادی از پژوهشگران و متخصصان در زمینه مستندسازی موارد نقض حقوق بشر و سایر پروژه‌ها همکاری می‌کند.

اهداف مرکز اسناد حقوق بشر ایران

- بررسی و مستندسازی موارد تخلف حقوق بشر در ایران؛
- ارتقای سطح آگاهی مجامع بین‌المللی از تخلفات حقوق بشر در ایران و تحت فشار قرار دادن دولت ایران برای خاتمه دادن به این تخلفات؛
- ارتقای سطح آگاهی مردم ایران از موارد تخلف حقوق بشر در ایران و استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر؛
- ایجاد مجموعه و آرشیوی اینترنتی از اسناد حقوق بشر با این امید که روزی در پیشرفت و حمایت از روند مسئول شناختن متخلفان مورد استفاده قرار گیرد.

آدرس:

Iran Human Rights Documentation Center

129 Church Street, Suite 304

New Haven, CT 06510, USA

تلفن: ۷۷۲-۲۲۱۸ (۲۰۳)

نمابر: ۷۷۲-۱۷۸۲ (۲۰۳)

پست الکترونیکی: info@iranhrdc.org

پایگاه اطلاعاتی: <http://www.iranhrdc.org>

عکس روی جلد: اتاق ملاقات زندان قزل حصار، تهران - جمال کریمی راد، سخنگوی وقت قوه قضاییه
عکس پشت جلد: مهرانگیز کار

زندان، وسیله‌ای برای سرکوب اصلاح‌طلبان:
بررسی حقوقی شرایط زندان در دوران اصلاحات

فهرست مطالب

۱. چکیده..... ۲
۲. حقوق زندانیان در ایران..... ۳
- ۱-۲. قوانین ناظر بر زندان و زندانی..... ۳
- ۱-۱-۲. نگهداری در سلول انفرادی..... ۵
- ۲-۱-۲. شکنجه..... ۶
۳. مداخله سازمانها و نهادهای موازی در اداره‌ی امور زندان اوین..... ۸
۴. وضعیت در زندان اوین از نگاه پژوهشگران..... ۹
۵. تأثیر فشارهای خارجی در وضعیت نگهداری زندانیان سیاسی..... ۱۰
۶. گزارش مفسران..... ۱۱
- ۱-۶. وجود بازداشتگاهی مخفی و بی‌نام و نشان در مرکز تهران..... ۱۲
۷. سخن آخر..... ۱۴

۱. چکیده

در این گزارش، نقش مدیریت زندانها در سرکوب اصلاح‌طلبان و منتقدین بررسی شده است. آنچه مسلم است از سال ۱۳۸۰ شمسی، آیین نامه اجرایی سازمان زندانها از تصویب گذشته و لازم الاجرا شده است که به موجب آن حداقل حقوق زندانیان پذیرفته شده است. اما در این آیین نامه متهمین و محکومین مطبوعاتی و سیاسی جایگاه خاصی ندارند. آنها را در کنار مجرمان عادی و گاهی مجرمان خطرناک نگهداری می‌کنند که منجر به وخامت وضعیتشان در زندانها می‌شود. از اینرو در این گزارش به مواردی از این شیوه‌ی نقض حقوق زندانیان مطبوعاتی - سیاسی اشاره شده است. زیر عنوان حقوق زندانیان، مداخله سازمانها و نهادهای موازی در اداره‌ی امور زندان اوین در دوران ۸ ساله‌ی اصلاحات، تأثیر فشارهای خارجی بر وضعیت نگهداری زندانیان سیاسی توجه داده شده و از وجود شکنجه در برخورد با آنها به نقل قول پرداخته است. نگهداری در سلول انفرادی که یکی از انواع خشونت‌بار شکنجه است در زندانهای ایران همچنان متداول است و در دوران ۸ ساله‌ی ریاست جمهوری محمد خاتمی یکی از شیوه‌های رایج برای اخذ اقرار و توبه‌نامه بوده است.

در مجموع وضعیت نگهداری زندانیان سیاسی در ایران با استانداردهای جهانی و مبانی حقوق بشر که در اسناد مهم حقوق بشری به آن تأکید شده هماهنگ نیست و دولت ایران حتی به تعهدات بین‌المللی خود نسبت به کنوانسیونهایی که امضا کرده و همچنین به روح اعلامیه جهانی حقوق بشر کمترین اعتنایی مبذول نمی‌دارد.

۲. حقوق زندانیان در ایران

۱-۲. قوانین ناظر بر زندان و زندانی

به موجب ماده ۹ قانون تبدیل شورای سرپرستی زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور به سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور (مصوب ۱۳۶۴/۱۱/۶)، این سازمان شکل گرفت. آیین‌نامه اجرایی سازمان مشتمل بر ۲۳۲ ماده و ۸۴ تبصره، مصوب ۱۳۸۰/۴/۲۶، در روزنامه رسمی شماره ۱۶۴۳۰، سال پنجاه و هفتم، یکشنبه هفتم مرداد ماه ۱۳۸۰ منتشر شد. بنابراین تا پیش از دوران اصلاحات، این آیین‌نامه اجرایی اعتبار قانونی نداشته است. آیین‌نامه در ماده ۱، سازمان را اینگونه تعریف می‌کند:

سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، سازمانی است مستقل که مستقیماً زیر نظر رئیس قوه قضاییه انجام وظیفه می‌نماید ...

ماده ۳ آیین‌نامه، زندان را اینگونه تعریف می‌کند:

زندان محلی است که در آن محکومین قطعی با معرفی مقامات ذیصلاح قضایی و قانونی برای مدت معین یا بطور دائم به منظور اصلاح و تربیت و تحمل کیفر نگهداری می‌شوند.

ماده ۴ آیین‌نامه، بازداشتگاه را اینگونه تعریف کرده است:

بازداشتگاه محل نگهداری متهمینی است که با قرار کتبی مقامات صلاحیتدار قضایی تا اتخاذ تصمیم نهایی به آنجا معرفی می‌شوند.

ماده ۲۰ آیین‌نامه، وظایف سازمان را به شرح زیر تعیین کرده است:

الف- اجرای مجازات حبس. طبق مقررات مربوطه، سازمان در خصوص اجرای سایر مجازاتها تکلیفی ندارد.

ب- اداره کلیه امور زندانها، بازداشتگاهها و مراکز اقدامات تأمینی و تربیتی کشور و ...

ماده ۲۴ آیین‌نامه توجه می‌دهد:

تأسیس، احداث و اداره کلیه زندانها و بازداشتگاهها و سایر مؤسسات و مراکز وابسته به سازمان و نیز تغییر محل آنها منحصراً در اختیار سازمان می‌باشد. مراجع قضایی، اجرایی، اطلاعاتی، انتظامی و نظامی از داشتن زندان و بازداشتگاه اختصاصی ممنوع می‌باشند.

تبصره- بازداشتگاههای انضباطی نیروهای مسلح از شمول این آیین‌نامه خارج است.

ماده ۲۵ آیین‌نامه تأکید دارد بر اینکه:

انتظامات و حفاظت فیزیکی از زندانها و بازداشتگاهها و سایر مراکز وابسته به عهده سازمان است که توسط یگان انتظامی و نیروهای انتظامی تحت امر اعمال خواهد شد.

تبصره- نیروهای فوق تحت امر رئیس سازمان بوده و وی می‌تواند اختیارات خود را رأساً یا با تفویض به معاون انتظامی سازمان، به مدیران کل استانها و رؤسای زندانها واگذار نماید.

ماده ۶۵ آیین‌نامه بر طبقه‌بندی زندانیان به ترتیب زیر تأکید دارد:

زندانین حسب سابقه، سن، جنسیت، نوع جرم، تابعیت، مدت مجازات، وضع جسمانی و روانی و چگونگی شخصیت و استعداد به یکی از قسمتهای زندان یا مؤسسات تأمینی و تربیتی معرفی می‌گردند.

تبصره- زندانیان زن می‌توانند اطفال خود را تا سن دو سال تمام به همراه داشته باشند. رؤسای زندانها می‌توانند در هر زندان نسبت به تفکیک و جداسازی اطفال ۲ سال تا ۶ سال در محل مجزا (مهدکودک) اقدام و یا نسبت به انتقال اطفال موصوف به بهزیستی یا مؤسسات نگهداری اطفال مبادرت نمایند.

ماده ۶۶ آیین‌نامه مقرر می‌دارد:

در صورت امکان به هر زندانی یک اطاق با وسایل لازم داده می‌شود و هرگاه زندانیان به طور دسته‌جمعی نگهداری شوند باید منتهای کوشش و دقت را در انتخاب افراد یک گروه از حیث تناسب سن و جهات دیگر بخصوص به هنگام خواب به عمل آورد و مخصوصاً در شب بازدید و نظارت بیشتری درباره‌ی آن اعمال گردد.

ماده ۶۷ آیین‌نامه مقرر می‌دارد:

لوازم آسایشگاه برای هر زندانی عبارتست از:

تخت خواب، تشک، بالش، دو تخته پتو، ملحفه برای پتو و تشک و بالش (تغییر محل این لوازم در آسایشگاه به دلخواه زندانی ممنوع است).

زندانینانی که تاکنون از زندان مرخص شده اند، بخصوص کسانی که سلول انفرادی را تحمل کرده اند تأکید دارند بر اینکه در زندان از تخت خواب، تشک، بالش، ملحفه برای پتو و تشک و بالش خبری نبوده و حداکثر به آنها دو تخته پتو داده می‌شده است.

برای بررسی نقش سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور فقط به نقل چند ماده از آیین‌نامه‌ی آن اکتفا شد. اینها مواردی است که در زندان اوین در دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی محل بحث و گفتگوهای بسیاری بوده و جناح راست بدون مراعات مندرجات مواد این آیین‌نامه، به سرکوب اصلاح‌طلبان به‌خصوص در زندان اوین پرداخته است. گاهی برخی نکات مثبت این آیین‌نامه توسط عوامل سرکوب در قوه قضاییه به گونه‌ای تفسیر شده که بر ضد حقوق زندانیان به کار رفته است.

در اینجا موارد عمده تخلف از مندرجات آیین‌نامه بررسی می‌شود. بررسی دربرگیرنده‌ی تجربیات گزارشگر که ۲۲ سال در نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران در حرفه‌ی وکیل مدافع بوده می‌باشد. همچنین بررسی دربرگیرنده برخی نظرات کارشناسی بوده و مشاهدات ناظران داخلی و خارجی را مطرح می‌سازد.

اظهارات زندانیان بعد از رهایی از زندان اوین و سایر زندانها، بررسی بر پایه شهادت شهود عینی را غنی می‌سازد.^۱ آنچه وضعیت فعالان مطبوعاتی و سیاسی را در زندان اوین و سایر زندانها به شدت دشوار ساخته نحوه‌ی نگهداری و برخورد با آنهاست که به آن مصداق نقض موازین جهانی حقوق بشر داده است. در یک جمع‌بندی چنین است:

۲-۱-۱. نگهداری در سلول انفرادی

در مواد و تبصره‌های آیین‌نامه سازمان زندانها سلول انفرادی پیش‌بینی نشده است. ماده ۶۶ آیین‌نامه تأکید می‌کند در صورت امکان به هر زندانی یک اتاق با وسایل لازم داده بشود. با سوء استفاده از این تجویز قانونی که با هدف تأمین رفاه زندانی از تصویب گذشته، در تمام دوران ۸ ساله ریاست‌جمهوری محمد خاتمی، بازداشت‌شدگان و زندانیان مرتبط با فعالیتهای اصلاح‌طلبانه، عموماً در سلول انفرادی که بدترین نوع شکنجه است نگهداری شده‌اند. برخی چند روز، برخی چند ماه و برخی بیش از یک سال. برخی در سلول انفرادی زندانهای ناشناخته و غیرقانونی، برخی در سلول انفرادی زندان اوین و دیگر زندانهای قانونی در سلولهای انفرادی ۳×۲ نگهداری شده‌اند.^۲ این سلولها دارای یک دستشویی بسیار کثیف است و یک توالت فرنگی از جنس فلز به غایت کثیف و زنگ‌زده در کنار دستشویی است. اغلب چند تکه پارچه آلوده، مثلاً گلیم پوسیده و پاره، روی زمین پهن است و برخلاف دستورات مندرج در آیین‌نامه سازمان زندانها به هیچ وجه تشک، تخت‌خواب و بالش در اختیار زندانی قرار نمی‌گیرد و بدون مراعات این ماده آیین‌نامه فقط دو پتو به زندانی داده می‌شود که زبر و کثیف است. سلولهای انفرادی اوین برای زندانیان بلند قد بیشتر زجرآور است. چون زندانی نمی‌تواند هنگام خواب پای خود را در یک سطح مناسب دراز کند. پای زندانی در ساعات طولانی جمع می‌شود و احساس پادرد نخستین عارضه‌ای است که جسم زندانی را می‌آزارد و خون‌مردگی ایجاد می‌کند که گاهی تا پایان عمر زندانی را رنج می‌دهد. نگارنده‌ی این گزارش، سلول انفرادی را با مشخصات فوق تجربه کرده و در سال ۱۳۷۹ به اتهام شرکت در کنفرانس برلین مدتها در سلول انفرادی بند زنان اوین محبوس بوده است. همچنین به نقل از احمد زیدآبادی کارشناس مسائل ایران و خاورمیانه در سایت اینترنتی بی‌بی‌سی فارسی، ۱۹ ژانویه ۲۰۰۵:

اکثر زندانیانی که تجربه حبس طولانی در سلولهای انفرادی را از سر گذرانده‌اند، اذعان دارند که شرایط این سلولها طاقت فرساست و فشار زیادی را به زندانی تحمیل می‌کند. فضای تنگ سلول، انزوای کامل، فضای رعب‌انگیز، چشم‌بند همیشگی، عدم دسترسی به کتاب و دفتر و خودکار، قرنطینه اطلاعاتی، بهداشت نامناسب و تنهایی بی‌پایان، به تدریج باعث یأس و نومیدی زندانی و تمکین او در برابر بازجویان و پذیرش اتهامات به منظور خلاصی از این وضع دشوار می‌شود.

^۱ رک. پیوست ۱.
^۲ رک. پیوست ۲.

هر بار که بر پایه اظهارات زندانیان نگهداری شده در سلولهای انفرادی یا بر حسب اعلام سازمانهای حقوق بشر داخلی یا خارجی بحث سلول انفرادی مطرح شده، مسئولین قوه قضاییه وجود سلول انفرادی را تکذیب و گاهی از آن به نام سوئیت یاد کرده‌اند که البته این اظهارات از نگاه اصلاح‌طلبان نگهداری شده در این سلولها مضحک و شگفتی‌آور است و آنها توانسته‌اند با استفاده از فضای سیاسی دولت خاتمی افشاگری کنند.

چندی پیش اعضای کانون مدافعان حقوق بشر در ایران که عموماً خود تجربه‌ی سلول انفرادی را پشت سر دارند به همراه شماری از فعالان سیاسی و مطبوعاتی که در سالهای اخیر در سلولهای انفرادی بازداشت بوده‌اند، در یک کنفرانس مطبوعاتی خواهان برچیده‌شدن همه‌ی سلولهای انفرادی شدند. در پی این نشست، سخنگوی قوه قضاییه و رئیس سازمان زندانها تأکید کردند به دستور رئیس قوه قضاییه در حال حاضر هیچ سلول انفرادی در زندانهای جمهوری اسلامی وجود ندارد و سلولهای انفرادی قبلی، اکنون به سوئیت‌هایی بزرگ، مناسب و مجهز تبدیل شده‌اند.

این ادعا در سال ۱۳۸۴ شمسی مطرح شده است. بنابراین به فرض آنکه ادعا صحت هم داشته باشد، مسئولین قضایی کشور منکر وجود سلول انفرادی که مصداق بارز شکنجه را دارد در تمام سالهای اصلاحات از ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ نشده‌اند و فقط ادعا کرده‌اند «در حال حاضر هیچ سلول انفرادی وجود ندارد» که البته بر پایه اظهارات زندانیان این ادعا واهی است.

۲-۱-۲. شکنجه

علاوه بر نگهداری زندانی در سلولهای انفرادی زندان اوین که نوع خاصی از شکنجه است، زندانیان به صورتهای مختلف متحمل شکنجه‌های روحی و جسمی هم می‌شوند. رایج‌ترین شکنجه در دوران اصلاحات که موضوع این پژوهش است، عبارت بوده است از فحشهای رکیک جنسی، سیلی، تو دهنی، پس گردنی، لگد، شلاق و انواع ضرب و شتم. همچنین متهم از ارتباط تلفنی یا حضوری با افراد خانواده محروم بوده است. نظر به اینکه به موجب تبصره‌ی ذیل ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب سال ۱۳۷۸، قاضی می‌تواند وکیل را در مرحله‌ی تحقیقات راه ندهد، در نتیجه اغلب انواع شکنجه‌های جسمی در دوران بازداشت موقت و ضمن تحقیقات که متهم بدون حضور وکیل در اختیار شکنجه‌گران بوده و شهادی بر اقدامات خلاف قانون نداشته، انجام شده و به ضرب آن، اقراریر مورد نیاز شکنجه‌گران وابسته به جناح مخالف با اصلاح‌طلبان اخذ شده است. یک نمونه از این اقراریر در سال ۱۳۸۰ از علی افشاری، فعال جنبش دانشجویی، در زندان اوین اخذ و فیلمبرداری شد و در صدا و سیمای جمهوری اسلامی به نمایش در آمد. بعدها علی افشاری اعلام کرد آنچه از او اخذ و پخش شده، زیر شکنجه و بدون اراده‌ی آزاد اظهار گردیده است.

شلاق زدن و ضرب و شتم متهم حتی در چارچوب قوانین جمهوری اسلامی پذیرفته نیست. به‌خصوص که به موجب ماده ۲۰ آیین‌نامه سازمان زندانها، این سازمان فقط مجری مجازات حبس است و در خصوص اجرای سایر مجازاتها تکلیفی ندارد.

متأسفانه از ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ که انقلاب اسلامی پیروز شد، زیر عناوین مجازاتهای شرعی، شلاق زدن را مشروعیت بخشیدند و اسم شلاق و کابل را تعزیر گذاشتند. مثلاً وقتی می‌خواستند متهم را شلاق بزنند، به بهانه آنکه به یک سؤال بازجو پاسخ نادرست داده، قاضی پیش از آنکه به اصل اتهام متهم رسیدگی کند، عجالاً دستور می‌داد او را به جرم دروغ‌گویی تعزیر کنند یعنی با کابل شلاق بزنند. این رویه رایج در زندان اوین در دوران اصلاحات هم به صورتهای گوناگون به اجرا گذاشته شده است. آقای هاشمی رفسنجانی در کتاب «عبور از بحران» که به شرح کارنامه و خاطرات خود پرداخته است می‌نویسد:

... امام پنجشنبه ۲۴ دی ماه سال ۱۳۶۰، مسئله شایعه اخبار مربوط به شکنجه زندانیان را مطرح کردند. آقای فهم و اعضای بازرسی مواردی را ذکر نمودند. امام از آقای اسدالله لاجوردی توضیح خواستند. ایشان گفت: تعزیر می‌کنم و تعزیر با اجازه‌ی حکام شرع است و توضیح داده شد به خاطر وسعت عمل تروریستی و شلوغی زندانها و عدم امکانات کافی، بروز چنان وضعی اجتناب ناپذیر بوده، ولی دیگر از این به بعد قابل اجتناب است. قرار شد دیگر مراعات شود ...

همه زندانیان، زندانبانان و شهود عینی از سال ۱۳۶۰ به بعد که ظاهراً توسط آقای هاشمی رفسنجانی، سال پایانی شکنجه در پوشش تعزیر اعلام شده، شاهد بوده‌اند که زندانیان با کابل و شلاق چنان کتک خورده‌اند که گاهی به پای مرگ رفته‌اند. در سالهای اصلاحات، شلاق در جای وسیله‌ای برای اخذ اقرار مورد استفاده بوده و در تمام زندانها علیه زندانیان برخلاف مفاد آیین‌نامه سازمان زندانها به کار رفته است.

علاوه بر شکنجه‌های جسمی، شکنجه‌های روحی، تحقیر، تمسخر و فحاشی در زندانهای عصر اصلاحات رواج داشته است. ممانعت از دیدار زندانی با افراد خانواده یا بازداشت برخی از افراد خانواده به اتهام پیگیری پرونده و افشاگری درباره‌ی سلول انفرادی و شکنجه متهم از جمله‌ی این قبیل شکنجه‌ها بوده است. پرونده‌سازی اخلاقی برای متهم نوع دیگری از شکنجه روانی است که متهم از آن می‌هراسد و چون با شرافت و حیثیت خانوادگی و اجتماعی متهم در ارتباط است، یکی از ابزارهای اخذ اقرار در تمام دوران ۸ ساله اصلاحات بوده است. بیشتر فعالان مطبوعاتی و سیاسی با این تجربه به خوبی آشنایی دارند.

یک نوع شکنجه روانی که همواره در جمهوری اسلامی مرسوم بوده و در عصر اصلاحات هم بسیار مورد بهره‌برداری قرار گرفته، اختلاط زندانیان سیاسی با زندانیان عادی است. آیین‌نامه سازمان زندانها در ماده ۶۵ به اصل تفکیک زندانیان بر پایه جنس، نوع جرم، ویژگیهای روانی و شخصیتی، سن و سال توجه داده، اما به تفکیک زندانیان سیاسی از زندانیان عادی صراحتاً نپرداخته است. علت آن است که در قوانین ایران جرم سیاسی تعریف نشده، به علاوه اصل مراعات حقوق متهم سیاسی حتی از انقلاب مشروطه به بعد در عرف حکومتی پذیرفته نشده است. در قانون مجازات اسلامی که بعد از انقلاب اسلامی تصویب شده، منتقدین و مخالفان جمهوری اسلامی زیر عناوین مجرمانه‌ی دیگر مجازات می‌شوند. از اینرو است که مجرم یا متهم سیاسی را بدون توجه به ویژگیهای شخصیتی او با کلاهبرداران، روسپیان، دزدان، جانیان، قاچاقچیان و دیگر مجرمین یکجا نگهداری می‌کنند. این همزیستی برای متهمین سیاسی زجرآور است و به تنهایی نوعی شکنجه روانی است. به علاوه برخی زندانیان سیاسی از جمله ناصر زرافشان ادعا کرده‌اند که در دوران تحمل محکومیت حبس، از برخی زندانیان عادی علیه آنها استفاده شده و آنها را برانگیخته‌اند یا به آنها وعده‌ی امتیاز و مرخصی داده‌اند تا زندانیان سیاسی را مورد ضرب و شتم قرار دهند.

این نوع شکنجه روانی در شرایطی رایج است که به موجب اصل ۱۶۸ قانون اساسی مصوب سال ۱۳۵۸، نهادهای قانون‌گذاری کشور مکلف به تعریف جرم سیاسی بوده‌اند. به موجب اصل ۱۶۸ قانون اساسی:

رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیئت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. نحوه انتخاب، شرایط، اختیارات هیئت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون بر اساس موازین اسلامی معین می‌کند.

تاکنون به این تکلیف عمل نشده و سازمان زندانها با سوء استفاده از فقدان تعریف جرم سیاسی، زندانیان سیاسی را در وضعیت مشقت‌باری به همزیستی با مجرمین عادی مجبور می‌کند. از طرفی، مدیران قوه قضاییه در جهان جار می‌زنند که در ایران زندانی سیاسی وجود ندارد. نظریه‌ی فقهی هم که بر قانون‌گذاری در ایران غالب است، تأکید دارد بر اینکه در اسلام جرم سیاسی معنا ندارد.

وضعیت نابسامان زندانیان به زندان اوین محدود نمی‌شود. در سایر زندانهای قانونی و غیر قانونی با زندانیان بسیار بدرفتاری می‌کنند.^۳ این پیوست حاوی افشاگری دبیر دوم سابق سفارت هلند در تهران پیرامون وضعیت نابسامان زندانیان سیاسی رجایی شهر می‌باشد که دور از انتظار جهانی است و در روزنامه اینترنتی «روز» در جولای ۲۰۰۵ انتشار یافته است.

۳. مداخله سازمانها و نهادهای موازی در اداره‌ی امور زندان اوین

از نگاه سازمانها و نهادهای موازی در دوران ۸ ساله اصلاحات، اقدامات سرکوبگرانه‌ی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور در زندان اوین، برای سرکوب اصلاح‌طلبان کافی نبوده است. این سازمانها و نهادهای امنیتی موازی نه تنها در زندانهای مخفی و یگانها و پادگانهای (واحدهای نظامی) خارج از مدیریت سازمان زندانها، اصلاح‌طلبان و حامیان مؤثر آنها را در بدترین شرایط حبس و شکنجه کرده‌اند، بلکه برخی از بندهای زندان اوین را به کلی از حوزه‌ی مدیریت سازمان زندانها خارج ساخته‌اند. تا پیش از ورود محمد خاتمی به صحنه سیاست، این فقط وزارت اطلاعات بود که بند ۱۲۹ زندان اوین را در اختیار داشت. اما بعد از ریاست‌جمهوری خاتمی به تدریج بندهای دیگری هم در اختیار عوامل زورمند نهادهای اطلاعاتی موازی مرتبط با محافظه‌کاران قرار گرفت. زندان اوین به زندانی که در آن حکومتی چندگانه به خوبی تجلی یافت تبدیل شد. سپاه پاسداران و اطلاعات قوه قضاییه بندهایی را به انحصار خود در آوردند که حتی رئیس سازمان زندانها قادر نبود برای بازرسی به این بندها وارد بشود. اطلاعات نیروی انتظامی هم بازداشتگاههای خاص خود را در جاهای پرت و دور از نظارت داشت. به همین علت در رویارویی با خبرهای مربوط به برخی زندانیان سیاسی، مسائل به آسانی روشن نمی‌شود. معمولاً روابط عمومی سازمان زندانها هنگامی که بی‌خبری از یک زندانی بالا می‌گیرد ادعا می‌کند، زندانی در زندان اوین و تحت نظارت این سازمان است. حال آنکه وقتی خویشاوندان زندانی و وکلا به دفتر سازمان مراجعه می‌کنند، در دفاتر مربوطه از نام زندانی خود اثری نمی‌یابند. در پرونده‌های خاصی، این نابسامانی آشکار شده است. در بندهایی از زندان اوین که کاملاً خارج از مدیریت سازمان زندانها اداره می‌شود، حتی مفاد و مندرجات آیین‌نامه سازمان زندانها که حداقلی از استانداردهای

^۳ ر.ک. پیوست ۳.

رفاهی برای زندانیان در آن پیش‌بینی شده است، مراعات نمی‌گردد. نهادها و سازمانهایی که این بندها را در کنترل خود دارند پاسخگو نیستند و مانند موجودات نامرئی از همه‌ی درها عبور می‌کنند، به هر شکل که دلخواهشان است با زندانی برخورد می‌کنند و سرانجام با اقراریر اخذ شده در این بندها، پرونده‌های پرو پیمان را روبروی قضات وابسته به جناح خود قرار می‌دهند. در این موقعیت، مقررات و امکانات ملاقات با خویشاوندان و وکلا به کلی منتفی می‌شود. هرگاه زندانبانان صلاح بدانند و هرگاه آثار ضرب و شتم و شکنجه تا حدودی التیام یابد، ترتیب یک ملاقات محدود با زندانی را می‌دهند. زندان اوین برای ملاقات زندانیانی که در زندانهای ناشناخته‌ی دیگری به سر می‌برند، به طور غیر قانونی مورد استفاده قرار می‌گیرد. به این ترتیب که وقتی بعد از پایان مرحله‌ای از ضرب و شتم و شکنجه در زندانهای ناشناخته، تصمیم می‌گیرند به زندانی اجازه‌ی ملاقات بدهند، به خویشاوندان درجه یک زندانی اعلام می‌کنند برای دیدار با زندانی خود به دفتر زندان اوین، در ساعت معینی مراجعه کنند. وانمود می‌شود که زندانی در زندان اوین به سر می‌برد، اما چنین نیست. زندانی را با چشم‌بند در محاصره چندین مأمور خشن آورده‌اند و حتی خودش هم نمی‌داند از کجا می‌آید. دقایق محدودی خویشاوند خود را در محاصره‌ی مأموران خشن می‌بیند و به سرعت وقت ملاقات پایان می‌یابد. کسانی که به این ترتیب زندانی خود را در سالهای بعد از ۱۳۷۶ در زندان اوین ملاقات کرده‌اند می‌گویند ریش و سبیل و موی سر زندانی به اندازه‌ای بلند بوده که به نظر می‌رسیده زندانی اساساً به سختی می‌توانسته آب بنوشد یا غذا بخورد. این دسته از زندانیان در شرایط حیوانی نگهداری می‌شوند و در جاهای دور از نظارت، زیر انواع شکنجه‌های جسمی و روحی اقرار می‌کنند. سیامک پورزند نمونه‌ی شاخص این نوع زندانی است که بیش از یک سال در جاهای نامعلوم زندانی بود، اما هر چند ماه یک بار او را با سر و روی ژولیده به دفتر زندان اوین می‌آوردند تا با خواهر سالخورده و زمین‌گیرش دیدار کند (اظهارات مهین پورزند در سال ۱۳۸۱).

۴. وضعیت در زندان اوین از نگاه پژوهشگران

در فروردین ماه سال ۱۳۸۴ خبرگزاری کار ایران (ایلنا) خبر داده است در ادامه سومین سمینار انجمن دفاع از حقوق زندانیان در تهران، سعید مدنی اظهار داشته است:

بر اساس مطالعات انجام شده، شیوع اختلال روانی در زندان بسیار بیشتر از خارج زندان است، زیرا در وقوع جرم عوامل روانی دخالت دارد و کسی که وارد زندان می‌شود، دچار نوعی اختلال روانی می‌گردد.

این فعال ملی مذهبی با بیان این مطلب که زندانهای ایران باعث کاهش اختلال روانی نمی‌شوند اظهار داشت:

اگر سه شاخصه حس پیوند زندانی با خانواده و تقویت آن، حس پیوند زندانی با جامعه و تقویت آن، و تغییر نگرش نسبت به خود در زندان اتفاق افتد، می‌توان انتظار داشت که زندانی در طول دوران بازداشت رو به اصلاح رود.

وی در ادامه به آمار یک مطالعه از زندان اوین که در سال ۱۳۸۰ صورت گرفت، اشاره کرد و گفت: «این آمار نشانگر تأثیر منفی پیوستگی زندانی با خانواده، جامعه و خود است. بنابراین شرایط بروز و شیوع اختلالات روانی در

این زندان کاملاً مستعد است.» مدنی افزود: «اگر مدیریت کلان جامعه با جمعیتی مواجه است که ۲۱ درصد آن با مسأله بروز و شیوع اختلالات روانی روبرو هستند، مدیریت زندان با جمعیتی روبرو است که ۵۰ درصد آن دچار اختلال هستند. بنابراین اداره این جامعه کوچک نیاز به برخورد عملی دارد. برخورد نظامی - امنیتی شاید موجب کنترل رفتار زندانی بشود، اما باعث تشدید اختلالات روانی زندانی می‌شود.»

در پایان این سمینار خانم مرضیه مرتاضی لنگرودی، عضو انجمن دفاع از حقوق زندانیان، به ارائه گزارشی از وضعیت بهداشتی برخی زندانهای کشور پرداخت و گفت:

تا این لحظه موفق به کسب مجوز برای بازدید از زندانهای کشور نشده‌ایم و گزارش ارائه شده از مجموع گفته‌های زندانیان به وکلای آنان و پرسنل زندان گردآوری شده است.

وی به ارائه گزارشی از وضعیت زندان اوین پرداخت و گفت: «بر اساس آخرین آمار، این زندان دارای سه هزار نفر زندانی است که در بخش قدیمی این زندان، تراکم زندانیان بسیار زیاد است، به گونه‌ای که هفته‌ای یک بار هم نمی‌تواند استحمام کنند.» لنگرودی ادامه داد: «در زندان اوین هر زندانی هر ۲۰ روز یک بار می‌تواند به بهداری برود که مراحل رفتن به بهداری نیز آنقدر سخت است که بسیاری از رفتن به بهداری منصرف می‌شوند. همچنین بیماریهای پوستی، سل و هیپاتیت در این زندان مشاهده شده است که متأسفانه آمار دقیقی از آن ارائه نمی‌شود.»

۵. تأثیر فشارهای خارجی در وضعیت نگهداری زندانیان سیاسی

فشارهای خارجی نسبت به وضعیت مشقت‌بار زندانیان در ایران بعد از ۱۳۷۶ هرچند در کوتاه مدت تأثیرگذار نبوده است، اما همواره در دراز مدت پاسخ داده است.

«امیبی لیگابو»، گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد، یکی از آخرین بازدیدکنندگان از زندان اوین است.^۴ وی آبان ماه سال ۱۳۸۲ به ایران رفت و سپس با انتشار گزارشی در مقر سازمان ملل متحد در ژنو تصریح کرد: هرچند اصلاح‌طلبان، در رده‌های عالی دولت حضور دارند اما با این همه برخی از نهادها که به دست تندروها اداره می‌شود، آنها را در منگنه قرار داده است.

وی می‌افزاید:

برخورد سازمان یافته افرادی که دیدگاههای انتقادی در خصوص عقاید سیاسی، دینی، رسمی و نحوه عملکرد نهادها دارند، جوی از وحشت و خفقان را بر جامعه ایران حاکم کرده است.

بسیاری از کسانی که لیگابو با آنها دیدار کرده به وی گفته‌اند:

در ایران آزادی بیان وجود دارد، ولی آزادی پس از بیان وجود ندارد.

^۴ ر.ک. پیوست ۴.

در گزارشی که لیگابو انتشار داده است گفته شده احمد باطبی، زندانی سیاسی وابسته به جنبش دانشجویی ۱۸ تیر ۱۳۷۸، در زمان ملاقات با او و قبل از پایان مرخصی‌اش دستگیر و به زندان اوین بازگردانده شده است.

گزارشگر ویژه با نگرانی عمیق اعلام می‌دارد که این محکومیت به خاطر تلافی کردن همکاری آقای باطبی با کارشناس مستقل حقوق بشر سازمان ملل متحد صورت گرفته است.

گزارشگر ویژه و هیئت همراه او توانستند با هفت نفر از کسانی که در زندان اوین بازداشت بودند ملاقات نمایند. این هفت نفر عبارت بودند از: هاشم آغاجری، رضا علیجانی، عباس دلدار، اکبر گنجی، ایرج جمشیدی، مهرداد لهراسی و سیامک پورزند.

انتشار گزارش لیگابو در جهان، بی‌گمان تأثیرگذار بوده است. نمی‌توان ادعا کرد این نوع فشار خارجی، ایران را از حیث کنترل وضعیت حقوق بشر به کمال مطلوب نزدیک ساخته، اما سبب شده تا رئیس قوه قضاییه وقت (آیت‌الله شاهرودی) اقدام به صدور دستورالعملها و بخشنامه‌هایی بنماید. این فرامین هرچند جای قانون را نمی‌گیرد و از سوی مجریان و متصدیان مرتبط با تندرها به موقع به اجرا گذاشته نمی‌شود، اما زمینه‌های مساعدی ایجاد می‌کند تا وکلای مدافع و فعالان حقوق بشر بهتر بتوانند از مواضع خود با صدای بلند دفاع کنند.

در اینجا یک نمونه از تغییر رویه رئیس قوه قضاییه در دومین دوره ریاست او بر قوه قضاییه که ناشی از فشارهای خارجی است نقل می‌شود:

قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی، اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۳، در مجلس ششم که اصلاح‌طلبان در آن اکثریت را داشتند به تصویب رسید.

مبنای طرح مذکور، دستور رئیس قوه قضاییه به قضات دادگستری برای احترام به حقوق مردم بود. پیش‌تر رئیس قوه قضاییه طی بخشنامه‌ای به قضات، بازجویان و ضابطان قوه قضاییه دستور داده بود از شکنجه، اذیت و آزار یا تحت فشار گذاشتن متهمان یا بدرفتاری با آنها خودداری کنند و نمایندگان مجلس که برای تصویب قوانین مشابه با مخالفت شورای نگهبان روبرو بودند، همین بخشنامه را مبنای تهیه طرح خود قرار دادند و از سد شورای نگهبان گذشتند.

۶. گزارش مفسران^۵

صدور بخشنامه مذکور توسط رئیس قوه قضاییه دلیلی بر استفاده از شکنجه و زور در بازداشتگاههای ایران ارزیابی می‌شود. قانون مدافعان حقوق بشر که یک سازمان حقوق بشری داخلی است در بیانیه خود اعلام داشته که با وجود تصویب این بخشنامه در مجلس و تبدیل شدن آن به قانون، همچنان حقوق و آزادیهای مردم و متهمان را نادیده می‌گیرند.

^۵ ر.ک به پیوست ۵

در بیانیه مزبور وضعیت متهمان پرونده سایتهای اینترنتی و وبلاگ‌نویسان و نحوه‌ی دستگیری و برخورد با آنها از مصادیق بارز تخلفات شناخته شده است.

به گفته‌ی این کانون ظاهراً هیچ مرجعی پاسخگو نمی‌باشد. با این وصف پیامد گزارش لیگابو و فشارهای جهانی ناشی از آن، موجبات تدوین و سپس تصویب آن بخشنامه را فراهم ساخت و سپس رئیس قوه قضاییه وقت زیر فشارهای جهانی و داخلی مجبور شد موجبات دیدار با زندانیان و وبلاگ‌نویسان، استماع شکایات آنها و سپس آزادیشان را فراهم سازد.

از دیگر نتایج فشارهای خارجی این بوده که آیت‌الله شاهرودی، رئیس قوه قضاییه، دستور برچیدن سلولهای انفرادی را از زندانها صادر کرده است. هرچند بی‌گمان این دستور در یک محدوده‌ی کوچک اجرا شده، ولی بازتابی از فشارهای جهانی است.

کانون مدافعان حقوق بشر، انجمن دفاع از حقوق زندانیان و دیگر سازمانهای مرتبط با حقوق بشر به استناد دستورات ریاست قوه قضاییه که زیر فشارهای خارجی صادر شده و در یک مورد (بخشنامه حقوق شهروندی) به قانون هم تبدیل شده است، توانسته‌اند با تهور و شجاعت بیشتری از حقوق متهمین دفاع کنند. آنها به این دستورات استناد جسته و بر مواضع خود تأکید ورزیده‌اند.

متهمان پرونده سایتهای اینترنتی در دیدارهای مختلف خود با هیئت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی، رئیس قوه قضاییه، دادستان کل کشور و فرمانده نیروی انتظامی به افشای مطالبی پرداختند که تا پیش از آن همه از آن سخن می‌گفتند اما نمی‌توانستند شاهد زنده‌ای را برای توصیف فاجعه معرفی کنند. فاجعه این است:

۶-۱. وجود بازداشتگاهی مخفی و بی‌نام و نشان در مرکز تهران

در سال ۱۳۸۰، سیامک پورزند، روزنامه‌نگار سالخورده و قدیمی در این بازداشتگاه و نظایر آن زیر شکنجه‌های فرساینده قرار گرفته بود، اما نظر به اینکه سیامک پورزند به علت سلیقه‌های سیاسی متفاوت مورد حمایت اصلاح‌طلبان نبود و از طرفی بنا بر خبرهای رسیده، وزارت اطلاعات محمد خاتمی هم با شگردهای خاص همسوی نهادهای موازی عمل می‌کرد، اعضای کمیسیون اصل ۹۰ مجلس ششم، پرونده‌ی او را ناتمام رها کردند و فریب آن عوامل و دستجاتی را خوردند که دوگانه عمل می‌کردند. عوامل وزارت اطلاعات خاتمی از یکسو سیامک پورزند را جانبدار اصلاحات معرفی کرده بودند، از سوی دیگر همین که سیامک پورزند دستگیر شد، با عوامل دستگیر کننده همسو شدند و کمیسیون اصل ۹۰ مجلس را با ارسال نامه‌های محرمانه‌ای که مضامین آن واقعیت نداشت از ادامه رسیدگی باز داشتند. این پرونده هرگاه توسط مطلعین بازگشایی بشود برای اطلاع‌رسانی به عموم سازمانهای حقوق بشری داخل کشور که از هرگونه دفاع حقوق بشری نسبت به وی پرهیز کرده و فریب شایعات اطلاعاتی را خورده‌اند سودمند خواهد بود. سپس با یک تأخیر سه ساله که ناشی از اهمال نهادهای حقوق بشر داخلی و اعضای کمیسیون اصل نود مجلس ششم بود، در جریان پرونده وبلاگ‌نویسان که عموماً مرتبط با اصلاح‌طلبان بودند، افشاگری درباره بازداشتگاه مخفی انجام شد. رجبعلی مزروعی ادعا کرد در قلب تهران زندانی با سلولهای انفرادی بر خلاف همه قوانین و مقررات وجود دارد.

در عین حال، اعضای خانواده و وکلای وبلاگ‌نویسان زندانی در جریان پیگیریهای خود بارها اعلام کرده بودند که نام بازداشت‌شدگان در هیچ‌یک از دفاتر زندانهای زیر نظر سازمان زندانها ثبت نشده است.

این در حالی است که مقامات رسمی، وجود هر بازداشتگاه مخفی و بیرون از نظارت سازمان زندانها را تکذیب کردند و گفتند که همه بازداشت‌شدگان در زندانهای قانونی و زیر نظر مراجع مسئول نگهداری می‌شوند. چنانچه فعالان حقوق بشری در ایران گزینشی عمل نمی‌کردند و به هنگام به داد سیامک پورزند می‌رسیدند، سه سال پیش‌تر افشاگری صورت پذیرفته بود.

یکی از مهم‌ترین آثار فشارهای بین‌المللی بر دولت ایران، روز ۲۳ جولای ۲۰۰۵ ظاهر شد. در این روز آقای عباسعلی علیزاده، رئیس کل دادگستری استان تهران و رئیس هیئت نظارت و بازرسی حفظ حقوق شهروندی، اقدامات انجام شده در رابطه با حفظ حقوق شهروندی را طی گزارش مفصلی به آیت‌الله هاشمی شاهرودی، رئیس قوه قضاییه تقدیم کرد. در این گزارش سیاست انکار مسئولین قضایی جمهوری اسلامی تبدیل به سیاست اقرار شده است. در گزارش تأکید شده:

استفاده از چشم‌بند، ضرب و شتم متهمان، تعیین تکلیف نشدن متهمان و طولانی شدن مدت تحقیقات، زندان برای نوجوان ۱۳ ساله به خاطر دزدیدن یک مرغ در بدترین بازداشتگاهها، نگهداری پیرزن متولد ۱۳۱۱ در زندان به خاطر ناتوانی مالی، دستگیری زنی به جای شوهرش که متهم به جرایم مواد مخدر و متواری است، بلا تکلیف بودن ۱۴۰۰ زندانی یکی از زندانها و ... از موارد بارز نقض حقوق شهروندی است که هیئت نظارت و بازرسی حفظ حقوق شهروندی در چند ماه بررسی خود از بازداشتگاهها به آن رسیده است و به دنبال پیگیریهای خبرنگار ایسنا (خبرگزاری دانشجویان ایران- تهران) در اختیار این خبرنگاری قرار گرفته است ...^۶

تغییر سیاست انکار به سیاست اقرار در گفتار برخی دیگر از مسئولین قضایی کشور در ماه جولای ۲۰۰۵ ظاهر شده است. ضمن آن سخنگوی قوه قضاییه جمهوری اسلامی در یک کنفرانس مطبوعاتی گفته است:

۲۹ قاضی به دلیل نقض حقوق شهروندی برکنار شدند.^۷

وی همچنین به طور ضمنی گفته است که «رئیس دادگستری نکا به دلیل افشای نام زمین خواران به کمیسیون مجلس شورای اسلامی از کار برکنار شده است ...»

این گفته‌ها نشانه‌ای است بر اینکه ۵۰ درصد از زندانیان کنونی ایران، ضرورتی نداشته است که زندانی بشوند. آقای مظفر الوندی، مدیر کل پژوهشهای سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی، از تغییر شیوه‌هایی که در دست تدوین دارند سخن گفته و بهبود اوضاع را در آینده نوید داده است.^۸

^۶ ر.ک. پیوست ۶.
^۷ ر.ک. پیوست ۷.
^۸ ر.ک. پیوست ۸.

در همین حال و همزمان با رویدادهای مورد اشاره، مجموعه‌ی دادستانی که آقای سعید مرتضوی در مقام دادستان عمومی آن را مدیریت می‌کند و همکارانش از جمله آقای سالار کیا، معاون وی، خشونت نسبت به متهمین سیاسی و مطبوعاتی را انکار کرده‌اند.

از این قرار در یک منازعه وسیع که بر محور حقوق بشر جریان دارد، دو دیدگاه افراطی و اصلاح‌گرا درون حاکمیت ایران، در تاریخ تدوین این گزارش (سال ۲۰۰۵ میلادی) با یکدیگر در ستیزند. دیدگاه اعتدال‌گرا که زیر فشارهای بین‌المللی دریافته است برای بقای نظام جمهوری اسلامی لازم است برخی تغییرات را درون سیستم قضایی کشور بپذیرد، تلاش می‌ورزد برخورد های قوه قضاییه با متهمین را اصلاح کند. اما دیدگاه افراطی درون حاکمیت همچنان مقاوم است و از سیاست انکار دور نمی‌شود. رئیس قوه قضاییه آیت‌الله شاهرودی در دومین دوره از ریاست خود بر قوه قضاییه بر دیدگاه اعتدال‌گرا پافشاری می‌کند و بر حقوق شهروندی تأکید می‌ورزد، بدون آنکه توانایی لازم برای اجرایی کردن این هدفها را داشته باشد.

در جریان مهم‌ترین و حساس‌ترین محاکمه‌ای که پیرامون قتل زهرا کاظمی در جریان بوده و هست، همچنان نظریه افراطی و غیر پاسخگو مؤثر در دادرسی است. روز سوم مرداد ماه ۱۳۸۴ (۲۵ جولای ۲۰۰۵)، دادگاه تجدید نظر زهرا کاظمی در تهران برگزار شد. در این دادگاه اصل علنی بودن دادگاه مراعات نگردید و خبرنگاران را به جلسه رسیدگی راه ندادند. وکلای پرونده نیز از اعاده‌ی پرونده به حوزه‌ی اقتدار سعید مرتضوی (دادستانی) ابراز نگرانی کردند و یادآور شدند در حالی که سعید مرتضوی و همکاران او در ماجرای قتل زهرا کاظمی دخالت داشته، چگونه می‌توان به رفع نقص از پرونده در دادستانی که زیر نظر ایشان است امید بست.^۹ آخرین جلسه دادگاه قتل زهرا کاظمی، در تاریخ ۱۰ تیرماه ۱۳۸۶ در تهران تشکیل شد و وکلای خانواده زهرا کاظمی همچنان بر نقطه‌نظرهای پیشین خود اسرار ورزیدند بدون آنکه نتیجه‌ای حاصل بشود.

۷. سخن آخر

اعلامیه جهانی حقوق بشر توسط مجمع جهانی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۸ میلادی به تصویب رسید. در این اعلامیه اعلام شد رأی و خواسته مردم باید اساس قدرت و اختیار دولت باشد و تضمین اینکه همه شهروندان حق شرکت مؤثر در روند سیاسی دارند، در عمل اهمیت مبارزه برای حقوق بشر را در روند مبارزه برای دموکراسی مورد تأکید قرار می‌دهد. در سال ۱۹۹۳ میلادی اجلاس جهانی حقوق بشر نتیجه‌گیری کرد که دموکراسی، توسعه و احترام به حقوق بشر به هم مرتبط و تجزیه ناپذیرند و توصیه کرد که فعالیتهای ملی و بین‌المللی در عرصه ارتقای دموکراسی، توسعه و حقوق بشر در اولویت قرار گیرند. منشور ملل متحد مصوب سال ۱۹۴۵، اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶، اعلامیه تهران مصوب ۱۹۶۸ در کنفرانس جهانی حقوق بشر و اعلامیه حذف کلیه اشکال تبعیض بر پایه مذهب و عقیده مصوب ۱۹۸۱، عموماً دربرگیرنده‌ی تکالیف دول عضو سازمان ملل متحد در خصوص احترام به موازین حقوق بشر است. از سال ۱۹۸۰ به طور مستمر در جوامع بین‌المللی از جمهوری اسلامی خواسته شده

^۹ ر.ک. پیوست ۹.

نسبت به حقوق بشر و تعهد خود به پیمانهای بین‌المللی پایبندی نشان دهد و از تداوم مواردی که نشان دهنده نقض حقوق بشر در ایران است جلوگیری کند. اما تاکنون با آنکه ایران دو میثاق مهم بین‌المللی را امضا کرده و دولت جمهوری اسلامی به کنوانسیون حقوق کودک هم پیوسته و نسبت به اعلامیه جهانی حقوق بشر اعلام وفاداری نموده است، وضعیت حقوق بشر در ایران اسفناک است. دوران اصلاحات با ورود محمد خاتمی به صحنه سیاست سبب شد تا نابسامانیها تا حدودی فرصت انتشار پیدا کنند. از آن رو که متهمین از طیف اصلاح‌طلبان، که اولاً به نظام جمهوری اسلامی وفادار بوده و ثانیاً در شکل‌گیری این نظام نقشهای مهم ایفا کرده بودند، اغلب برکرسی اتهام نشستند، تبعات نقض حقوق بشر را با تمام وجود احساس نموده و به جهانیان گزارش دادند.

از این حیث می‌توان گفت که در دوران ۸ ساله‌ی ریاست‌جمهوری محمد خاتمی نه تنها حقوق بشر به فراوانی نقض شده است، بلکه چالش حقوق بشری و افشاگری در این حوزه گسترده شده که البته در درازمدت سودمند خواهد بود. بخشی از وفاداران رژیم جمهوری اسلامی در دوران اصلاحات طعم تلخ زندان و شکنجه و محدودیت را شناختند و با استفاده از فضایی که خود آن را به اعتبار آراء مردم باز کرده بودند، به افشاگری پرداختند.

فهرست پیوستها

- پیوست ۱- دفاعیه دکتر حسین قاضیان،
(روزنامه اینترنتی روز، ۱۳۸۴/۴/۳۰)
- پیوست ۲- زندان ۵۹ سپاه در عشرت آباد،
(سایت <http://www.mellimazhabi.org>)
- پیوست ۳- افشاگری دبیر دوم سابق سفارت هلند در تهران: زندانیان سیاسی رجایی شهر، دور از انظار جهانی،
(سایت <http://web.peykeiran.com>)
- پیوست ۴- گزارش ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد درباره ایران،
(سایت <http://www.emrooz.ws/>، ۱۳۸۳/۱/۴)
- پیوست ۵- گزارش انجمن دفاع از حقوق زندانیان درباره وضعیت زندانهای کشور در سال ۱۳۸۵،
(سایت <http://www.emadbaghi.com>، ۱۳۸۶/۴/۸)
- پیوست ۶- علیزاده به هاشمی شاهرودی گزارش داد: موارد نقض حقوق شهروندی در زندانها، بازداشتگاههای
اصلاعاتی، امنیتی و آگاهی تهران، استفاده از چشم بند، ضرب و شتم متهمان و ...،
(سایت <http://www.isna.ir/>، ۱۳۸۴/۵/۱)
- پیوست ۷- سخنگوی قوه قضاییه گفت ۲۹ قاضی به دلیل نقض حقوق شهروندان برکنار شدند.
(سایت <http://www.radiofarda.com>)
- پیوست ۸- گفت و گو با مظفر الوندی، همه زندانیها مستحق زندان نیستند.
(سایت <http://www.sharghnewspaper.com>، ۱۳۸۴/۴/۱۶)
- پیوست ۹- مصاحبه مطبوعاتی شیرین عبادی در لندن در دفاع از اکبر گنجی
(سایت <http://www.radiofarda.com>)

پیوست ۱

دفاعیه دکتر حسین قاضیان،

(روزنامه اینترنتی روز، ۱۳۸۴/۴/۳۰)

خانه < گزارش

دفاعیه دکتر حسین قاضیان

۳۰ تیر ۱۳۸۴

در این دفاعیه که برای دیوان عالی کشور نوشته شده است که مطابق قانون آخرین مرحله ای است که متهم می تواند بدان متوسل شود، دکتر حسین قاضیان پس از چهار سال حبس گوشه ای از اعمال غیرقانونی، شکنجه ها و سندسازي هائی را به نشانه تحمیل سیاست بر دستگاه قضائی باز می کشاید.

حسین قاضیان در ابتدای دفاعیه خود خطاب به قضات شعبه اول تشخیص دیوان عالی کشور نوشته " ضمن تشکر از فرصتی که برای اینجانب جهت ارائه دفاعیات خود نسبت به موارد مطروحه در پرونده کلاسه انتقالی از شعبه سوم، موسوم به پرونده نظرسنجی موسسه آینده قاتل شده‌اید، دفاعیه خود را مشتمل بر ۱۵ صفحه و ۱۴ پیوست تقدیم می‌دارم.

حال که برای اولین بار مجالی نسبی جهت دفاع جدی از اتهامات انتسابی به دست آوردم، امیدوارم يك بار هم که شده به پرونده‌ای که از آغاز با نقض فاحش قانون و حتی عدم رعایت اصول پیش پا افتاده انسانی تشکیل شده، و در نهایت به صدور حکمی ناعادلانه و کاملاً سیاسی انجامیده، بدون در نظر گرفتن ملاحظاتى که ارتباطی به بررسی قضایی ندارد، رسیدگی شود.

با تشکر - حسین قاضیان - زندان اوین

مقدمه

اینجانب در تاریخ ۹/۸/۱۳۸۱ با "یادداشت" آقای سعید مرتضوی بازداشت و پس از طی مراحل بازجویی و رسیدگی - که شرح کیفیت آن در جای خود خواهد آمد- در جلسات ۱۲، ۱۹ و ۲۶ آذرماه ۱۳۸۱ مورد محاکمه قرار گرفتم. رأی صادره شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران به شماره ۴۹۴ مورخ ۷/۱۱/۸۱ اینجانب را به ۱/۸ سال زندان از جهت استناد به مواد ۵۰۵ و ۴۶ و ۵۰۸ قانون مجازات اسلامی و ۱ سال زندان به استناد ماده ۵۰۰ ق.م.ا. محکوم کرد. شعبه نهم دادگاه تجدید نظر استان نیز بر اساس دادنامه شماره ۱۸ و ۱۹ مورخ ۲۱/۱/۸۲ این رأی را از لحاظ استناد به مواد ۵۰۵ و ۴۶ موجه ندانسته و آن را از دادنامه حذف کرده و صرفاً از جهت استناد به ماده ۵۰۸، حکم محکومیت به ۴ سال حبس، و با استناد به ماده ۵۰۰ حکم محکومیت به ۶ ماه حبس صادر نموده است. اینجانب نیز پس از ابلاغ حکم تجدید نظر به آن اعتراض نموده و خواهان طرح موضوع در دیوان عالی کشور شدم.

اکنون که شعبه اول تشخیص دیوان عالی کشور، فرصتی جهت ارائه دفاعیه در باب اتهامات انتسابی و حکم صادره فراهم نموده است، دفاعیه خود را در باره آرای صادره بدوی و تجدید نظر، تقدیم می‌کنم. در این دفاعیه به ایرادات ماهوی و عمدتاً به اشکالات متعدد، استناد به ماده ۵۰۸ پرداخته می‌شود چرا که در رای تجدید نظر صرفاً از بابت همکاری با دولت متخاصم [جرم موضوع ماده ۵۰۸ ق.م.ا] حکم به تحمل حبس به مدت ۴ سال داده شده و استناد به مواد ۵۰۵ و ۴۶ در رای بدوی را وارد ندانسته و رد کرده است. در جای خود اشاره ای کوتاه هم به محکومیت ماده ۵۰۰ خواهد شد. در ایرادات مربوط به استناد به ماده ۵۰۸ سعی می‌شود نشان داده شود در بزه مستند به این ماده، عناصر مادی و معنوی جرم مفقودند و از این حیث انتساب بزه و صدور حکم یاد شده بی‌وجه است.

گذشته از این، باوجود اینکه از جهت شکلی نیز نحوه عمل ماموران در طول دوره رسیدگی به گونه ای بوده که رسیدگی ماهوی نمی‌توانسته فارغ از توجه به آن صورت گیرد، اما آنها را صرفاً جهت اطلاع قضات محترم به صورت پیوست این لایحه تقدیم می‌کنم [پیوست شماره ۱]. زیرا ایرادات ماهوی چندان فراوان و حکم صادره از لحاظ قضایی چنان بی اعتبار است که نیازی به طرح آن مسایل در متن این دفاعیه نمی‌بینم.

بر همین اساس من در این دفاعیه توجه خود را معطوف به نقد و تحلیل استناد به مواد مذکور کرده و از سایر مطالبی که در دادنامه تجدید نظر، به تبع دادنامه بدوی، آمده است، صرف نظر می‌کنم. چرا که در این دو دادنامه مطابق معمول آرای که در مورد پرونده های دارای ماهیت سیاسی صادر می‌شود، مطالب فراوانی به چشم می‌خورد که نه تنها کاملاً نادرست یا نا دقیق است، بلکه برخی از آن ها دروغ ها و جعلیاتی آشکار و بدون پروای از فقدان هر دلیل و بینه قضایی است. این موارد، صرف نظر از نادرستی هایشان، واجد هیچ مفهوم حقوقی نبوده و آوردن آن ها در دادنامه توجیه قضایی نداشته و صرفاً به جهت تبلیغات سیاسی مرسوم انجام گرفته است. ناگفته پیداست که این موارد حتی در صورتی که کاملاً صحیح و مقرون به واقع هم می بودند، در بهترین حالت، "طریقیّت" داشتند نه "موضوعیت" و طبعاً مادام که ماهیت، عمل مورد ادعای حکم دهندگان، متصف به وصف مجرمانه نباشد، به عبارت دیگر موضوعیت جرم مورد تردید باشد، توجه به آنچه جنبه طریقت دارد، مداخلتی نخواهد داشت.

در هر حال، از آنجا که من شأن قضات محترم دیوان را اجل از توجه به مدعیاتی می‌دانم که به لحاظ قضایی فاقد ارزشند، از پرداختن به آن ها خود داری کرده ام. طبعاً در صورتی که قضات محترم برای رفع برخی شبهات محتمل توضیح در مورد آن ها را لازم بدانند، برای ایراد هرگونه توضیحی آماده ام و البته حق پاسخگویی به این گونه هوچی گری های سیاسی را که با مقام این دفاعیه تناسبی ندارد، در مناسبت های دیگر برای خود محفوظ می‌دانم.

« برای خواندن متن کامل دفاعیه اینجا کلیک کنید. (PDF File - 166 KB) »

دریافت با ایمیل

برای دریافت روزانه‌ی مطالب روز دو راه پیش رو دارید:

۱) آدرس ایمیل خود را در فرم پایین وارد کنید و دکمه‌ی «تایید» را بزنید

تایید

۲) به نشانی پایین یک ایمیل ساده بفرستید

RoozOnline-subscribe@googlegroups.com



روز

۲۰۰۵, ۷ Friday, July

جمعه، ۳۰ تیر ۱۳۸۴

جستجو:

روزنامه‌ی صبح به وقت تهران

خانه | صفحه اول | گزارش | گفت‌وگو | مقاله | میهمان روز | طنز | پنجره | کارتون | از شما | هنر روز

درباره | آگهی | تماس | English

خانه < گزارش

پس از یک سال، دفاعیه افشاگر قاضیان آشکار می‌شود
بخوانید با قاضیان چه کرده اند

۳۰ تیر ۱۳۸۴

حسین قاضیان نزدیک به سه سال است که همراه با عباس عبدی و در پرونده نظرسازان و در یکی از بحران‌های ساختگی دستگاه قضائی برای مقابل با جنبش اصلاح طلبی دستگیر و زندانی شده است. این استاد دانشگاه و محقق با خصلت دانش پژوه و دور از جنجال خود هرگز به افشای بدکاری هائی که با وی شده بود برخاست و در سکوت این حبس غیر عادلانه و غیرقانونی را تحمل کرده است. سرانجام نیز وقتی یک سال پیش در دفاعیه‌ای به دیوان عالی کشور به شرح ماجرا برخاست حاضر به افشای آن در معرض افکار عمومی نشد. «روز» با انتشار متن دفاعیه حسین قاضیان و پیوست آن پرونده دیگری از فشارهای غیرقانونی دستگاه قضائی بر محققان و پژوهشگران را افشا می‌کند.



پیوست دفاعیه

ایرادهای شکلی: نقض مکرر قانون در جریان رسیدگی

واقفم که در هر پرونده، جنبه شکلی و تشریفات رسیدگی، مقدم بر جنبه‌های ماهوی است و بدون جری تشریفات قانونی در مرحله رسیدگی، یا دست‌کم در صورت نقض فاحش قوانین آمره در این زمینه‌ها، نمی‌توان بدون اشکال وارد رسیدگی ماهوی شد. اما از آنجا که ایرادهای شکلی شامل مواردی چون شکنجه، ضرب و شتم، تضییقات جسمی و روحی، تحقیر، تهدید و ارعاب و پرونده‌سازی، به ویژه توسط شخص قاضی بوده و به لحاظ عاطفی و انسانی تأثیرگذار و به لحاظ سیاسی واجد جنبه‌های جنجالی است، مایل نبودم با آوردن آنها در آغاز این دفاعیه، ذهن قضات محترم را متوجه مسائلی کنم که حتی اگر نبودند هم حکم صادره را

به کلی از اعتبار ساقط می‌کردند، چه رسد به اینکه در جریان رسیدگی بدیهی‌ترین و بیش‌پا افتاده‌ترین حقوق متهم را هم رعایت نکردند. به نظر من، مهمترین حقوق دریغ داشته شده و مهمترین جنبه نقض مکرر قانون در این موضوع، نه شکنجه و ضرب و شتم و تحقیر و تهدید و ارعاب که ممانعت از حق دفاع و محروم کردن از لوازم و مقدمات و مقارنات آن بوده است.

به علاوه از آنجا که رسیدگی به این ایرادهای شکلی، دست‌کم مواردی که با هماهنگی یا به دستور قاضی یا توسط شخص وی انجام شده، مستلزم طرح در دادسرای انتظامی قضات است [که امری است جداگانه و امیدوارم مسؤولان عالی‌رتبه دستگاه قضایی که در جریان موقوف قرار گرفته‌اند، در صورتی که مختصر دردی بابت عدالتخواهی دارند به آن رسیدگی نمایند] از طرح آنها در متن دفاعیه خودداری کرده‌ام. اما با توجه به شفاف قضات دیوان، اطلاع آنان را از این موارد جهت به کارگیری مساعی جمیله خود برای حفظ حریم عدل و داد، شایسته می‌دانم.

اکنون نیلا به تخلفات و جرایم رخ داده در مرحله رسیدگی می‌پردازم:

الف- تعقیب و مراقبت و شنود تلفنی و دخالت در زندگی خصوصی اینجانب از اواخر سال ۱۳۸۰ و در اوایل سال ۱۳۸۱ بدون صدور دستور قضایی مشخص توسط تیمی بدون سمت ضابط قضایی که در جریان رسیدگی، از جمله ضرب و شتم و شکنجه، و حتی تصمیم‌گیری در امور صنفی زندان در حین گذراندن دوران محکومیت، و حتی در حال حاضر، نقش ایفا می‌کنند و کماکان نیز به تعقیب و مراقبت و شنود تلفنی و دخالت در زندگی خصوصی بنده ادامه می‌دهند [توجه فرمایید به مواد ۱۵، ۳۸، و ۶۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب]. در این مورد در اوایل سال ۱۳۸۱ نامه‌ای به وزیر کشور نوشتم تا نسبت به تعقیب و مراقبت مأمورانی که جزء نیروی انتظامی به نظر نمی‌آمدند، رسیدگی نمایند. وزارت کشور پس از بررسی، اعلام کرد که این عده مأموران نیروی انتظامی نیستند. آقایان هم که اوضاع را نامساعد احساس کردند با يك صحنه‌سازی مضحك به کار تعقیب و مراقبت پایان دادند.

ب- احضار اینجانب به صورت تلفنی صورت گرفت [مواد ۱۱۲ تا ۱۱۵ ق.آ.د.ک] پس از حضور در محل مؤسسه، بدون وجود حکم جلب یا بازداشت، در محل بازداشت شدم [مواد ۱۱۷ تا ۱۲۰ ق.آ.د.ک] حکم بازداشت دست‌کم يك ساعت بعد به دست مأموران رسید. این حکم بر روی يك برگ کاغذ کاهی مانند، به صورت یادداشت، طبعاً فاقد آرم و نشان و شماره نامه و تاریخ و مهر، و صرفاً به امضای آقای مرتضوی، بدون استناد و دلیل و ذکر حق اعتراض بود [مقایسه شود با ماده ۳۷ ق.آ.د.ک].

پ- خوشبختانه از آنجا که بنده مختصری با حقوق محدود خود به عنوان متهم آشنا بودم، از همان آغاز به فقدان دلیل و مستند و اصل لزوم بازداشت [مقایسه شود با مواد ۱۱۷ و ۱۱۸ ق.آ.د.ک] اعتراض کردم. سپس این اعتراض را به صورت شفاهی و مکتوب مجدداً به اولین بازجویان و نیز در شروع بازجویی توسط شخص قاضی [که پیش از تفهیم اتهام صورت گرفت!] به وی گوشزد کردم. قاضی و بازجویان نوشته‌های اعتراضی را پاره کردند و هیچگاه نیز نتیجه اعتراض به اولین بازداشت [۹/۸/۸۱] را در دادگاه تجدید نظر به من اعلام نکردند. محتمل است که اساساً اعتراض بنده را به دادگاه تجدید نظر منعکس نکرده باشند [ماده ۳۳ ق.آ.د.ک].

ت- بازجویان پیش از تفهیم اتهام شروع به بازجویی کردند و حاضر به تفهیم اتهام نبودند. جالب اینکه خود قاضی نیز نه تنها بازجویی را در نیمه شب، بلکه پیش از تفهیم اتهام آغاز کرد. قاضی خود نمی‌دانست چه اتهامی را باید تفهیم کند. در آغاز، اتهام انجام نظرسنجی را تفهیم کرد. وقتی مستند مجرمانه بودن آن را پرسیدم، جوابی نداشت. حتی نمی‌دانست کدام نظرسنجی و با چه مشخصاتی مورد نظر است. سپس، بعد از بی‌فایده دیدن و سست یافتن اتهامات، آن را به "تحریک به شورش و اغتشاش" تبدیل کرد. در هر يك از این موارد قاضی به رغم اصرار و درخواست کتبی من حاضر نبود اتهام را به صورت صریح و منجز و با استناد به مواد قانونی اعلام کند. بنابر این در اوراق پرونده که بنده هیچگاه ندیدم- طبعاً اشاره‌ای به نوع

اتهام بر حسب مواد قانونی نخواهید یافت. جالبتر اینکه پس از دو هفته شکنجه و ضرب و شتم بی ثمر به قصد اعتراف بر ضد رقبای سیاسی حضرات یا اعتراف به فساد جنسی ادعایی، آقایان برای بهره برداریهای سیاسی مالوف - که معلوم نیست از چه زمان جزو وظایف اصلی قاضی شده- تیم بازجویی را عوض کردند، ۸۳ صفحه اوراق بازجویی را کنار گذاشتند و قاضی با تفهیم اتهام جاسوسی، باز هم به همان روال، بدون اشاره به فعلی خاص یا موردی معین یا استناد به ماده‌ای قانونی، بازجویی را از نیمه شب آغاز و تا اذان صبح ادامه داد [مقایسه شود با ماده ۱۱۹ ق.آ.د.ک].

ث- شکنجه و ضرب و شتم جهت اقرار به موضوعات کذب و پرونده‌سازی‌های مرسوم جنسی یا جهت اعلام مطالبی علیه اصلاح‌طلبان و دفتر ریاست جمهوری یا دولت‌های خارجی و کارکنان سفارتخانه‌های آنها در ایران، شامل:

۱. آغاز به ضرب و شتم، بعد از پیاده کردن از اتومبیلی که با دستبند و چشم‌بند مرا سوار آن کرده بودند، بلافاصله پس از رسیدن به محوطه زندان اختصاصی در داخل زندان اوین، توسط چهار یا احتمالاً پنج نفر.
۲. وادار کردن به چهار دست و پا رفتن از سلول تا اتاق بازجویی بسان حیوانات با دست‌بند و چشم‌بند، توسط سر بازجوی تیم اول بازجویی.
۳. شروع رسمی شکنجه و ضرب و شتم توسط بازجو و سر بازجوی تیم اول، و ادامه آن به مدت دو هفته و حتی پیش از تفهیم اتهام، شامل مواردی چون:
 - کوبیدن سر به دیوار با دستان و چشمان بسته؛
 - کوبیدن مشت بر روی ناحیه قلب با سرعت و به طور ممتد و متوالی که چهار- پنج دقیقه طول می‌کشید؛
 - وارد کردن ضربات متعدد به سر، با مشت، کتاب‌های قطور یا آرنج؛
 - چرخاندن با دست و چشم بسته به دور محوری ثابت تا از حال رفتن و زمین خوردن و اقدام برای جا آوردن حال و ادامه شکنجه؛
 - بی‌خوابی دادن و سر پا نگه داشتن در سه شبانه‌روز اول بازجویی؛
 - گذاشتن در معرض سرما و هوای آزاد با یک لباس نازک؛
 - ندادن پتوی کافی در سه هفته اول، با وجود سرمای گزنده و نبود وسایل گرم‌کننده؛
 - عدم اجازه استفاده از سرویس بهداشتی [با وجود بیماری کلیه و تکرر و اعلام آن به آقایان]؛
 - ممانعت از هواخوری مطابق مقررات و رویه‌های مرسوم [۳ نوبت هواخوری جمعا با حدود ۴۰ دقیقه در حدود سه هفته اول]؛
 - فرستادن به سلول پس از بازجویی شبانه با دست‌بند برای خواب [دست‌کم دو بار آن را به یاد دارم]؛
 - عدم اجازه برای استحمام تا حد بو گرفتن بدن [یک بار حمام در ۱۰ روز اول] و در اختیار نگذاشتن لباس و حوله مناسب؛
 - ندادن آب خوردن در حدود یک هفته اول [بعد از آن ماه رمضان شروع شد].

تمام این موارد را مکرر به اطلاع قاضی رساندم و به صورت جداگانه یا در آغاز بازجویی‌های روزانه نوشتم که یا ناشنیده گرفته یا اوراق آن پاره شد. قاضی نیز که احتمالاً خود در یکی از موارد شکنجه حضور داشت، منکر آن بود. در هر حال شاید به همین دلیل، احتمالاً ۸۳ صفحه بازجویی اولیه در پرونده موجود نیست [می‌گویم احتمالاً چون با وجود اشارات من در دور دوم بازجویی به دوره اول بازجویی‌ها و کیلم هیچگاه سراغی از آنها نگرفتم] و بازجویی‌ها احتمالاً باید از تاریخ ۲۵ یا ۲۶ آبان شروع شده باشد مگر آنکه حضرات با اطلاع از این موضوع دست پیش گرفته و آنها را به پرونده اضافه کرده باشند که در هر حال فاصله زمانی ۹/۸ تا ۲۵ یا ۲۶/۸ و شماره صفحات جداگانه آن گواه امر خواهد بود.

ج- تهدید، ارعاب و اجبار مکرر قاضی برای پذیرش اعمالی که مرتکب نشده بودم؛ اعتراف به موضوعاتی سیاسی که حقیقت نداشت؛ تهدید برای اظهار سخنان ناصواب علیه افراد و جریان‌های سیاسی و نهاد ریاست جمهوری؛ شکایت علیه همکاران یا اشخاص ثالث و نیز کارکنان نمایندگی‌های سیاسی خارجی در ج.ا.ا.؛ انصراف از دفاع؛ انجام دفاع فرمایشی؛ و انجام مصاحبه‌های فرمایشی و... به شرح

ذیل:

۱. تهدید مکرر قاضی به دستگیری اعضای خانواده‌ام که هیچ ارتباطی با پرونده نداشتند برای تحت فشار گذاشتن جهت اعتراف به مطالب مورد نظر حضرات.
۲. اعلام دروغ قاضی مبنی بر اینکه سران نظام از صدر تا ذیل [با بردن نام یا سمتشان] به این نتیجه رسیده‌اند که بهترین راه برای خلاصی از این پرونده، با توجه به سر و صدایی که به پا شده، اعدام من است.
۳. تهدید مکرر قاضی به اعدام و دستور به همکاریش برای فراهم آوردن مقدمات آن و تشکیل جلسه محاکمه صوری و اعدام با جرتفیل.
۴. تهدید قاضی و سر بازجوی اول به زدن شلاق و فراهم آوردن مقدمات آن.
۵. تهدید سر بازجوی تیم اول جهت گسیل من به بند ضدجاسوسی که تصویر مهبی از آن می‌دادند.
۶. تهدید به افشای مسائل زندگی خانوادگی و خصوصی با پرونده‌سازی و افزودن دروغ‌های شرم‌آور توسط قاضی و تیم اول بازجویی با شنیع‌ترین کلمات که از اشخاص عادی کوچه و بازار هم بعید است.
۷. ارباب خانواده، دوستان و حامیان من با طرح مسائل خلاف و غیرواقعی درباره به اصطلاح فساد اخلاقی من و اینکه گویا از بام تا شام در کار تجاوز به خانم‌ها آن هم از نوع شوهردارش- بوده‌ام. به طوری که هیچ‌گونه راهی برای دفاع از من وجود ندارد.
۸. تهدید و اجبار به اعلام شکایت علیه همکاران و تهدید و ارباب آنان جهت شکایت از من.
۹. تهدید و اجبار قاضی به اعلام شکایت از دبیر دوم سفارت انگلستان در تهران و طرح مسائل دروغ‌در این شکایت و سپس استفاده از همین شکایت علیه خود من در پرونده.
۱۰. و مهمتر از همه تهدید به انتساب جرایم بند "د" پرونده که قاضی و همکاریانش اذعان داشتند به من مربوط نمی‌شود، و ارباب جهت اعدام به دلیل جرایم این بند و تغییر دادن مسیر پرونده و تبدیل آن به پروژهای نمایشی و سیاسی. اهمیت این امر در این است که قاضی و همکاریانش که با وجود اقدام به شکنجه و ضرب و شتم و تهدید و ارباب جهت پرونده‌سازی‌های سیاسی و فرمایشی تا جلسه دوم دادگاه به نتیجه نرسیده بودند، با در میان آوردن اتهامات بند "د" پرونده و توجه دادن آن به من و اعلام اینکه همه ارکان نظام در مورد اعدام من به اشتراك نظر رسیده‌اند، توانستند مسیر پرونده را کاملاً تغییر داده و عملاً من را از کمترین حق دفاع هم محروم سازند.

چ- سلب حق دفاع در دادگاه بدوی و تجدید نظر و ممانعت از دسترسی به لوازم و مقدمات و مقارنات آن، شامل این موارد:

- ۱- جلوگیری از صحبت و مشاوره با وکیل حتی برای چند دقیقه به صورت آزادانه، از بدو تا ختم رسیدگی و حتی پس از آن[!] و حتی در دادگاه. من تا پیش از حضور در دادگاه، دو بار و جمعاً کمتر از يك ساعت با وکیل ملاقات کردم که در هر دو مورد قاضی و دستیارش هم حضور داشتند و اغلب پرسش‌های من را که چندان هم حساسیتی نداشت قاضی پاسخ می‌داد و نه وکیل بنده. وکیل تنها توانست به کلیاتی در مورد جریان رسیدگی بدون ارتباط با این پرونده خاص اشاره کند و بس. حتی در دادگاه نیز من را در فاصله حدود ۵-۶ متری وکیل نشانده بودند و دو مأمور در کنارم گذاشته بودند. حتی پس از پایان جلسات دادگاه و با وجود گذشت مدت‌ها از ختم رسیدگی و اخذ آخرین دفاع و صدور حکم که برای ساعتی به مرخصی تحت‌الحفظ رفتم، باز هم با وجود مأموران امکان گفتگو با وکیل را پیدا نکردم.
- ۲- در اختیار نگذاشتن کیفرخواست. کیفرخواست را تنها برای مدتی حدود يك ساعت در حضور بازجو در اختیارم گذاشتند تا از آن یادداشت بردارم و دیگر هیچگاه به آن دسترسی نیافتم و حتی با وجود درخواست از وکیل نزد قاضی برای فرستادن نسخه‌ای از آن، هیچگاه موفق به دیدن مجدد کیفرخواست و مراجعه به آن برای تنظیم دفاعیه نشدم.

۳- در اختیار نگذاشتن کتب و منابع حقوقی، که در غیاب وکیل می‌توانست مددیار تنظیم دفاعیه‌ای قابل قبول باشد.

۴- حتی ممانعت از اطلاع از مفاد مواد قانونی که در کیفرخواست به استناد آنها برای تقاضای محکومیت شده بود. تصدیق می‌فرمایید که در این حالت از آنجا که شخص نمی‌داند دقیقاً به چه چیز و به چه دلیلی محکوم شده، مشخصاً هم نمی‌داند که از چه چیز باید دفاع کند و این امر در مختصر دفاعیات من هم روشن است.

۵- ممانعت از خواندن اوراق پرونده و اطلاع از استنادات و مدارک مدعی‌العموم یا دست‌کم مرور بازجویی‌های خودم برای استناد به آنها جهت تهیه دفاعیه، در هیچیک از مراحل رسیدگی.

۶- ممانعت از دسترسی به اسنادی که مدعیات مطرح شده در کیفرخواست را رد می‌کرد و تیم بازداشت‌کننده همه آنها را از محل کار و منزل برداشته و در اختیار خود گرفته و من یا وکیل را از دسترسی به آنها مانع می‌شدند. نمونه آن پرسشنامه‌ای بود که در طرح VM مبنای عمل قرار گرفته بود و نشان می‌داد که بر خلاف القای قاضی و مانور تبلیغاتی و مطبوعاتی در مورد آن، من پرسش از مردم در مورد "ضرورت صرف منابع جهت تکمیل نیروگاه هسته‌ای بوشهر" را حذف کرده بودم. جالب اینجاست که حتی پس از اعلام محکومیت و صرفاً جهت روشن شدن حقیقت [یا در واقع رسوا شدن] نیز حاضر نشدند پرسشنامه را به من تحویل دهند یا دست‌کم در حضور من یا شخص ثالثی آن را بررسی کنند تا صحت و سقم ادعایشان معلوم شود. و البته هنوز نیز کلیه اسناد و مدارک بی‌ربط و باربیط به موضوع را در اختیار دارند.

۷- عدم قبول ارجاع مدعیات مضحك مدعی‌العموم به کارشناسی؛ مدعیاتی از این است که Pilot Study

یعنی مطالعه خلبانان و الی آخر....

۸- عدم قبول ارجاع پرونده‌ای که قاضی موضوع آن را جاسوسی می‌دانست به کارشناسان وزارت اطلاعات یا اخذ نظر کارشناسی آنان، حال آن که موضوع قانوناً در صلاحیت رسیدگی کارشناسان این وزارتخانه بود [بند "ب" از ماده ۱۰ قانون تاسیس وزارت اطلاعات، ۱۳۶۲]. مصوب

۹- جلوگیری از برگزاری جلسه علنی سوم دادگاه که قرار بود من پس از دفاع فرمایشی که با تهدید و اجبار قاضی در جلسه دوم به اختصار قرائت کرده بودم، برگزار شود و من بتوانم به تفصیل مدافعاتی را که در نظر داشتم مطرح کنم. قاضی پس از تهدید به اعدام من به دلیل انتساب جرایم بند "د" کیفرخواست که هم خود و هم بازجویانش می‌دانستند به من مربوط نمی‌شود و حتی آن را اعلام هم می‌کردند- و پس از تطمیع نسبت به اینکه با یک دفاعیه فرمایشی و اذعان به برخی اشتباهات، جو سنگین علیه من شکسته می‌شود و من می‌توانم در جلسه سوم بهتر دفاع کنم، و من نیز با تعهد به مطرح نکردن شکنجه و ضرب و شتم و مسائل دور اول بازجویی‌ها، پذیرفتم که مصاحبه‌ای را که قاضی آن را اجباری می‌دانست انجام دهم، در دادگاه به برخی اشتباهات و کوتاهی‌های خود به اصطلاح اعتراف کنم تا در جلسه بعد بتوانم به تفصیل دفاعیات خود را با رعایت حال آنان مطرح نمایم. اما پس از این جلسه [جلسه دوم]، قاضی مجدداً تغییر چهره داد و با تهدید مجدد به اعدام و مجازات سنگین ناشی از انتساب بند "د" اتهامات مانع از برگزاری جلسه علنی سوم دادگاه شد و طبعاً مدافعات من نیز ممکن نشد.

۱۰- پس از آن ناچار شدم مدافعات خود را مکتوب کنم. چون قاضی تنها در صورتی می‌پذیرفت که جلسه علنی برگزار شود و من دفاعیاتم را قرائت کنم که مطابق روال دادگاه دوم به صورت فرمایشی اتهامات مورد نظر وی را بپذیرم و نمایش سیاسی مطلوب وی را اجرا کنم. نوشتن این دفاعیه نیز، چنانکه گذشت، بدون در اختیار داشتن کمترین امکانات ممکن، بدون در اختیار داشتن کتاب و منابع حقوقی، کیفرخواست، یا حتی اطلاع از مواد قانونی که به آنها متهم شده بودم و نیز طبعاً عدم دسترسی به وکیل در یک فرصت دو روزه انجام گرفت. این دفاعیات نیز که نزدیک به شصت صفحه می‌شد، از نظر قاضی قابل قبول نبود! [چرا که تا حدی که در آن شرایط برای من امکان‌پذیر بود، مطالبی را که از کیفرخواست به یاد

داشتم یا یادداشت برداشته بودم، مردود دانستم. سپس قاضی مجدداً با تهدید نسبت به اعمال مجازات بند "د" و ادارم کرد تا صفحاتی را به عنوان قبول اشتباه در لایه‌لای هر قسمت و در شروع یا پایان مطالب اضافه کنم که هر کس متن را دیده باشد مصنوعی بودن این موارد و کار گذاشته شدنشان در میان سایر مطالب را متوجه می‌شود.

۱۱- حتی پس از صدور حکم بدوی نیز باز قاضی بیکار نبود و با وجود فقدان سمت در این مرحله، برای ممانعت از ارائه دفاعیه به دادگاه تجدید نظر دست به کار شد. این بار با سلاح تهدید قبلی و نیز با تطمیع نسبت به آزادی قریب‌الوقوع با تعلیقی کردن حکم در دادگاه تجدید نظر که می‌گفت در اختیار خودمان است. خواهان نوشتن متنی فرمایشی به جای لایحه دفاعیه شد و با توجه به اینکه تعهد می‌داد که این نوشته در هیچ جا منعکس نخواهد شد و صرفاً در اوراق پرونده می‌ماند، حتی خود موارد اصلی را انشاء می‌کرد. به این ترتیب فرصت دفاع در دادگاه تجدید نظر نیز از بنده سلب شد. و البته متن دفاعیه فرمایشی هم، به رغم قول قاضی، و با آنکه آن را مستقیماً به دست خود وی سپرده بودم، فردای آن روز در روزنامه کیهان به چاپ رسید!

ح- پخش اتهامات و نام و عنوان اینجانب پیش از قطعی شدن حکم از رسانه‌های مختلف، به ویژه صدا و سیما. با آن که من کتباً و شفاهاً [در حضور بار دوم وکیل] برای حفظ حقوق خود از قاضی خواسته بودم از انعکاس موضوع و تصویربرداری از من توسط صدا و سیما، محدودیت‌های قانونی را گوشزد و مانع تخلف شود یا دست‌کم برای من فرصت شکایت یا اعتراض بگذارد. تنها دقایقی پس از پایان جلسه اول، هنگامی که تحت الحفظ در اتاق مجاور دادگاه بودم، با تصویر خود و اتهامات موضوع کیفرخواست در اخبار ساعت ۱۴ سیما ج.ا.ا. مواجه شدم. طبیعی است که در این حالت انتقال اخبار پرونده توسط قاضی و همکاری‌اش به رسانه‌ها و سایت‌های مختلف [نمونه بارزش چاپ نامه دفاعیه تجدید نظر بود که مستقیماً در اختیار وی قرار گرفته و در کیهان فردای آن روز منتشر شد] امری کاملاً محتمل بود [ملاحظه شود تبصره ۱ ماده ۱۸۸ ق.آ.د.ک].

خ- گذشته از موارد یاد شده تخلفات و رفتارهای خلاف قانون و رویه دیگر چندان زیاد است که برای پرهیز از تصدیع، ناچارم به برخی از آنها فهرست‌وار اشاره کنم:

۱- اخذ آخرین دفاع نسبت به بند "د" پرونده در جلسه غیر علنی مورخ ۲۶/۱/۸۱ و نیز به صورت مکتوب، و سپس برگزاری مجدد و نمایشی دادگاه برای رسیدگی به همین موضوع بدون هیچ دلیل دیگری جز نمایش آن در برابر نمایندگان رئیس جمهور و رئیس مجلس شورای اسلامی در اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۲. جالب است که در این مدت بازجویی دیگری هم صورت نگرفت و اگر می‌گرفت هم محمل قانونی نداشت چرا که کیفرخواست در این مورد صادر شده بود.

۲- ادامه بازداشت، بدون وجود قرار قانونی. در واقع پس از برگزاری جلسه آخر دادگاه [۲۶/۹/۸۱] محاکمه پایان یافته بود، طبقاً پیش از آن کیفرخواست صادر شده بود و بازجویی هم دیگر نه ضرورتی داشت و نه توجیه قانونی. اما قاضی با وجود اعلام تهیه وثیقه ۲۰۰ میلیون تومانی، و تهیه آن از جانب خانواده، نه تنها فک قرار نکرد که حتی پس از صدور حکم بدوی [۷/۱۱/۸۱] نیز به این امر مبادرت نکرد. به این ترتیب اینجانب دست کم از زمان پایان آخرین قرار تمدید شده بازداشت [یعنی ۹/۱۰/۸۱] و دست بالا پس از ابلاغ حکم بدوی [یعنی ۸۱/۷/۱۱] تا زمان صدور و ابلاغ [غیر قانونی] حکم تجدید نظر [یعنی ۷ یا ۸ اردیبهشت ۸۲] بدون وجود قرار قانونی، و به اعتباری بدون وجود موجبات قانونی، در بازداشت به سر برده ام و البته به شکل انفرادی.

۳- عدم ابلاغ حکم بند "د" پرونده، با وجود آن که رأی متهم ردیف دوم پرونده در این بند ابلاغ شده و اکنون در دادگاه تجدید نظر در حال رسیدگی است. عدم ابلاغ حکم این بند، کماکان به عنوان ابزاری جهت تهدید در دست قاضی ارتقاء مقام یافته عمل می‌کند.

۴- عدم رفع نقص پرونده تجدید نظر جهت ارسال به شعبه تشخیص دیوان عالی کشور. با وجود آن که رأی دادگاه تجدید نظر در اردیبهشت ۱۳۸۲ در داخل زندان و توسط رئیس دفتر شعبه ۱۴۱۰ سابق به اینجانب ابلاغ شد و من ضمن اعتراض به حکم یاد شده، و عده به ارائه لایحه دفاعیه در موقع خود کرده‌ام،

اما قاضی مربوطه، یعنی آقای مرتضوی، و سپس مقام بعدی، تا کنون حاضر نشده‌اند آن را جهت رفع نقص پرونده به منظور رسیدگی در دیوان ارسال نمایند. پیداست که از این مورد نیز به عنوان ابزاری برای فشار و ننگ داشتن بیشتر متهم در زندان استفاده می‌کنند و به همین سبک تا کنون توانسته‌اند حدود ۲۰ ماه از رسیدن پرونده به دیوان ممانعت به عمل آورند [جلد دوم ضmann همین مجموعه دیده شود].

۵- به همراه بردن فله‌ای اموال و مدارک شخصی، از عکس‌ها و نامه‌های خصوصی گرفته تا اسناد سجلی بدون هر گونه ارتباط عقلایی با موضوع اتهام که البته باید می‌گشتند تا موضوعش را پیدا کنند. که در عمل هم مورد استفاده واقع نشد اما تا کنون با وجود گذشت بیش از ۲۲ ماه از صدور حکم بدوی و حدود ۲۰ ماه از صدور رأی تجدید نظر عودت داده نمی‌شود. جالب اینکه از مجموعه انبوهی از وسایل، یادداشت‌ها و فیش‌های تحقیقاتی، مقالات تألیفی و ترجمه، دیسک‌ها و سی‌دی‌های حاوی تحقیقات تجربی و... تنها به چند ای-میل در دادگاه استناد شده که همه آنها عندالزوم می‌توانست در قالب یک دیسک در اختیار دادگاه باقی بماند.

۶- صرف نظر از خودداری از عودت اموال، اسناد، مدارک، گزارش‌ها، مقالات، کتاب‌ها، نوارها، سی‌دی‌ها و... تا مردادماه سال جاری از فک پلمپ محل مؤسسه که در پرونده سمتی نداشت خودداری می‌شد و جالب اینجاست که به چیزی هم در آنجا احتیاج نداشتند چون همه چیز را به صورت فله‌ای برده بودند و تنها شاید می‌خواستند با توجه به اجاره‌ای بودن محل مؤسسه زیاد هنگفت مالی به ما وارد کنند.

۷- گشتن برای پیدا کردن ردی از مواد مخدر، مشروبات الکلی، نوارهای به اصطلاح مبتذل و... و فیلمبرداری از تمام زوایای مؤسسه و به ویژه منزل [از عکس‌ها و نامه‌ها گرفته تا داخل کتو، زیر و روی تختخواب، داخل کمد، حمام و توالت و حتی از خوابیدن و استراحت کردن من هنگامی که بحث در مورد رعایت موازین قانونی مربوط به تفتیش با آنان را بی‌فایده دانستم].

۸- شروع بازجویی‌ها از نیمه شب با بیدار کردن از خواب، و ادامه آن تا اذان صبح آن هم توسط شخص قاضی. بازجویی با چشم‌بند و بعضاً با دست‌بند به صورت شفاهی صورت می‌گرفت. برای نوشتن جواب، در موقعی که سوئمن دانسته می‌شد، چشم‌ها را باز می‌کردند، در پشت سر قرار می‌گرفتند و گاه دست چپ را با دست‌بند به صندلی می‌بستند تا با دست راست بنویسم.

۹- بستن رگبار تهمت‌های جنسی با مشمنز کننده‌ترین کلمات با ذکر جزئیات مهوع و بیان کلیشه‌های صد بار گفته شده برای بسیاری از متهمان، البته با بردن نام افرادی معین، به ویژه از همکاران و دوستان و تهدید به اینکه شنود و عکس و فیلم داریم و الی آخر... با وجود اصرار مکرر من به طرح هر ادعا و استنادی در این موارد در دادگاه "علنی"، آقایان این موضوعات را همان طور که انتظار می‌رفت هیچگاه به نحو قانونی پی نگرفتند و صرفاً از آن به عنوان ابزار فشار استفاده کردند که البته در نهایت هم حاصلی برایشان در بر نداشت.

۱۰- ننگ داشتن در سلول انفرادی ۲×۲، یا به صورت انفرادی، نه فقط در مدت بازجویی‌ها که حتی پس از پایان محاکمه، به مدت حدود یک سال پس از بازداشت.

۱۱- قطع کلیه ارتباطات و هر گونه تماس با خانواده اعم از ملاقات، تلفن، نامه، پیام و بی‌خبری مطلق طرفینی، در دو دوره یک بار احتمالاً ۱۱۲ روز و دیگری ۸۲ روز در سال ۱۳۸۲، یعنی نه در دوره بازجویی که در دوره گذراندن محکومیت در زندان اختصاصی‌ای در درون زندان اوین که تابع مقررات سازمان زندان‌ها نیست و اکنون در آن به سر می‌برم.

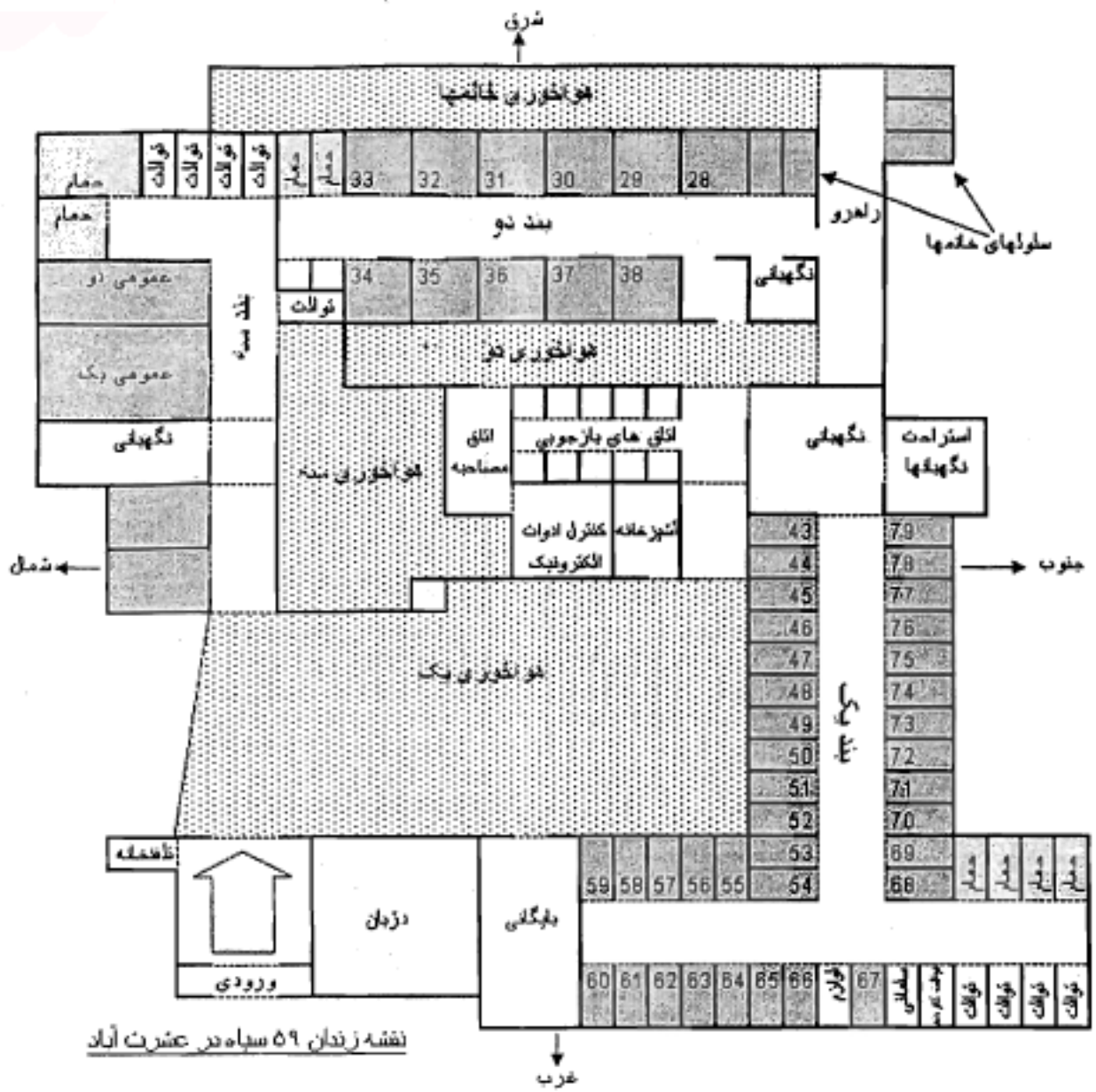
۱۲- در اختیار نگذاشتن کتب و نشریات قانونی کشور و گزینش آنها توسط اعضای تیم بازجویی [در حال حاضر و با وجود گذشت دو سال از بازداشت و ۲۲ ماه از صدور رأی] و طبعاً ندادن برخی از کتب و نشریات بنا به تشخیص خویش.

۱۳- عدم رعایت آیین‌نامه سازمان زندان‌ها در زمینه مسائل صنفی در زندان اختصاصی، و عدم اجرای رویه‌های جاری در زندان و ایجاد تضییقات مختلف به دستور تیم رسیدگی کننده به پرونده [و نه مقامات قانونی زندان] که زیر نظر قاضی سابق و ارتقاء مقام یافته کنونی عمل می‌کنند.

پیوست ۲

زندانیان ۵۹ سپاه در عشرت آباد،

(سایت <http://www.mellimazhabi.org>)



نقشه زندان ۵۹ سپاه در عشرت آباد

توضیحات:

- صبحانه: نان ماشینی متری با کیفیت بسیار نامطلوب، یک لیوان چای و حدود ۱۰ گرم پنیر
- ناهار: یک ظرف برنج و مقداری خورش و حدود ۳۰ گرم سالاد یا ماست و یک لیوان چای
- شام: مقداری نان و آبگوشت یا تن ماهی یا سوسیس و سیب زمینی
- هواخوری: ۵ روز در هفته هر روز بین ۱۵ الی ۲۰ دقیقه با چشم‌بند
- حمام: هفته‌ای یک بار حدود ۱۵ الی ۳۰ دقیقه
- زندانی فقط در داخل سلول بدون چشم‌بند است و برای خروج از سلول "حتی حمام و دستشویی" چشم‌بند می‌زند.
- لوازم هر زندانی: یک لیوان پلاستیکی سفید، یک پارچ پلاستیکی سفید و یک سطل پلاستیکی سفید. سه پتو یکی به عنوان زیر انداز، یکی به جای بالش و یکی رو انداز. پتوها بسیار کثیف و غیر بهداشتی است و در مدت بازداشت امکان شستشو و یا تعویض وجود ندارد.
- سلول: تمام در و دیوار مانند سایر وسایل سفید است. لامپ سلول (۲۰ وات) در طول شبانه روز روشن است.
- بازجویی: در طول شبانه روز زمان مشخصی ندارد. با چشم‌بند و رو به دیوار انجام می‌شود.
- در بند یک، عرض هر سلول بین ۸۰ الی ۱۰۰ سانتی متر و طول آن ۱۶۰ الی ۲۰۰ سانتی متر است. در بند دو، طول و عرض هر سلول حدود ۲۲۰ سانتی متر است. کلیه سلولهای بند یک و دو انفرادی هستند. در موارد استثنایی به علت کمبود جا بعضی از سلولهای بند دو، دو نفره می‌شوند.

پیوست ۳

افشاگری دبیر دوم سابق سفارت هلند در تهران: زندانیان سیاسی رجایی شهر، دور از
انظار جهانی،

(سایت <http://web.peykeiran.com>)

افشاگری دبیر دوم سابق سفارت هلند در تهران : زندانیان سیاسی رجائی شهر، دور از انظار جهانی

دو هفته بعد از شورش در زندان رجائی شهر، روزنامه رسالت یک آگهی تشکر از خدمات "حاج کاظم" در صفحه اول خود چاپ کرده است. زندانیان سیاسی کم نام برای مجازات های سخت به رجائی شهر فرستاده می شوند و در آن جا با انواع شکنجه ها و سخت گیری ها روبرو هستند

روز نت " روز" : همزمان با زمزمه هائی که برای دادن ریاست سازمان زندان های کشور به رییس زندان رجائی شهر کرج در محافل سیاسی به گوش می خورد. نظر محافل مدافع حقوق بشر به شرایط این زندان جلب شده، زندانی که در سال ها اخیر توانسته خود را از چشم ها پنهان دارد و با سخت گیری های خود مانع از آن شود که اخبار و اطلاعات درباره آن به خارج درز کند. دو هفته پیش، در حالی که خبر از اعتصاب غذا و شورش زندانیان سیاسی زندان رجائی شهر پخش شده بود و خانواده های زندانیان حاضر در آن زندان نگران شده و هر نوع ارتباط و ملاقات آن ها قطع شده بود، یک نیروی ویژه مامور اداره این زندان شد و از آن پس هیچ گونه خبری درباره این زندان مخابره نشده است. در همین حال گزارش خانم لوس بانین دبیر دوم سابق سفارت هلند در ایران [که برای نخستین بار متن اصلی آن در شماره روز چهارشنبه "روز" منتشر شد] نور تازه ای به این زندان انداخته و نهادهای حقوق بشری جهانی را متوجه این زندان کرده است.

خانم بانین گزارش خود را با اشاره به وضعیت اکبر گنجی آغاز کرده و نوشته این روزنامه نگار و محقق مشهور در حال جدال با مرگ است. او در سی و ششمین روز از اعتصاب غذای خود از سلول خود در زندان اوین به بیمارستانی در تهران انتقال داده شد. اعتصاب غذا نه تنها اعتراض وی را به بازداشت غیرقانونی او و دیگر زندانیان سیاسی نشان می دهد، بلکه از مخالفت وی با قدرت مطلقه حکایت می کند. اعتصاب غذای گنجی فریاد اعتراضی است تا توجه دنیا را به نقض مداوم ضروری ترین اصول حقوق بشر و سرنویشت شمار زیادی از زندانیان سیاسی در ایران جلب کند.

بباید با روشن کردن هویت و سرنویشت چند تن از آنها، به گنجی کمک کنیم. از جمله زندانیان سیاسی رجائی شهر کرج. زندانی که برای پنهان کردن زندانیان سیاسی به کار گرفته می شود. رفتن به کرج تنبیه سختی محسوب می شود. وقتی کسی پایش به آنجا برسد، از انسان بودن ساقط می شود و حتی با وجود فعالان حقوق بشر و مطبوعات هم از انظار عمومی پنهان می ماند. زندانیان سیاسی رجایی شهر مجبورند با جنایتکاران خطرناکی چون قاتلان، تجاوز کنندگان به عنف و معتادین هم سلول باشند که در حمله و هجوم به هم سلولهای خود تردید نمی کنند. آنها هیچ چیزی ندارند که از دست بدهند: بیشتر آنها به نوعی محکوم به مرگ هستند. "مرگهای مرموز"، اتفاقی عادی در زندان رجایی شهر به شمار می رود.

زندانیان سیاسی رجائی شهر

برخی از زندانیان سیاسی کرج را بشناسید:

۱. ارزنگ داوودی: مهندس، معلم و شاعر، حدوداً ۴۹ ساله. در سال ۲۰۰۳ دستگیر شد و در سال ۲۰۰۵ به ۱۵ سال حبس، تبعید به منطقه بد آب و هوا، ۵ سال محرومیت از حقوق مدنی و ۷۰ ضربه شلاق محکوم شد. اتهامش این بود که به یک خبرنگار کانادایی کمک کرده تا فیلم مستندی درباره زهرا کاظمی بسازد، عکاس کانادایی که در حین بازجویی در زندان اوین بر اثر ضربات وارده کشته شد. داوودی از زمان حبس ناگزیر بوده است بدرفتاری های مختلف و بازجویی های شبانه را تحمل کند. او را در زمان دستگیری به شدت کتک زدند و حدوداً صد روز در سلول انفرادی نگه داشتند. انتقاد از حکومت و اتهام به مسوولان در خصوص نقض حقوق بشر از جمله دلایل ارائه شده برای محکومیت او هستند. در ابتدا به او اتهام زدند که جاسوس است و عضو "سازمان مخفی" نامعلومی است. داوودی از صدمات چشم و گوش ناشی از بدرفتاری با وی رنج می برد. او را با زنجیر به دادگاه می بردند. دادگاه وی بدون حضور هیات منصفه و پشت درهای بسته تشکیل می شد و هرگز به او اجازه نداده اند پرونده خود را ببیند. ارزنگ داوودی به همراه شش نفر از دیگر زندانیان سیاسی رجایی شهر اواخر ژانویه ۲۰۰۵ در اعتراض به حبس خود در بخش "جنایتکاران خطرناک" زندان دست به اعتصاب غذا زد. در واقع خبرنگاران افشا کرده اند که این زندانیان سیاسی با حمله و تهدید قاتلان و جنایتکاران خطرناک دیگر روزه رو بوده اند. این اتفاق حداقل چهار بار رخ داده است. داوودی چندی پیش تجربیات ناگوار خود را از زندان نوشت، اما اخیراً یادداشتهای او نیز در زندان ضبط شدند. این یادداشتهای جرقه کوچک دیگری بودند که از چشم دنیای بیرون دور ماندند و اتهام دیگری را بر اتهامات ارزنگ افزودند.

۲. بینا داراب زند: فعال سیاسی، حدوداً ۴۶ ساله. او در اوت ۲۰۰۴ زمانی که جلوی ساختمان سازمان ملل در تهران برای آزادی زندانیان سیاسی تظاهرات می کرد دستگیر شد. وی مجبور بود مدت ۲ ماه سلول انفرادی را تحمل کند. شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب پرونده داراب زند را بررسی کرد. او به ۲,۵ سال حبس، ۵ سال محرومیت از حقوق مدنی و ۵۰ ضربه شلاق محکوم شد. اتهامات وی عبارتند از: مشارکت در تظاهرات غیرقانونی، انجام مصاحبه با رادیوهای بیگانه و همکاری با مخالفان حکومت. او همچنین در ژانویه /فوریه ۲۰۰۵ در اعتراض به حبس زندانیان سیاسی در بخش "جنایتکاران خطرناک" رجایی شهر دست به اعتصاب غذا زد.

۳. مهرداد لهراسبی: کتابفروش دوره گرد جلوی دانشگاه تهران که در سیزدهم ژوئیه ۱۹۹۹ به خاطر شرکت در تظاهرات دانشجویی همان ماه دستگیر شد. دادگاه انقلاب تهران ابتدا او را به مرگ محکوم کرد، سپس محکومیت وی به ۱۵ سال حبس و بعد از آن به ۱۰ سال حبس کاهش یافت. گفته می شود که با لهراسبی به شدت بدرفتاری شده است. بعد از اینکه سالهای زیادی را در اوین سپری کرد هم اکنون در زندان رجایی شهر به سر می برد و ظاهراً به لحاظ جسمی و روحی در وضعیت بدی قرار دارد. او سریعاً به کمک نیاز دارد.

امیر ساران: فعال سیاسی، عضو "جبهه اتحاد ملی"، از سال ۲۰۰۳ [با وقفه] زندانی شده است. او به شدت کتک خورد. اخیراً در ژوئن ۲۰۰۵، در اعتراض به نحوه برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، به اعتصاب غذای دیگر به زندانیان سیاسی پیوست. او به ۸ سال حبس محکوم شده است.

چندین زندانی سیاسی دیگر نیز در زندان رجایی شهر هستند، افرادی همانند حجت زمانی [که به مرگ محکوم شد]، ولی اله فیض مهدوی، جعفر اقدامی و دیگران. آنها هم از رفتارهای غیرعادلانه در رنجند.

دبیر سابق سفارت هلند در تهران در پایان مقاله خود نوشته "در مقابل چنین وضعیتی، چرا روزنامه های غرب این طور سکوت اختیار کرده اند؟ چرا آنها رنج وصف ناپذیر انسانهای بی شمار را در زندان های ایران نادیده می انگارند، در حالی که به وفور اخبار مسایل هسته ای ایران را منتشر می کنند؟"

گفتنی است که رییس زندان رجایی شهر کرج از همواره کسی بوده که از وی با نام مستعار یاد می شده است چنان که "حاج کاظم" رییس فعلی این زندان که مانند اکثر روسای زندان های کشور در ربع قرن گذشته از اعضای فعال جمعیت مومنه اسلامی است، در حالی که گفته می شود تدارکی در جریان است که به ریاست سازمان زندان های کشور منصوب شود همچنان نام کاملش در جراید درج نمی شود و عکس از وی هم منتشر نشده است.

روز چهارشنبه رسالت روزنامه جناح راست [به کارگردانی هیات مومنه اسلامی] در یک آگهی که در صفحه اول این روزنامه چاپ شده بود از قول دو تن به نام های محسن و حکیمی که ادعا کرده اند زندانی موقت بوده اند از خدمات انسانی و اسلامی "حاج کاظم" تشکر و قدردانی کرده بود. کاری که معمولاً برای استثنائی و برای مقاصد مشخص صورت گرفته است. قابل تصورست که زمینه سازی روزنامه جناح راست به قصد به فراموشی شدن اخبار و شایعاتی است که از ماجرای اعتراض و شورش ماه گذشته این زندان پخش شده بود.

کد خبر: ۲۵۱۹۳

پیوست ۴

گزارش ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد درباره ایران،




(سایت <http://www.emrooz.ws>، ۱۳۸۳/۱/۴)

EMROOZ

نماس | حسنحو | درباره ما
جستجو

دانشگاه و بلاگها

دوشنبه ، 4 فروردین 1383

-  Print
-  E-Mail
-  Favourite

گزارش ویژه حقوق بشر
سازمان ملل متحد در بانه ایران



خرداد؟



ستان و

3000 فعال سياسي،
بهي به توقيف
نو و شرق



بكيل عباس
تير - و

گن ممت به رهبر



جس
به
بنگه تغيير



نظه کاران در
ارزشهایی
جلس ششم
نکردند



نو است



کشوت با

گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد با انتشار گزارش، اعلام کرد: برخورد سازمان یافته در ایران از سوی جریان تندرو، در حال ایجاد جوی از رعب و وحشت است. آمیبی لیگابو، که آبان ماه گذشته به ایران آمده بود، دیروز با انتشار گزارشی در مقر سازمان ملل متحد در ژنو، تصریح کرد: هرچند اصلاح طلبان، در رده های عالی دولت حضور دارند اما با این همه برخی از نهادها که به دست تندروها اداره می شود، آنها را در منگنه قرار داده است. به گزارش خبرگزاری فرانسه، وی در گزارش خود آورده است: برخورد سازمان یافته افرادی که دیدگاه های انتقادی در خصوص عقاید سیاسی، دینی، رسمی و نحوه عملکرد نهادها دارند، جوی از وحشت و خفقان را بر جامعه ایران حاکم کرده است. لیگابو اضافه کرده است: موارد مزبور به علاوه تحمیل مجازات های سنگین و نامتناسب بر ضد منتقدان، باعث شده این جو فراگیر خفقان، به خودسانسوری از سوی خبرنگاران و روزنامه نگاران، روشنفکران، سیاستمداران، دانشجویان و به طور کلی همه مردم منجر شود. گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد در ادامه این گزارش، برخی از نهادها از جمله مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای نگهبان، شورای عالی انقلاب فرهنگی و قوه قضائیه را به فشارها و تزییقات سازمان یافته بر ضد فرایندهای پارلمانی، دولتی و قضایی متهم کرده است. این گزارش می افزاید: بسیاری از کسانی که لیگابو با آنها دیدار کرده بود به وی گفته اند: "در ایران، آزادی بیان وجود دارد ولی آزادی پس از بیان وجود ندارد. گزارش این حقوق دان کنیایی که قرار است هفته آینده در نشست سالانه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد ارائه شود بر اساس مأموریت وی در آبان ماه گذشته به ایران، تدوین شده است

آخرین اخبار:

- ◀ نرم نرمک می رسد اینک بهار
خوس به حل رورگار
- ◀ مراسم سفره هفت سین با حضور
خانواده های زندانیان سیاسی در
مقابل اوین
- ◀ وزیر کشور: انتخابات مجلس هفتم
ناگفته های فراوانی را باقی گذاشت
- ◀ ماشاله شمس الواعظین: وقتی
کسی متهم به «توهین به مقدسات»
می شود، در میان افکار عمومی جایگاه
محترمی پیدا می کند
- ◀ رئیس جمهور خاتمی: این ملت قیم
تمی خواهد
- ◀ پیام تبریک دبیرکل جبهه مشارکت به
مناسبت آغاز سال نو
- ◀ حجابیان: مصدق مسلم یا سکولار
- ◀ ترکاشوند: احضار نمایندگان مجلس
بغض خفته محافظه کاران از آغاز
جریان اصلاح طلبی بود
- ◀ مقابله با عید نوروز و چهارشنبه
سوری
- ◀ انتقاد شدید رئیس جمهور از شورای
نگهبان
- ◀ آیت الله بزدی: تمام اقدامات شورای
نگهبان با هماهنگی رهبری انجام
شد
- ◀ تعدادی از زندانیان گوانتانامو هم
آزاد شدند اما در ایران ... ؟
- ◀ رویکرد جدید سایت های ضد اصلاحا
ت برای توجیه عملکرد شورای
نگهبان
- ◀ منتخب تحمیلی شورای نگهبان در
بابلسر مجبور به اعلام انصراف شد
- ◀ تاجزاده: احضاریه به دست من
نرسیده است
- ◀ انتقاد روزنامه جمهوری اسلامی از
شورای شهر برای برگزاری
چهارشنبه سوری
- ◀ افشاگری علیه اصلاح طلبان در
زندانی: و افشاگری علیه محافظه کاران
در آزادی
- ◀ برای جلوگیری از ائتلاف بیت المال
شورای نگهبان نفر سیام را هم
انتخاب کند
- ◀ بازتاب منفی پاسخ شورای نگهبان
در باره عدم امکان رئیس جمهور
شش زین
- ◀ یاس نو در توقیف می ماند
- ◀ نامزد حزب آبادگران: کشتی اصل



E/CN.4/2004/62/ADD.2

12 ژانویه 2004 (12 دیماه 1382)

شستمین نشست کمیسیون حقوق بشر

ترجمه: ن. نوریزاده

دوشنبه 27 بهمن 1382

اشاره: این گزارش بوسیله گزارشگر ویژه حق آزادی عقیده و بیان، آمینی لیگابو و در ماموت خود به جمهوری اسلامی (4 تا 10 نوامبر 2003 - آبان 1381) تهیه و تنظیم شده است.

این گزارش شامل يك خلاصه و متن کامل است که توسط آقای ن.

نوریزاده به فارسی ترجمه شده است.

خلاصه:

گزارش حاضر پیرو مصوبه 2002/48 کمیسیون حقوق بشر تهیه

شده است. این گزارش تحقیق و تهیه اطلاعاتی در مورد وضعیت

حق آزادی عقیده و بیان میباشد که قبلا و در خلال دیدار گزارشگر

ویژه از جمهوری اسلامی ایران در تاریخ 4 تا 10 نوامبر 2003 (آبان

1381) و از طریق کارکنان رسمی، افراد، سازمانهای غیر دولتی و

همچنین گزارشهای سازمان ملل فراهم گردیده است.

گزارشگر ویژه بیان میدارد که خواست اصلاحات در میان جامعه

مدنی، اعضاء مجلس، و افراد در بالاترین سطح حکومتی وجود دارد.

بنابر این او تشخیص داده است که بیشتر گفتگوهایش را در جهت

بهبود بخشیدن و حمایت از حقوق بشر ویژه حق آزادی عقیده و

بیان که بمثابة گامهای اولیه و ضروری برای اصلاحات بشمار میرود

تنظیم کند. بدین ترتیب گزارشگر ویژه تصدیق مینماید که دولت و

مجلس در سطح قانونگذاری کوشش میکنند که وضعیت حفظ

حقوق بشر و آزادیهای اساسی در چهارچوب قانون بهتر شود.

گزارشگر ویژه اظهار میدارد يك مانع بزرگ در راه اصلاحات وجود دارد

که نتیجه اش انسداد روند صحیح قضائی، مجلس و دولت میباشد.

این انسداد و مانع بوسیله نهادهای غیر انتخابی (انتصابی) و

ارگانهائی که پاسخگوی مردم نیستند بوجود میآید و کنترل میگردد.

بنابر نظر گزارشگر ویژه این نهادهای غیر انتخابی و ارگانهای

وابسته به آنها از اصلاحات در سطح قانون گذاری جلوگیری می

کنند و اخلاص در کار نهادهای قانونی بوجود می آورند.

تا آنجائیکه به قانون ارتباط دارد، گزارشگر ویژه بر این باور است که

بیشتر محدودیتهائی که در قانون مطبوعات و قانون کیفری وجود

دارد، با محدودیتهای مجازی که در ماده 19 بند سوم کنوانسیون

بین المللی حقوق مدنی و سیاسی بیان شده است، منافات دارد.

(ماده نوزدهم کنوانسیون: 1- هر کس حق دارد که نظرات خود را

بدون دخالت و مانع دیگران بیان دارد. 2- هر کس حق آزادی بیان

دارد و این حق شامل آزادی پژوهش، مبادله اطلاعات و هر نوع

است و مجلس فرغ

« از NPT خارج شویم یا نه؟ »

« سخنگوی قوه قضائیه: چرا لیگابو به "ارشادات قضائیه" توجه نکرد؟ »

« اختلاف در ابادگران در تعیین رئیس مجلس هفتم »

« هشت میلیارد تومان انتخابات صرف چه چیزی می شود »

« مانند انتقادی بر رفتار ترحیم داد »

« شورای نگهبان خودش عمل می کند »

« پرونده تاجزاده و شمس الواعظین در دستور کار قوه قضائیه »

« کولابی: تهدید به عدم همکاری از جانب ایران کمکی به حل مسایل نمی کند »

« میردامادی: بهتر است خاتمی برود »

« انصاری زراد: برنامه مجلس هفتم »

همان چیزی است که در سالهای گذشته با اقتدار عمل کردند »

« یونسف: حتمی است که در اسفند ماه در راستای خاموش کردن آنها ارزیابی کرد »

« امانی: برخورد چکشی به هیچ وجه صلاح نیست و جناح منتقد دولت نخواهد توانست جنبش دانشجویی را مهار کند »

« کیانوش زراد: زمانی يك دولت، »

توانایی حفظ امنیت را خواهد داشت که بتواند به خواسته های مردم پاسخ مثبت دهد »

« اشکوری: به مرخصی آمد »

« البرادعی: مذاکره ایران و امریکا راهی برای حل مشاجرات مربوط به برنامه هسته ای ایران است »

« عغان: در قطعنامه جدید شورای »

امنیت درباره ی عراق موضوع بازگشت سازمان ملل به عراق بررسی خواهد شد »

« تظاهرات بیش از هزاران تن از »

دانشجویان در اعتراض به قانون اساسی موقت عراق »

عقیده ای، بدون توجه به چگونگی ارائه آن خواه بصورت زبانی یا نوشتاری یا چاپی یا در شکل هنری باشد و خواه بهر وسیله ای دیگر که فرد انتخاب می کند. 3- اعمال حقوق ارائه شده در بند 2 این ماده که همراه با وظائف ویژه و مسئولیت ها می باشد. ممکن است تابع محدودیتهائی معین قرار گیرد. این محدودیتها فقط باید بنابر ضرورتهای ذیل و بوسیله قانون انجام شود. الف: برای احترام و رعایت حقوق و حنیت دیگران ب: برای حفظ امنیت ملی یا نظم و سلامت و اخلاق عمومی - مترجم)

این منافات و عدم تطابق، يك، بخاطر این است که محدودیتهای ارائه شده (در قانون مطبوعات و قوانین کیفری) از حد قابل قبول این ماده (19 بند 3) فراتر رفته است و دوم اینکه در بیشتر زمینه ها این محدودیتها فاقد هر گونه معیار و تعریف روشنی است و به همین علت هر قاضی می تواند بوسیله سلیقه خود در اجرای آن مواد تعبیرهای خودسرانه نماید.

بنابراین گزارشگر ویژه اصرار دارد که اولیاء امور این قوانین را در جهت مطابقت با موازین حقوق بین المللی بشر و معیارهای شناخته شده در ارتباط با آزادی بیان و عقیده، تجدید نظر کنند. همچنین گزارشگر ویژه پیشنهاد می کند که تعاریف روشنی از مواد قانونی که این حقوق را محدود میسازند، در مطابقت با ماده 19 بند 3 کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، صورت گیرد. بنظر گزارشگر ویژه، خواسته های مدنی مستلزم آن است که موارد سوء استفاده و نقض حق آزادی عقیده بیان، مطابق ماده 19 بند 1 و 2 کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی تعریف گردد. همچنین گزارشگر ویژه تاکید می کند که اولیاء امور در جهت لغو قانون مطبوعات و قوانین کیفری که درباره آزادی بیان و عقیده صلح آمیز افراد میباشد، تجدید نظر نمایند. بدین منظور گزارشگر ویژه تاکید می کند که شورای عالی توسعه قضائی مجازانهائی را که برای زندانیان مطبوعاتی و افرادی که ابراز عقیده مخالف کرده اند را در حد ممکن بررسی و تغییر دهد.

گزارشگر ویژه بیان می دارد که عملکرد دادگاههای انقلاب در ارتباط با افرادی که ابراز عقیده مخالف دارند و اجرای حق آزادی عقیده و بیان و سخت گیری آنها در برابر مطبوعات بروشنی دارای يك عملکرد منفی می باشد. او پیشنهاد می نماید که تخلفات مطبوعاتی بطور جداگانه و از طریق دیگر بجز دادگاههای انقلاب مطرح گردد.

بنظر گزارشگر ویژه قانون منع و محدودیت در مورد تخلفات مطبوعاتی نباید اجرا گردد زیرا این تخلفات را نمی توان بعنوان حریمهای حدی که مد نظر این قانون است در نظر آورد. گزارشگر ویژه همچنین بیان می دارد که میبایست در مورد مفاهیم

احکام اسلامی بویژه مفاهیمی که در مورد ابراز عقیده مخالف است، بررسی و تحقیق شود زیرا در میان روحانیون این مفاهیم دارای تعبیر بسیار متفاوت از یکدیگر است.

گزارشگر ویژه بر این باور است که ضرورت انجام يك کار فوری جهت روشن شدن مفاهیم و مندرجات احکام اسلامی در قانون وجود دارد. زیرا روشن شدن مفاهیم و احکام اسلامی در قانون در حقیقت معیاری بدست می دهد که می توان با آن در جهت جلوگیری از تعبیر خودسرانه احکام اسلامی که فاقد تامين قانونی و اجرایی است، اقدام کرد و همچنین تعیین نمود که کدام تخلف بطور قانونی شامل نقض احکام می گردد.

گزارشگر ویژه پیشنهاد می نماید که يك منشور ملی حقوق بشر، طبق قوانین بین المللی حقوق بشر و بر اساس ماده 20 قانون اساسی مبنی بر اینکه " همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت از قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند." تهیه گردد، تا بدینوسیله بتوان يك چهارچوب روشنی از طرح و اجرای قوانین در دست داشت.

با توجه به اجرای دقیق حق آزادی عقیده و بیان، گزارشگر ویژه اظهار می دارد، يك احساس عمومی که از وخیم تر شدن وضعیت آزادی عقیده و بیان در چند سال گذشته حکایت میکند، در میان مردم وجود دارد. این احساس به این دلیل است که تعداد بسیاری از مطبوعات توقیف شده است و دستگیری، محکومیت و پیگرد قضائی مردم بخاطر بیان صلح آمیز عقایدشان افزایش یافته است.

گزارشگر ویژه در موقعیتی قرار ندارد که نشان دهد آیا افزایش دستگیری افراد در نتیجه اعمال وضعیت سخت گیرانه اولیاء امور بویژه مسئولین قوه قضائیه است و یا این حقیقت که با به قدرت رسیدن اصلاح طلبان در دولت و مجلس، ترس و نگرانی مردم در انتقاد از وظائف مسئولین و نهادهای عمومی کمتر شده است.

گزارشگر ویژه تاکید می کند که سرکوب مداوم افرادی که به انتقاد از اولیاء امور، مسئولین سیاسی، نظریه های مذهبی و عملکرد نهادها می پردازند، توأم با سختگیری و محکومیت های شدید، باعث شده است که بیشتر روزنامه نگاران، روشنفکران، سیاستمداران، دانشجویان و بطور کلی مردم به خودسانسوری هدایت شوند و در نتیجه مانع آزادی بیان گردیده است.

گزارشگر ویژه، نمونه های متعددی را که در ارتباط با پیگرد قضائی و محکومیت فعالان مطبوعاتی و کسانی که ابراز عقیده مخالف کرده اند را مشخص کرده است. همچنین گزارشگر ویژه گزارش "گروه تحقیق در مورد بازداشت های خوسرانه" را که در مورد وضعیت زندانیان وجدان (عقیدتی) است را تأیید می نماید و اظهار می دارد

که نه تنها حق آزادی و عقیده این افراد نقض شده است بلکه آنها حق استفاده از امکانات اولیه جهت برگزاری يك دادگاه عادلانه را هم نداشتند و به چندین برابر مجازات محکوم شده اند. گزارشگر ویژه با توجه به بازداشت‌های طولانی مدت انفرادی (سلول) و بدون حق ارتباط داشتن، برای افراد مطبوعاتی و کسانی که ابراز عقیده مخالف کرده اند، مایل است مصوبه شماره 2003/32 کمیسیون حقوق بشر را یادآور شود. بر طبق این مصوبه "کمیسیون به تمام دولتها تذکر داده است که بازداشت‌های انفرادی (سلول) و بدون حق ارتباط، يك نوع از مجازات ظالمانه، غیر انسانی و رفتاری تحقیر آمیز و شکنجه محسوب می شود و تاکید می کند که تمام دولتها آزادی، امنیت و حیثیت افراد را رعایت و تضمین نمایند."

گزارشگر ویژه بر اساس موارد ذکر شده، به اولیاء امور توصیه می کند که تمام زندانیان مطبوعاتی و کسانی که به جرم ابراز عقده مخالف محکوم شده اند را آزاد نمایند. در این زمینه و در جهت دعوت و ادامه دیدار ارکان کمیسیون حقوق بشر از طرف دولت، گزارشگر ویژه با در نظر داشتن بررسیها و یافته های خود، اعتقاد دارد که دیدار گزارشگر ویژه ای در مورد تحقیق شکنجه و گزارشگر ویژه ای در مورد استقلال قضات و وکیلان (در جمهوری اسلامی) ضروری و مفید می باشد. گزارشگر ویژه همچنین بر این باور است که اولین قدم در جهت انجام پیشنهادات خود، این است که مسئولین قوه قضائیه خواستار همکاریهای حرفه ای قضائی بویژه در مورد آموزش قضات و دیگر ماموران اجرائی قانون شوند. بنظر گزارشگر ویژه این نوع آموزشها باید روی موازین و معیارهای اجرائی و نظارتی و برگزاری دادگاههای عادلانه (علنی با هیئت داورى) و اجرای موثر حق آزادی عقیده و بیان تمرکز یابد. گزیرش آمیئی لیگابو / قسمت دوم

ترجمه: ن. نوریزاده

E/CN.4/2004/62/ADD.2

12 ژانویه 2004 (12 دیماه 1382)

شستمین نشست کمیسیون حقوق بشر

شنبه ۲۲ اسفند ۱۳۸۲

دیاچه:

1- در تاریخ 24 جولای 2002 (تیرماه 1380) دولت جمهوری اسلامی ایران طبق اطلاعیه ای از کلیه ارکانهای موضوعات (ویژه) کمیسیون حقوق بشر برای دیدار از ایران دعوت بعمل آورد. گزارشگر ویژه طی نامه ای بتاريخ 7 اکتبر 2002 (مهرماه 1380) علاقه مندی خود را به

- دیدار از ایران بعنوان مامور حقیقت یاب ابراز نمود.
- 2- در این دیدار که از تاریخ 4 تا 10 نوامبر 2003 (آبانماه 1381) بطول انجامید، هیئت نمایندگی (کمیسیون حقوق بشر) شامل گزارشگر ویژه، یک کارمند رسمی از اداره کمیساریای عالی سازمان ملل در امور حقوق بشر و 2 نفر مترجم از دفتر سازمان ملل متحد در ژنو بودند.
- 3- گزارشگر ویژه مایل است یادآور شود که او در تهیه گزارش حاضر در این ماموریت از مواد و منابع رسمی، منابع سازمان ملل و جامعه مدنی استفاده کرده است. همچنین در تهیه این گزارش از دیدار قبلی گزارشگر ویژه که در سال 1995 (1373 ه.ش)2) . (E/CN.4/1996/ADD از جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته بود و نیز از گزارش "گروه تحقیق در مورد بازداشت‌های خودسرانه" که در تاریخ فوریه 2003 (بهمن ماه 1381) (E/CN.4/2004/3ADD.2) انجام شده بود، استفاده کرده است.
- 4- گزارشگر ویژه مایل است از همکاری کامل مسئولین در خلال ماموریتش تشکر نماید. بویژه او مایل است که دریافت اطلاعاتی در مورد پرونده های منتهین نقض حق آزادی عقیده و بیان را از دفتر دادستانی استان تهران اعلام نماید و همچنین نامه هائی که او از سال 2000 (1378) به دولت ایران ارسال کرده بود را یادآور شود. گزارشگر ویژه این اطلاعات را در گزارش خود راجع به وضعیت کشور خواهد آورد. (این گزارش در سند E/CN.4/2004/62/ADD.1 منتشر خواهد شد.)
- 5- گزارشگر ویژه همچنین از دولت می خواهد که تضمین نماید افراد و یا گروه‌هایی که با او همکاری میکنند بویژه افرادی که با او در خلال دیدارش ملاقات دارند و یا کسانی که اطلاعات خود را (در زمینه نقض حقوق بشر) به او می دهند، از سوی دولت، نهادهای دولتی و یا افراد و گروه‌های خصوصی مورد تهدید و تلافی قرار نگیرند.
- 6- بدین جهت، گزارشگر ویژه بیان میدارد که احمد باطبی بعد از ملاقات با او در 8 نوامبر 2003 (آبانماه 1381) ناپدید شد. به گزارشگر ویژه اطلاع داده شده است که آقای باطبی در زمان ملاقات با او در مرخصی بسر میبرد و پس از ملاقات با او و قبل از پایان مرخصی اش دستگیر و به زندان اوین بازگردانده می شود.
- 7- همچنین گزارش شده است که آقای باطبی در سال 2000 (1378 ه.ش) بخاطر شرکت در اعتراضات دانشجویی جولای 1999 (تیر ماه 1377) به 15 سال حبس محکوم شده بود او دگر بار در 8 نوامبر (آبان) بخاطر شرکت در انجمنهای غیر قانونی دستگیر و محکوم می گردد. گزارشگر ویژه با نگرانی عمیق اعلام می دارد که این محکومیت بخاطر تلافی کردن همکاری آقای باطبی با

کارشناس مستقل حقوق بشر سازمان ملل متحد صورت گرفته است.

8- بنابراین گزارشگر ویژه از دولت می خواهد که مصوبه کمیسیون حقوق بشر 2003/9 را رعایت نماید. این مصوبه تاکید می کند که "دولتها از تمام اعمال تهدیدآمیز نسبت به افراد زیر خودداری نمایند: الف- افرادی که خواستار همکاری با نمایندگان ارگانهای حقوق بشر سازمان ملل می باشند و یا با آنها همکاری کرده اند و یا کسانیکه شهادت داده اند و یا اطلاعات خود را در اختیار آنها گذاشته اند. ب- کسانیکه فعالیتهای خود را جهت حفظ حقوق بشر و آزادیهای اساسی زیر نظر ارگانهای سازمان ملل مفید دانسته و یا میدانند و به این علت با آن ارگانها همکاری مینمایند. ج- کسانیکه به ارگانهای تحت نظر سازمان ملل شکایتنامه و یا عرض حال مینویسند.

د- کسانیکه وابستگان قربانیان نقض حقوق بشر هستند. 9- گزارشگر ویژه مایل است که از نماینده هماهنگ کننده سازمان ملل و همچنین مراکز برنامه ریزی و توسعه و اطلاعات سازمان ملل در تهران جهت حمایت و کمکهای واقعی آنها در خلال این ماموریت قدردانی بعمل آورد.

1- برنامه دیدار

10- هیئت اعزامی با افراد زیر ملاقات نمود: رئیس دفاتر اجرائی، قانونگذاری و قضائی حکومت، معاون رئیس جمهور در امور مجلس، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاون وزیر امور خارجه در امور بین المللی، معاون وزیر کشور در امور امنیت، معاون وزیر پست و تلگراف و تلفن، مشاور رئیس جمهور و رئیس مرکز مشارکت زنان، مدیر کل امور بین المللی و قانونی وزیر امور خارجه، معاون رئیس قضائی در امور بین المللی، دادستان عمومی کل تهران و دادگاههای انقلاب، دبیر مشاور عالی در امور توسعه قضائی، معاون دیوان عالی قضائی، رئیس دفتر دادستانی کل، رئیس دادگاههای دادگستری استان تهران، رئیس دادگاه مطبوعات، رئیس شعبه دوم دادگاه ویژه روحانیت، مدیر اداره زندانهای کشور و مدیر عامل خبرگزاری جمهوری اسلامی.

11- گزارشگر ویژه از این بابت متاسف است که علیرغم برنامه هائی که از قبل تعیین شد بود، او نتوانست با نمایندگان شورای نگهبان و مقامات رادیو تلویزیون جمهوری اسلامی ایران ملاقات نماید.

12- هیئت اعزامی همچنین با کمیسیون حقوق بشر اسلامی و کمیسیون اصل 90 مجلس که اعضاء کمیسیون حقوق بشر هستند

و کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس، انجمن (Bar) تهران، انجمن روزنامه نگاران ایرانی و اعضاء سازمانهای جامعه مدنی و خانواده زندانیان (سیاسی) ملاقات داشت.

13- هیئت اعزامی توانست با هفت نفر از کسانی که در اوین بازداشت هستند ملاقات نماید. (هاشم آغاچاری، رضا علیچانی، عباس دلدار، اکبر گنجی، ایرج جمشیدی، مهرداد لهراسبی و سیامک پورزند). گزارشگر ویژه متأسف است که نتوانست بخاطر کمبود وقت با 3 زندانی دیگر ملاقات نماید (تقی رحمانی، هدی صابر، بهروز جاوید طاهری) و همچنین او اجازه ملاقات با عباس عبدی را نتوانست کسب نماید زیرا در لیست اولیه نامهای افرادی که می بایست گزارشگر ویژه با آنها ملاقات نماید و آن لیست برای مدیر زندان ارسال شده بود، نامه او وجود نداشت.

14- گزارشگر ویژه با اظهار قدردانی از آزادی تعداد زندانی که قبل از مأموریت او انجام گرفته بود خاطر نشان می نماید که او با بعضی از آنها ملاقات کرد. برای مثال داریوش زاهدی 2 روز قبل از دیدار گزارشگر ویژه از زندان اوین به نشانه حسن نیت مسئولین از زندان آزاد شده بود.

15- گزارشگر ویژه بیان می دارد که علیرغم تعهدی که مسئولین قوه قضائیه از جمله معاون رئیس قوه قضائیه در امور بین المللی، آقای لاریجانی مبنی بر آزادی رضا علیچانی قبل از ترك گزارشگر ویژه از ایران در تاریخ 10 نوامبر 2003 (آبان 1381)، نامبرده هنوز در بازداشت بسر می برد. گزارشگر ویژه متأسف است که تا زمان تهیه این گزارش دولت به نامه های او که خواستار اطلاعات رسمی در این مورد بود، پاسخ نداده است.

2- چهارچوب نهادی و قانونی

الف - چهارچوب نهادی

16- طبق ماده 110 قانون اساسی بعضی از وظائف و اختیارات رهبر به قرار زیر می باشد:

الف - تعیین سیاست های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران ب - نظارت بر حسن اجرای سیاست های کلی نظام ج - فرماندهی کل نیروهای مسلح د - نصب و عزل و قبول استعفاء فقهای شورای نگهبان، عالی ترین مقام قوه قضائیه، رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، رئیس ستاد مشترک، فرماندهی کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، فرماندهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی ه - امضاء حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم، صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری از جهت دارا بودن شرایطی که در قانون وجود دارد. همچنین طبق ماده 107، تعیین رهبر به عهده

مجلس خبرگان گذاشته شده است. مجلس خبرگان از تعداد 86 روحانی که بوسیله رای مردم به مدت 8 سال انتخاب می شوند، تشکیل شده است. نامزدهای انتخاباتی مجلس خبرگان می بایست مورد تأیید شورای نگهبان باشند. ماده 111 قانون اساسی پیش بینی کرده است که هر گاه رهبر از انجام وظائف قانونی خود ناتوان شود یا فاقد یکی از شرایط مذکور در اصول پنجم و یکصد و نهم گردد و یا معلوم شود از آغاز فاقد بعضی از شرایط بوده است بوسیله مجلس خبرگان از مقام خود برکنار خواهد شد.

17- (طبق ماده 114 قانون اساسی) رئیس جمهور برای مدت چهار سال با رای مستقیم مردم انتخاب می شود و طبق ماده 113 مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جزء در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می شود برعهده دارد. این قوانین رئیس قوه مجریه را که فقط يك شایستگی جنبی و اکتسابی (انتخاباتی) دارد را در مقابل شایستگی (ذاتی) رهبر قرار میدهد و بدین وسیله نهاد قوه مجریه زیر سیطره رهبر قرار می گیرد.

18- (نامزدهای عضویت در) مجلس شورای اسلامی که در حقیقت قانونگذار هستند، ابتدا صلاحیت آنها بوسیله شورای نگهبان تأیید می شود و سپس برای انتخاب شدن به مدت 4 سال نام آنها به رای عمومی گذاشته می شود. وظائف و مسئولیتهای مجلس طرح قوانین، تصویب لوایح دولت، حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور و تصویب عهدنامه ها، مقاوله نامه ها و قراردادهای و موافقت نامه های بین المللی است. طبق ماده 90 قانون اساسی، "هر کس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه و قوه قضائیه داشته باشد می تواند شکایت خود را کتبا به مجلس شورای اسلامی عرضه کند و مجلس موظف است به این شکایات رسیدگی کند و..." (بوسیله کمیسیون اصل 90 این شکایات رسیدگی می گردد)

19- شورای نگهبان که در نقش مجلس سنا پارلمان عمل می کند از 12 عضو انتصابی مستقیم و غیر مستقیم رهبر تشکیل شده است. 6 عضو شورای نگهبان از میان فقها و بوسیله رهبر انتصاب می شوند و 6 عضو دیگر که روحانی نمی باشند به پیشنهاد رئیس قوه قضائیه (که خود بوسیله رهبر انتصاب شده است) و بوسیله مجلس انتخاب می شوند. (طبق اصل چهارم قانون اساسی، "کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی و نظامی سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است) و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است. "همچنین تعیین صلاحیت نامزدهای انتخاباتی مجلس به عهده شورای نگهبان گذاشته شده است.

نظارت شورای نگهبان بر مجلس که تائید کننده شایستگی و صلاحیت نمایندگان قبل از انتخابات می باشد نهایتاً به نهاد رهبری نقش استیلا و تسلط بر مجلس را اعطاء می کند.

20- نهاد دیگری که نقش بینابینی دارد یعنی بین نهاد رهبری و نهاد قوه قانونگذاری است. شورای مجمع تشخیص مصلحت نظام که شورای مصلحت هم گفته میشود، می باشد. این شورا در سال 1988 بوسیله آیت الله خمینی تاسیس گردید و از 31 عضو که بوسیله رهبر انتصاب می شوند، تشکیل شده است. شورای مصلحت دو وظیفه دارد: یکی توصیه و مشورت با رهبر و دیگری نقش داور را در اختلاف بین مجلس و شورای نگهبان بازی می کند.

بدین جهت همواره يك نگرانی کلی وجود دارد که گزارشگر ویژه نیز به آن ادعان دارد. این نگرانی این است که شورای نگهبان و شورای مصلحت علیرغم اینکه نهادی انتخابی نیستند اما آنها از قدرت فراوانی نسبت به مجلس که بطور دمکراتیک انتخاب شده است، برخوردار هستند. این قدرت بویژه در امور قانونگذاری بخوبی نمایان است.

21 - طبق ماده 156 قانون اساسی، قوه قضائیه نهادی مستقل است که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی مردم و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت میباشد. بعضی از وظائف این قوه چنین است: رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات و ... احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی های مشروع. طبق ماده 108 قانون اساسی وظائف رئیس قوه قضائیه باین شرح میباشد: الف- ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به تناسب مسئولیتهای اصل 156 ب- تهیه لوایح قضائی متناسب با جمهوری اسلامی ج- استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییر محل ماموریت و تعیین مشاغل و ترفیع آنان و مانند اینها از امور اداری طبق قانون. همچنین دیگر مسئولیت رئیس قوه قضائیه نصب رئیس دیوان عالی و دادستان کل از میان "مجتهدین" است. رئیس قوه قضائیه طبق ماده 157 می باید خود مجتهدی عادل و آگاه به امور قضائی باشد تا از طرف رهبر مستقیماً طبق اصل 110 به این سمت انتصاب شود. بنابراین مشاهده می شود که کنترل روی قوه قضائیه بعنوان يك نهاد و قضات بعنوان فرد در مقیاس بسیار وسیعی از طرف رهبری اعمال می گردد.

ب- چهارچوب قانونی جهت حفاظت از حق آزادی عقیده و بیان
22- گزارشگر ویژه در این قسمت بطور خلاصه به بعضی از جنبه های چهارچوب قانونی و ملی که در جمهوری اسلامی ایران برای حفاظت حق آزادی عقیده و بیان وجود دارد، می پردازد.

1- قانون اساسی

23- قانون اساسی در ارتباط با حقوق بشر و آزادیهای سیاسی و مدنی دارای چندین اصل است. اصل 3(7) قانون اساسی بیان می دارد که: "دولت جمهوری اسلامی موظف به تامین آزادیهای سیاسی و اجتماعی در حدود قانون است" و در اصل 20 قانون آمده است که "همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند".

24- بهر صورت، قانون اساسی [جمهوری اسلامی] صراحتاً از حق آزادی عقیده و بیان بعنوان "داشتن حق عقیده بدون دخالت" و "حق ابراز و آزادی بیان" مطابق منشور جهانی حقوق بشر و کنوانسیون بین المللی حقوق سیاسی و مدنی که "آزادی بزهش، رد و بدل اطلاعات و هر نوع عقیده‌ای را بدون توجه به چگونگی ارائه آن، بطور زبانی یا نوشتاری یا چاپی و در شکل هنری یا بهر وسیله دیگری که فرد انتخاب می کند"، تعیین کرده اند، سخن نمی گوید و این حقوق را حفاظت و تضمین نمی کند.

25- با این وجود، گزارشگر ویژه بیان می دارد که بعضی از عناصر تشکیل دهنده حق آزادی عقیده و بیان در قانون اساسی به رسمیت شناخته شده است. مثلاً طبق ماده 23 قانون اساسی، "تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی توان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد" و ماده 24 مبنی بر "نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل به مبانی اسلامی یا حقوق عمومی باشد" و یا ماده 26 که "احزاب و جمعیتها، انجمنهای سیاسی و صنفی و انجمنهای اسلامی یا اقلیتهای دینی شناخته شده آزادند و ... هیچ کس را نمی توان از شرکت در آنها منع کرد و یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت" و ماده 27 که می گوید: "تشکیل اجتماعات و راه پیمائی ها، بدون حمل سلاح، به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است و بالاخره ماده 175 قانون اساسی که در ارتباط آزادی بیان و عقیده در صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران است.

2- قوانین دیگر که مستقیماً در ارتباط با اجرای حق آزادی عقیده و بیان است

26- قانون مطبوعات که در آوریل 2000 (اردیبهشت سال 1378) و قبل از افتتاح ششمین مجلس (مجلس اصلاح طلب) بوسیله مجلس پنجم بتصویب رسید دارای مقرراتی مبنی بر محدود کردن آزادی بیان میباشد. ماده 12 قانون جدید مطبوعات مقرر میدارد که يك هیئت نظارت مطبوعاتی اختیار دارد که مطبوعاتی که مواد 6 -

24 تا 29 و 32 قانون اساسی را نقض می کنند، توقیف نماید. مواد یاد شده در مورد "چاپ مقالات الحادی"، مطالب مخالف اصول اسلام، مطالب زیان آور به اساس جمهوری اسلامی، امنیت ملی، حیثیت و منافع افراد، توهین به اسلام و آزدن رهبر و مسئولین امور دینی، چاپ افترا علیه نهادها و مقامات رسمی، توهین به افراد حقیقی که "قانونا مورد احترام هستند"، چاپ مطالب ارتدادی، نقل مقالات از "مطبوعات منحرف، احزاب و گروههای مخالف اسلام (داخل و یا خارج از کشور)

27- در قانون جدید مطبوعات همچنین به دادگاههای انقلاب اختیار داده شده است که در موارد چاپ اسناد طبقه بندی شده و یا اعمال تحریک کننده علیه امنیت ملی و سیاستهای خارجی کشور، وارد عمل شوند. بدین منظور گزارشگر ویژه، نگرانی عمیق خود را در بکارگیری و استفاده از دادگاههای انقلاب علیه پرونده های مطبوعاتی بیان میدارد. این دادگاه ها در حقیقت بوسیله حکم رهبر قبلی (امام خمینی) بعد از انقلاب و برای مجازات ماموران عالی رتبه رژیم گذشته بوجود آمده بود و ادامه کار آن در سال 1992 (1370) مجددا تائید گردید. دادگاههای انقلاب که در قانون اساسی محلی از اعراب ندارند، دارای اختیار قانونی در مواردی مانند مسائل امنیتی، خرابکاری، تروریسم، جاسوسی، قاچاق و تخلفاتی که در ارتباط با دارائی های نامشروع اختصاصی است، می باشند. بنظر گزارشگر ویژه این دادگاهها در مورد تخلفات مطبوعاتی یا عقیدتی هیچ اختیار قانونی ندارند.

28- مقررات دیگر قانون جدید مطبوعات، افراد ضد انقلاب، یعنی کسانی که بوسیله دادگاه انقلاب محکوم شده اند و یا کسانی که در جهت براندازی رژیم تلاش می کنند را از ادامه فعالیتهای مطبوعاتی و نیز داشتن هر نوع مقام و موقعیتی در نهاد مطبوعات ممنوع گردانیده است.

29- به علاوه قانون مجازات عمومی (قانون مجازات اسلامی) شامل قوانینی است که مستقیما اجرای حق آزادی عقیده و بیان را نفی کرده است. این قوانین به شرح زیر می باشند:
الف- نقض امنیت ملی: مواد 498 و 499 قانون جزای اسلامی برای افرادی که سازمان دهنده گروهی هستند و یا به گروه و انجمنی در خارج و یا داخل برای اخلال و به خطر انداختن امنیت کشور، می پیوندند 2 تا 10 سال حبس مقرر کرده است. ماده 500 قانون جزای اسلامی برای افرادی که مسئول هر نوع تبلیغی علیه حکومت هستند را به زندان محکوم نموده است.

ب - توهین و افترا: طبق ماده 513، قانون مجازات اسلامی شخصی که به اسلام "توهین" نماید به مجازات اعدام و یا زندان به مدت 1 تا 5 سال محکوم می گردد و طبق ماده 697، مجازات

توهین و افترا (به اشخاص) از يك ماه تا يكسال زندان می باشد و طبق ماده 609 مجازات افرادی که از مسئولین حکومتی در ارتباط با چگونگی انجام وظائفشان انتقاد کنند، به 74 ضربه شلاق و زندان به مدت 3 تا 6 ماه محکوم می گردند.

ج - نشر اکاذیب: طبق ماده 698، مجازات افرادی که با نشر اکاذیب و شایعه پراکنی بحرانهای مانند: اضطراب و تشویش اذهان عمومی، ایجاد کنند، شلاق و زندان می باشد.

30- گزارشگر ویژه بیان می دارد که برای تعریف قطعی و دقیق این تخلفات تلاشهایی از سوی مجلس فعلی انجام گرفته است. برای مثال، مجلس قانونی را برای تعریف توهین و افترا تصویب کرد که با مخالفت شورای نگهبان روبرو شد. سپس مجلس ناچار شد که آنرا به شورای مجمع تشخیص مصلحت برای بررسی ارسال نماید که هنوز آنرا بررسی نکرده اند. (بایگانی شده است). اعمال شورای تشخیص مصلحت نشان میدهد که گرایش به تائید تصمیمهای شورای نگهبان دارد که بر شرعی بودن قانون در مقابل مجلس اصرار می کند. عبارت دیگر شورای مصلحت یا تصمیمات شورای نگهبان را تائید میکند و با هیچ واکنشی نشان نمیدهد زیرا شورای مصلحت برای مرور کردن قوانینی که برای داوری به آن ارجاع میشود، محدودیت زمانی ندارد.

31- بعلاوه و با توجه به اجرای قوانین، گزارشگر ویژه مایل است تاکید نماید که دلایل متعددی وجود دارد که نشان میدهد قوانین کشور حق آزادی عقیده و بیان را نفی می کنند. از يك طرف سیستم انتصابی قضات نیازمند آن است که قضات "سکولار" آموزش قوانین دینی را فراگیرند تا بدینوسیله صلاحیت قضاوت را پیدا نمایند. اما از طرف دیگر قضات "مذهبی" لازم نیست که قوانین سکولار را جهت صلاحیت در قضاوت، آموزش ببینند. بنابر این بیشتر قضات مفاهیم و موازین قانون عمومی و مدنی را با توجه به منابع مراجع قوانین اسلامی بکار میبرند.

32- توجه دیگر گزارشگر ویژه به اجرای قوانین و مقررات قضائی که در ارتباط با پرونده های سیاسی (بیشتر مطبوعاتی و مواردی که در رابطه با اظهار عقیده است) می باشد. به این معنی که ابتدا در دادگاه برای متهمین مطبوعاتی و کسانی که ابراز عقیده مخالف داشتند حکم های شدید و سنگینی صادر میشود و بعد آن حکمها را برای تائید و اجرای به دیوان عالی قضائی میفرستند.

33- در آخر گزارشگر ویژه بیان میدارد که بیشتر تخلفات مطبوعاتی و یا ابراز صلح آمیز عقیده مخالف طبق قانون کیفری، مجازات زندان و شلاق به همراه دارد. با توجه به مطالب پیشین، بنظر گزارشگر ویژه قوانینی که مجازات زندان را برای تخلفات مطبوعاتی و ابراز عقیده مخالفین جایز شمرده است آشکارا در مخالف با اجرای حق آزادی

عقیده و بیان است و میباید لغو گردد.

34- بنظر گزارشگر ویژه و با توجه به قوانین اجرائی، تنبیه بدنی (شلاق) برای افراد مطبوعاتی و کسانی که ابراز عقیده مخالف مینمایند، با معیارها و قوانین بین المللی و موازین حقوق بشر مصادف دارد. گزارشگر ویژه مایل است که مصوبه 2003/32 کمیسیون حقوق بشر در مورد شکنجه، یادآور شود. طبق این مصوبه "تنبیه بدنی در حکم رفتارهای خشن، غیر انسانی، تحقیر آمیز و شکنجه محسوب میشود." همچنین طبق ماده 7 کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، (هیچکس نباید در معرض شکنجه یا رفتار تحقیر آمیز و مجازات غیر انسانی و وحشیانه قرار گیرد.- مترجم)، کمیسیون حقوق بشر دولتها را به این امر متوجه میسازد که ممنوعیت شکنجه در واقع ممنوع ساختن "تنبیه بدنی به مثابه مجازات مجرم..." میباشد.

ایران امروز

Info@emrooz.ws

اخبار | مقاله | گزارش | گفت و گو | تریبون | کتاب امروز

پیوست ۵

گزارش انجمن دفاع از حقوق زندانیان درباره وضعیت زندانهای کشور در سال ۱۳۸۵،

(سایت <http://www.emadbaghi.com>، ۱۳۸۶/۴/۸)

جمعه 8 تیر 1386

گزارش انجمن دفاع از حقوق زندانیان درباره وضعیت زندان های کشور در سال 1385

متن این گزارش پیش از انتشار در سایت های خبرگزاری ایلنا، ایسنا، بی بی سی و روز، سایت انجمن دفاع از حقوق زندانیان و چند رسانه دیگر قرار گرفت.

مقدمه

زندانها در مقیاس گسترده، منعکس کننده برخی از ارزشهای جامعه هستند زندانیان بخشی از مردمانند. آنها بدون توجه به نوع جرمی که به دلیل آن بازداشت و یا محکوم به حبس شده اند، همچنان عضوی از جامعه انسانی محسوب می گردند. تمامی انسانها از حقوق بنیادین مانند حق زندگی، حق برخورداری از احترام به حیثیت فردی، حق محفوظ ماندن از اعمال شکنجه و سوء رفتار، حق برخورداری از بهداشت، حق احترام به شأن انسانی، حق برخورداری از اجرای عادلانه قانون و... برخوردارند. بر همین اساس زندان نمی تواند مانعی در راه رعایت و اجرای حقوق بشر باشد. تمامی حقوق افراد بازداشت شده یا زندانی، باید حفظ، مراقبت و محافظت گردد. مرز اجتناب ناپذیر سلب برخی آزادیهای ناشی از پدیده زندان و زندانی و حقوق سلب ناشدنی اساسی با یکدیگر بسیار حساس و خطرناک است. قانون اساسی ایران در اصول متعدد از جمله اصول 28، 31 و 39 بر این حقوق تاکید نموده و سازمان ملل متحد نیز به دلیل اعتقاد به انسان و حقوق آن، به شیوه رفتار با انسانها از جمله رفتار با افراد در حبس توجه بسیار نشان می دهد.

نقش سازمانهای مدنی در نظارت بر اجرای حقوق انسانی افراد جامعه منجمله حقوق افراد زندانی در همین مرحله تعریف می گردد. سازمانهای غیردولتی به عنوان دیده بانان جامعه مدنی وظیفه نظارت و پیگیری بر رعایت این حقوق را برعهده دارند. نقشی که انجمن دفاع از حقوق زندانیان برای خویش تعریف کرده است. در آستانه انتشار گزارش مربوط به سال 1385 در رسانه ها خواندیم که از یکسو به گفته رییس قوه قضاییه زندان «خشن ترین مجازات و پدیده ای جرم زاست» (روزنامه های 10/3/1386) و از سوی دیگر دادستان کل کشور وضعیت زندانها را چنان نامناسب می شناسد که می گوید: "وضعیت زندانهای ایران را ماموران هم تحمل نمی کنند" (روزنامه های 27/2/1386).

این سخنان از زبان مقامات رسمی و قضایی کشور خود دلیل دیگری بر لزوم نقد و نظارت دایمی در مورد زندانهاست. گزارشی که پیش روی شماست دومین گزارش سالانه انجمن دفاع از حقوق زندانیان به عنوان یک نهاد مدنی و غیردولتی در رابطه با وضعیت زندانها و زندانیان کشور است. انجمن در سال 1383 مبادرت به تهیه گزارشهای موردی از وضعیت زندانها کرد و در سال 84 نیز اولین گزارش نسبتاً جامع خود را انتشار داد. همان موانعی که فراروی تهیه گزارش در سال 84 وجود داشت. در تهیه گزارش سال 85 نیز وجود داشته است که مهمترین آن عدم امکان بازدید از مکانهای مورد نظر و تماس آزادانه با زندانیان بوده است. لازم به یادآوری است در همین زمان طی چند نوبت به هیاتهای خارجی اجازه بازدید از زندانهای ایران داده شده که در جای خود اقدامی مثبت است. اما به رغم سخنان آقای یساقی رئیس سازمان زندانها مبنی بر آنکه "همه ببینند و بازداشتگاهها را ببینند" (6/6885/اعتماد ملی) ممنوعیتها برای نهادها و

سازمانهای مدنی مستقل داخلی همچنان ادامه دارد. ما در جهت استقبال از سخنان ریاست سازمان زندانها بدین وسیله و از طریق این گزارش خواستار اجازه بازدید انجمن دفاع از حقوق زندانیان از بازداشتگاهها و زندانها هستیم. این گزارش با حفظ همان دسته بندی موضوعی گزارش سالانه 84 تنظیم شده است. منابع این دادهها عبارتند از، وکلای، زندانیان و خانوادههای آنها، کارکنان زندانها، آمار و اطلاعات رسمی منتشر شده



جستجو

والیات شخصیه [18]

[1]

[1]

[119]

[1]

[61]

برین مطالب

سخت قدرت نرم
ری ها و مطبوعات داخلی
یغاتی درباره وضعیت
های کشور
بی توفان
به پنهانکاری آمریکا درباره
بودجه 75 میلیون دلاری
ت فراموشی» در دانشگاه

بی بنیاد
یو فرانسه درباره اتهامات
دگر اندیشان
ی شی درباره بودجه 75
یکا
کتاب: جدلهای تاریخی: در
اری معاصر
وکرانیک از حقوق بشر

ماهانه - میلادی

July 2007 [2]
June 2007 [13]
May 2007 [22]
April 2007 [6]
March 2007 [7]
February 2007 [7]
January 2007 [18]
December 2006 [5]
November 2006 [6]
October 2006 [10]

در رسانه های داخلی.

1- گزارش وضعیت بازداشت ها

الف - رفتار در هنگام بازداشت و دستگیری
علت بازداشت و دستگیری، زمان دستگیری و انتقال شخص دستگیر شده به محل حبس و همچنین زمان اولین حضور وی نزد مقام قضایی، هویت نهاد و ارگان بازداشت کننده و هویت مأمور مربوطه اجرای قانون، اطلاعات دقیق راجع به محل حبس، امکان حضور نزد یک مقام قضایی، دسترسی به مشورت حقوقی و ارتباط بازداشت شده با خانواده، از جمله مواردی است که در هنگام بازداشت و بلافاصله بعد از آن باید مورد توجه قرار گرفته و بر طبق مفاد قانون اساسی ایران و قوانین موضوعه، اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی عمل شود. افرادی که بازداشت یا زندانی می‌شوند، بدون توجه به میزان وخامت جرمی که به خاطر آن متهم یا محکوم شده‌اند، حقوق خود را به عنوان انسان از دست نمی‌دهند. اشخاصی که بازداشت یا زندانی می‌شوند به عنوان یک انسان تمامی حقوق خود را حفظ می‌کنند برای مثال شکنجه و رفتار آمرانه، خشن، غیر انسانی یا تحقیرآمیز اکیداً ممنوع است. چنین ممنوعیتی فقط ناظر بر خشونت جسمانی یا روانی نیست و بر کلیه شرایط نگهداری زندانیان از لحظه بازداشت تا هنگام آزادی اطلاق می‌شود. اما گزارش هایی مبنی بر عدم رعایت این مقررات در طول سال 1385 به انجمن واصل گردیده است برای مثال:

موحدی یک روزنامه نگار اهل مشکین شهر گزارش می‌دهد در پی مصاحبه ای رادیویی پیرامون اغتشاشات مشکین شهر که منجر به کشته شدن یکی از شهروندان گردید در یکی از روزها هنگامی که به اتفاق خواهر و خواهرزاده اش جهت تفریح به پارک جنگلی رفته بودند افرادی با لباس و بدون اینکه حکم دستگیری اش را نشان بدهند، او را به اتفاق خواهر و خواهرزاده اش بر اتومبیلی سوار کرده و به اداره ذریبط خود بردند و با وجود حضور خواهر و خواهرزاده، به بهانه تفتیش بدنی، وی را عریان ساختند. این گزارش از سوی منابع دیگر نیز تایید شده است. یگانه پور نیز می‌گوید ساعت 5/30 صبح هنگام اقامه نماز زنگ در به صدا درآمده و پس از گشودن در منزل بلادرنگ مأموران وارد حیاط شده و بدون اینکه اجازه دهند لباس مناسب بر تن کند با پیژامه از منزل بیرون آورده و سوار اتومبیل کردند و با چشم‌بند او را به اداره اطلاعات مراغه بردند. پیژوه‌فام از فرهنگیان شهرستان مراغه را ساعت حدود 45/23 شب در خانه بازداشت و موجبات هراس خانواده و فرزند خردسال وی شدند. عظیم‌زاده از فرهنگیان این شهر نیز ساعت 5 صبح با ورود مأموران به خانه اش بازداشت شد. حکاک پور نیز به همین شیوه بازداشت می‌شود.

تعداد دیگری در میاندوآب و شهرهای دیگر با همین روش بازداشت شده‌اند. بازداشت در نیمه های شب و 3 یا 4 بامداد به وسیله حضور غیر مترقبه مأموران در خانه متهم سبب وحشت کودکان و زنان و سالخوردگان شده و عوارض روحی، روانی و جسمانی برای برخی از آنها به وجود آورده است. ما صرفنظر از اتهامات این افراد معتقدیم حتی در صورت توجه اتهام، نحو بازداشت مغایر با موازین قانونی و انسانی بوده است این نوع بازداشت ها در برخی مناطق کشور همچون ناقص اعلامیه جهانی حقوق بشر است که تحریکات قومی را ممنوع می‌کند.

- مهدی محمد پور که در خرداد 85 در حوادث استان آذربایجان دستگیر شده است، عنوان می‌دارد که مأموران بازداشت کننده در منزل را شکسته و در شرایطی که مادر، خواهر و خواهرزادگان وی بدون پوشش در خواب بوده‌اند، بدون حکم وارد منزل شده‌اند، سپس وی را با ضرب و شتم به بازداشتگاه برده‌اند.

- نیما زاغیان در 85/5/12 بازداشت می‌گردد. او در نامه به دادستانی از نحوه بازداشت خود توسط افراد غیر مسئول که بدون طرح علتی خاص صورت گرفته شکایت می‌کند. او اظهار می‌دارد که در هنگام بازداشت مورد آزار و اذیت جسمی و روانی قرار گرفته است. زاغیان پس از یک هفته بازداشت آزاد شد و همراه خانواده خود مستقیماً به انجمن مراجعه کرد و

September 2006 [9]
August 2006 [11]
July 2006 [8]
June 2006 [16]
May 2006 [16]
April 2006 [7]
March 2006 [16]
February 2006 [11]
January 2006 [5]
December 2005 [17]
November 2005 [14]
October 2005 [8]
September 2005 [13]
August 2005 [22]
July 2005 [8]
June 2005 [17]
May 2005 [28]
April 2005 [12]
March 2005 [13]
February 2005 [13]
January 2005 [19]
December 2004 [16]
November 2004 [30]
October 2004 [41]
September 2004 [15]
August 2004 [18]
July 2004 [29]
June 2004 [25]
May 2004 [21]
April 2004 [18]
March 2004 [12]
February 2004 [6]
January 2004 [13]
December 2003 [24]
November 2003 [22]
October 2003 [16]
September 2003 [11]
August 2003 [14]
July 2003 [3]
June 2003 [2]
May 2003 [8]
April 2003 [4]
March 2003 [6]
February 2003 [3]
January 2003 [4]
November 2002 [12]

تماس

emad_baghi at hotmail.

فوت با ای میل

مطالب تازه، آدرس ای
در زیر وارد نمایید:

اِلاعَات جَانَبِي

طلب و 419 نظر در این
ده است.
آمار بازدیدکنندگان سایت
ا کلیک نمایید.
ام ال این سایت را در اینجا

سط برنامه موبیل
عی و اجرا شده است.
ین سایت بر اساس امتیاز
Crei متعلق به عمادالدین

از آثار صدمات جسمی وارده بر او عکسبرداری شد. با راهنمایی حقوقدانان انجمن مبادرت به شکایت و تشکیل پرونده پزشکی قانونی کرد. زاعیان پس از محاکمه تبرئه شد. - بازداشت و دستگیری اعضای سندیکای اتوبوسرانی که از اردیبهشت 84 آغاز و تا 9/30/85 به طول انجامید، از دیگر مواردی است که نقض مکرر حقوق بشر و موازین قانونی داخلی در آن مشاهده می‌شود. در این بازداشت‌های چند باره، برخی از بازداشت‌شدگان مورد ضرب و شتم قرار گرفته‌اند. در و شیشه‌های دفتر سندیکای اتوبوسرانی شکسته، اسناد و لوازم سندیکا به خیابان‌ها ریخته شده، قرآن و نهج‌البلاغه به سوپی پرتاب می‌شوند، عکس‌های شهدای کارگری پاره گردیده و کتابخانه آنها از بین رفته است. در این رابطه بعد از صدور قرار منع تعقیب، از سوی رییس یکی از شعب بازپرسی به آنها گفته شده که ضمن اخذ گواهی طول درمان از پزشک قانونی، از عوامل ضرب و شتم نیز شکایت گردد. در پزشک قانونی برای منصور اسانلو 52 روز طول درمان نوشته می‌شود. در جریان بازداشت‌های مکرر اعضای سندیکای اتوبوسرانی اعضای خانواده مورد تعرض قرار گرفته‌اند. مراجعه به خانه متهم با پاشیدن اسپری به صورت و انداختن گاز بی‌هوشی در منزل و... همراه بوده و با اعتراض همسایگان که یکی از آنها نیز جانباور 90% بوده مواجهه خود او نیز بعد از اعتراض، موقتاً بازداشت می‌شود (نمونه آقای طرازی).

- در بازداشت فعالان زن در 85/12/13 در مقابل دادگاه انقلاب نیز، نیروهایی که از سوی دادستانی و نیروی انتظامی جهت دستگیری زنان وارد عمل شده بودند، آنها را به هنگام سواژ شدن به ماشین با سیلی، مشت، لگد و باطوم مورد تعرض قرار داده‌اند که چند نفر از آنها به شدت دچار آسیب‌دیدگی شدید شدند.

تفهیم اتهام

طبق اصل 32 قانون اساسی در صورت بازداشت موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتبا به متهم ابلاغ و تفهیم شود. بر اساس میثاق حقوق مدنی و سیاسی، ماده (2) 9 «هر کس که دستگیر می‌شود، باید به هنگام دستگیری از علل آن و در اسرع وقت از هر گونه اتهامی که علیه وی اقامه شده است، مطلع شود.»

تفهیم اتهام به نحو مزبور در بسیاری از بازداشت‌های صورت گرفته در ایران مشاهده نمی‌شود. در سال 1385 موارد متعددی گزارش شده مبنی بر اینکه افراد ابتدا بازداشت می‌شوند و سپس در بازداشتگاه علت بازداشت آن هم در قالب سوال و جواب‌هایی که از متهم صورت می‌پذیرد، عنوان می‌گردد. در همین رابطه آیت الله هاشمی شاهرودی رئیس قوه قضاییه به عنوان انتقاد و عدم رضایت عنوان کرده است که موردی را سراغ دارد که «تفهیم اتهام پنج روز بعد از دستگیری و بازداشت صورت گرفته است.» وی سپس ادامه می‌دهد حقوق افراد باید پیش از آنکه ضابط قضایی با آن برخورد کنند احیاء شود. این حق باید آنچنان مشخص باشد که هر کس، نحوه بازداشت و زمان و مکان مناسب آن را بداند. به هیچ عنوان نباید آزادی افراد سلب شود. آیت الله شاهرودی در رابطه با حقوق افراد پس از بازداشت می‌گوید: «متهم باید بداند که تفهیم اتهام چیست و در چه زمانی باید اتهام به او تفهیم شود» (85/2/30، شرق)

در همین رابطه گزارشات واصله به انجمن از عدم ملاقات سه ماهه احمد باطبی با وکیل خود خبر می‌دهد. سید مرتضی علیزاده طباطبایی که خود وکیل دادگستری است بعد از گذشت 8 ماه از تاریخ بازداشت نسبت به وی تفهیم اتهام صورت نگرفته و این در حالی است که قرار بازداشت وی توسط شعبه 14 بازپرسی دادگاه انقلاب مرتباً تجدید می‌شود. لازم به یادآوری است که عدم تفهیم اتهام قبل و یا پس از بازداشت در بسیاری از بازداشت‌های سال 1385 از جمله سندیکای اتوبوسرانی، فعالان زنان، دستگیری‌های استان آذربایجان و... گزارش شده است.

حضور نزد مقام قضایی

در اصل 32 قانون اساسی عنوان شده در صورت بازداشت متهم حداکثر ظرف مدت 24

ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضائی ارسال و مقدمات محاکمه فرد در اسرع وقت فراهم گردد.

میثاق حقوق مدنی - سیاسی، ماده 3 و 9 نیز تأکید نموده «هر کس که به اتهام ارتکاب جرمی دستگیر یا بازداشت می شود، باید در اسرع وقت نزد قاضی یا هر مقام دیگری به موجب قانون مجاز به اعمال اختیارات قضایی است، برده شود و نیز باید در مدت مشخصی تحت دادرسی قرار گیرد و در غیر این صورت باید آزاد شود.»

مقام قضایی وظیفه اش ارزیابی مستندات قانونی دستگیری و ضرورت بازداشت تا زمان محاکمه است. در صورتی که دستگیری و بازداشت مغایر با حقوق فردی متهم است، این روند نخستین فرصتی است که برای آزادی به شخص بازداشت شده یا وکیلش داده می شود. در حالی که در ایران در اغلب موارد فرد تا پایان بازجویی و تا زمان فرا رسیدن تاریخ دادرسی امکان حضور در مقابل مقام قضایی را نمی یابد.

اطاله دادرسی/ بلاتکلیفی متهم

آیت الله هاشمی شاهرودی رییس قوه قضاییه اطاله دادرسی را معضل چند ساله افراد و همچنان دغدغه مردم دانسته است. (85/9/11 / ایران). برای این سخن مصادیق فراوانی را می توان ذکر کرد که تنها چند مورد آن مواردی است که به انجمن دفاع از حقوق زندانیان منعکس گردیده است. برای نمونه، جمال بهادری جهرمی که به اتهام اقدام علیه امنیت کشور در 84/11/29 دستگیر شده است تا 85/8/17 که پرونده درخواست کمک وی در انجمن دفاع تشکیل گردیده است، در بازداشت موقت بسر برده و درخواست خود را به صورت مکرر برای تبدیل قرار عنوان کرده است. سید مرتضی علیزاده طباطبایی که خود وکیل دادگستری است بعد از 11 ماه همچنان در وضعیت بلاتکلیف بسر می برد. همچنین زندانی متهم به قتل (حاتمی) در جریان دفاع از ناموس خود 4 سال است به صورت بلاتکلیف در زندان بسر می برد

زندانیانی که به صورت بلاتکلیف بسر می برند، (در زندان های انفرادی تحت عنوان بازداشت موقت و یا به صورت بلاتکلیف به زندان های عمومی و به میان مجرمان منتقل شده اند این نوع رفتار) مسائل و مشکلات بسیاری را برای زندانیان و خانواده های آن و نیز برای سازمان زندان ها پدید آورده است.

ارتباط با خانواده/حق برخورداری از مشورت حقوقی

طبق میثاق حقوق مدنی و سیاسی و قواعد حداقل استاندارد/ قاعده 92 «یک زندانی محاکمه نشده باید اجازه یابد بلافاصله خانواده خود را از توقیف اش مطلع کند.» «فرد توقیف شده باید این حق را داشته باشد که از کمک یک مشاور حقوقی برخوردار شود.» همانگونه که عنوان شد در اکثر بازداشت ها و دستگیری ها امکان ارتباط با خانواده و بهره مندی از مشورت با وکیل از زندانیان سلب شده است. بعضاً زندانی که باید در بدو بازداشت امکان ارتباط با یکی از اعضای خانواده و یا وکیل و مشاوره حقوقی را به اختیار خود داشته باشد، بعد از مدتی امکان آن را می یابند که با خانواده تماس تلفنی برقرار نمایند و در رابطه با وکیل نیز، عملاً هیچگاه شاهد حضور وکلاء در مراحل بازجویی نبوده و بعد از ارائه پرونده به دادسرا وکیل امکان برخورد با زندانی و مطالعه پرونده و دفاع از موکلش را می یابد. این مسئله در مورد اکثر قریب بالاتفاق بازداشتها از جمله بازداشت رامین جهانگللو، اعضای سندیکای اتوبوسرانی، فعالان زن در 22 خرداد و 13 اسفند 85، موسوی خوئینی، معلمان بازداشت شده و... مشاهده شده است. در حالی که طبق اصل 35 قانون اساسی و بند 3 حقوق شهروندی و ماده 14 میثاق مدنی - سیاسی اعتبار کلیه تحقیقات مقدماتی در صورت عدم برخورداری و ارتباط و ملاقات بدون واسطه و محرمانه بازداشت شدگان با مقام حقوقی مورد نظر خود، پیشاپیش از آن سلب شده است.

بعد از مرگ فیض مهدوی زندانی بازداشتی 1380 در زندان، از سوی وکیل وی عنوان شد که برغم داشتن وکالت نامه از موکل، اجازه ملاقات و ی با موکلش از او سلب شده است.

در این رابطه مسئله شکسته شدن حکم اعدام مهدوی و تبدیل آن به حبس ابد، به وکیل وی اعلام نشده و بعد از مرگ وی نیز خبر درگذشت او به وکیلش اطلاع داده نشده است. (14/1285 رسانه های داخلی)

- در چند مورد گزارش مستند دریافت شده مبنی بر اینکه دادسرای نظامی از پذیرش وکالت وکیل سرباز زده و عنوان داشته که طبق دستورالعملی، وکلای خاص حق ورود به پرونده های امنیتی مطروحه در دادگاه نظامی را دارا می باشند و لذا حضور وکلایی غیر از وکلای تعیین شده ممنوع است. گزارشات متعددی از وکلا دریافت شده مبنی بر اینکه در دادسرای نظامی یا روحانیت یا انقلاب از ورود آنها به پرونده ممانعت شده است دریافت گردیده است.

در این زمینه آیت الله هاشمی شاهرودی ریاست قوه قضاییه عنوان می دارد: هیچکس حق ندارد خلاف قانون دستوری صادر کند و حق ملاقات خانواده و وکیل را از متهم سلب کند، او باید به خوبی بداند که می تواند زمانی را برای ملاقات محرمانه با وکیل خود درخواست نماید. (85 / 2/30 / شرق)

2- رفتار با زندانیان

الف - زدن دستبند، چشم بند و پابند طبق قانون حقوق شهروندی استفاده از چشم بند برای زندانی و یا هنگام بازجویی ممنوع است اما استفاده از دستبند فلزی و پلاستیکی (که اتفاقا در موقع به کار بردن بسیار آزار دهنده است) توسط افراد مختلف گزارش شده است. کاربرد چشم بند در دو مرحله: مقطع بازداشت تا انتقال به بازداشتگاه و مقطع قرار گرفتن زندانی در بازداشتگاه و در هنگام خروج از سلول برای انجام اعمال روزانه و یا بازجویی توسط زندانیان مختلف گزارش شده است به گونه ای که بعد از بازداشت یا به افراد چشم بند زده و یا سر آنها را به زیر صندلی وسیله نقلیه برده اند تا متوجه مسیرها و مکان بازداشتگاه نشوند. در مرحله دوم زمانی است که زندانیان به بازداشتگاه ها منتقل شده و در هنگام خروج از سلول موظف به استفاده از چشم بند می باشند. قاعدتا امتناع از به کار بردن چشم بند برای افراد عواقب خاص خود را به همراه خواهد داشت. تعدادی از زندانیان مالی، تمام بازداشت شدگان سندیکای اتوبوسرانی و زنان از وادار شدن به زدن چشم بند در بازداشتگاه گزارش داده اند.

موسوی خوئینی دبیر تشکل ادوار تحکیم وحدت بعد از بازداشت در تیر 85، به خاطر اعتراض نسبت به استفاده از چشم بند و مقاومت در برابر آن در طی دو مرحله در بازداشتگاه 209 اوین مورد ضرب و شتم قرار گرفته و در هر دو بار نیز به وی دستبند و پابند زده شده و برای چندین ساعت در سلول رها شده است. در نخستین ساعات مرخصی وی از زندان آثار این صدمات از سوی افراد زیادی به عنوان شاهد، معاینه گردیده است. بنا به اظهارات آقای خوئینی، او در اکثر مواقع در انفرادی بوده، مورد بازجویی های شبانه (حتی در سلول) قرار گرفته، با دستبند و پابند که متشکل از غل و زنجیر بوده در سلول رها شده است و به واسطه عدم اجازه برای برخورداری از حق تماس با خانواده و دیدار با آنها و وکیل خود تحت فشار قرار گرفته است. لازم به یادآوری است که وی بر خلاف آیین نامه سازمان زندان ها که در صورت فوت یکی از اعضای درجه نخست زندانی وی می تواند با سپردن وثیقه لازم در مراسم مربوطه شرکت نماید، این امکان را نیافت که برای مرگ پدرش به موقع حاضر باشد همچنین همسر او به دلیل مراجعاتش به انجمن دفاع از حقوق زندانیان مورد مواخذه قرار گرفته و از این کار ممنوع می گردد. در بازداشتگاه 209 نیز که متعلق به وزارت اطلاعات می باشد، زنان بازداشت شده در اسفند 85 را در حضور مقام قضایی پرونده وادار به زدن چشم بند کرده و در ساعات غیر اداری و در نیمه های شب مورد بازجویی قرار می دادند.

نکته قابل توجه اینکه این اقدامات به صراحت مخالف با قانون حقوق شهروندی است. مواردی عدیده ای از قبیل بازجویی های شبانه گزارش شده که خلاف قانون است اما

یکی از رخدادهای مثبت مربوط به پرونده بازداشت شدگان مسیحی این است که بازداشت ها بر خلاف رویه معمول کوتاه و از 3 روز تا دو هفته بیشتر نبود و لایحه وکیل معرفی شده از سوی انجمن دفاع از حقوق زندانیان در پرونده برخی از متهمان رشت مبنی بر تبدیل قرار بازداشت پذیرفته شد. در خصوص این افراد محدودیت هایی برای انجام فعالیت های مذهبی پس از آزادی مطرح شده که پرداختن به آن خارج از موضوع گزارش است.

ب - رفتار در بازداشتگاهها و زندانها

در گزارش اعضای سندیکای اتوبوسرانی به انجمن دفاع از حقوق زندانیان در باره نحوه رفتار یا آنان پس از انتقال به بازداشتگاه موقت 209 موارد زیر به چشم می خورد: زدن مشت به صورت توسط مامورین بازداشتگاه [که در مورد سلیمانی منجر به خونریزی و در مورد طرازی منجر به پرتاب عینک می گردد.] پوشانیدن لباس زندان، وادار نمودن همسران بازداشت شده بازداشتی ها به شستن دیگ و ظروف سربازها در بازداشتگاه، انداختن در انفرادی، تهدید، تمسخر، بازجویی های شبانه، عدم اجازه برای ارتباط با خانواده از طریق تلفن یا ملاقات، عدم اجازه برای در اختیارداشتن مشاور حقوقی و عدم ارتباط با وکیل، تحت فشار قرار دادن برای اخذ اعتراف، دستگیری اعضای خانواده (فرزند دو ساله یعقوب سلیمانی که به همراه پدر خود بازداشت می شود)، زدن ضربات به پهلوها به گونه ای که اثری از کبودی بر جای نگذارد. (این شیوه ضرب و شتم در مورد حیات غیبی مسئول تشکیلات سندیکای اتوبوسرانی منجر به تیک عصبی -گرفتن پا- و لنگیدن وی می گردد) و زمانی که حیات غیبی به بازپرس پرونده (مقام قضایی) شکایت می نماید مجدداً مورد ضرب و شتم و تهدید و فشار واقع شده تا اظهارات خود را پس گرفته و اعتراف نماید اظهاراتش تحت فشار نبوده است، کشیدن صندلی چرخدار از زیر زندانی و افتادن زندانی بر زمین در زمانی که چشمهایش با چشم بند بسته شده است. در مواردی که به اظهارات قضات جهت بازداشتن تیم بازجویان از رفتار نادرستشان استناد شده است، متهمان جواب می شنیدند قاضی کیلو چند؟!

تیم بازجویی با ایجاد فضا هایی از صداهای مختلف در اطراف سلول های زندانی ها بر آن بودند تا آنها که شاهد بازداشت همسران خود ویا همسران و فرزندان دوستانشان بودند، احساس نمایند خانواده هایشان نیز در بندند. انجام بازجویی با دستبند (برای مثال در مورد سلیمانی)، انجام بازجویی ها در موقع صرف نهار و شام، هم سلول نمودن افراد با بیماران روانی (از جمله بیمار روحی ابراهیم خداینده)، گرفتن اعترافات ویدئویی و مصاحبه در موقع آزادی (با طراحی سوال و جواب ها جهت القا به متهمان و اعتراف به ارتباط با گروه های سیاسی، خرید اسلحه و یا علیه سایر دوستان و...) مکرراً به انجمن گزارش شده است اما متأسفانه امکان بررسی و تحقیق مستقل در مورد ارزیابی گزارشات برای انجمن وجود ندارد و مراجع مربوطه پاسخگو نیستند.

- زنان فعال بازداشت شده نیز در تیر و اسفند 85 در گزارش خود به رسانه ها و انجمن عنوان کرده اند که آنان را در ساعات غیر اداری و در نیمه های شب مورد بازجویی قرار می دادند!

در این بازداشت عده ای از آنها مورد تهدید قرار گرفته و عده ای از آنها از طریق بازرسی بدنی به صورت کاملاً عریان توسط نگهبانان زن مورد تحقیر قرار گرفته اند. برخی از آنان در انفرادی های 209 و برخی در انفرادی های زنان عادی نگهداری و عده ای از آنها به عنوان تنبیه به سلولهای جدیدالاحداث بند زنان عادی روانه شده اند.

- در جریان بازداشت پیروان یکی از گروه های مسیحی در تهران، کرج و رشت در سال 85 در اداره اطلاعات رشت از سوی بازجوی مربوطه خطاب به متهم گفته شده بچرخ تا بچرخیم. در این بازداشتها که برخی با مجوز و برخی بدون مجوز بوده، اموال افراد ضبط شده است، همسران برخی تهدید به بازداشت شده اند، افراد از ملاقات با خانواده و وکیل محروم بوده و حتی در مواردی بدون وکیل به دادگاه اعزام شده اند، و بازجوییهای شبانه نیز همچنان وجود داشته است. هر چند سطح برخوردها از تهران به شهرستانها تغییر و شدت

آن افزایش می‌یافته است. دریافت و ارسال این گزارشات در حالی است که بر طبق اصل 38 قانون اساسی هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار و یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت، اقرار و سوگندی فاقد اعتبار و ارزش است. مسئولان قوه قضائیه و سازمان زندانها نیز به کرات بر ممنوعیت تنبیه بدنی زندانیان تاکید داشته‌اند. به طور مثال رئیس زندان اوین طی یک مصاحبه تصریح می‌نماید: تنبیه فیزیکی زندانیان کاملاً ممنوع است. (85/6/6 / اعتماد ملی)

3- عدم تفکیک و طبقه بندی زندانیان / زندانهای اختصاصی

با عنایت به اصل مهم برائت و بر اساس قوانین بین المللی متهمانی که پیش از محاکمه در بازداشت بسر می‌برند، بیگناه بشمار می‌آیند، در نتیجه حبس آنها نباید در حکم مجازات محسوب شود. رفتاری که با افراد در انتظار محاکمه، صورت می‌گیرد باید نسبت به رفتار با محکومان متفاوت باشد. اما در قریب بالاتفاق موارد رفتار با هر دو یکسان است. هر چه زمان بازداشت پیش از محاکمه طولانی تر شود عواقب جدی و حادثری به بار می‌آورد. یکی از راه های بهبود شرایط بازداشت پیش از محاکمه، تفکیک رده بازداشت شدگان متهم از محکومان است.

رعایت این استانداردها در رابطه با کودکانی که به نحوی درگیر نظام کیفری می‌شوند، از شدت و حساسیت بیشتری برخوردار می‌گردد. کودکان شکار مناسبی برای مجرمان بزرگسال محسوب می‌شوند. یک ماه زندان کافی است که یک متهم و یا یک مجرم تازه کار به صورت یک مجرم حرفه ای از زندان خارج شده و جذب باندهای مجرمانه گردد. طبق اظهار مدیر کل استان تهران - سهراب سلیمانی، 25% زندانیان کشور جوان هستند. (16/6/85 / صدای عدالت)

در حالی که در اکثر زندان های کشور، کانون اصلاح و تربیت که محل استقرار زندانیان تا مرز 18 سال است، وجود ندارد به نحوی که در زندان زنان رشت زنان برهکار با دختران خردسال در اتاق های مجاور هم بسر می‌برند که کاملاً آمد و شد وجود دارد و فقط تابلوی کانون اصلاح و تربیت بر در ورودی یکی از اتاق ها نصب شده و همین امر سبب تاثیرگذاری شدید مجرمان سابقه دار بر کودکان گردیده است. به گفته یساقی - رئیس سازمان زندان های کشور - تعداد مراکز اصلاح و تربیت در کشور تنها 25 عدد است و در جاهایی که کانون وجود ندارد، از یک بلوک جداگانه استفاده می‌شود. (85/5/24 / شرق)

در همان مراکزی هم که کانون های اصلاح و تربیت وجود دارد، این مراکز بیشتر در رابطه با پسران بوده و دختران فاقد این مراکز می‌باشند. برای مثال طبق گزارش های دریافتی از طریق زندانیان و زندانبانان در زندان رشت یکی از اتاق های بند زنان را با نصب تابلوی کانون اصلاح و تربیت به جایگاه دختران زیر 18 سال تبدیل کرده‌اند اما از نظر واقعی آنها جدا نیستند و نوباوگان با زندانیان سابقه دار و مجرمان در یک بند زندگی کرده و در معرض سوء استفاده قرار دارند و یا در مدت حبس خود با بدآموزی های محیط به یک برهکار حرفه ای تبدیل می‌شوند. در زندان اوین نیز وضعیت مشابهی وجود دارد و دختران کم سن و سال با محکومان بزرگسال و یا محکومان جرائم سنگین در یکجا زندگی کرده و مورد آزار یا سوء استفاده جنسی قرار می‌گیرند.

مسئولان امور زندان ها بارها عنوان کرده‌اند که زندانیان کانون بر اساس سن، نوع جرم در خوابگاه های مختلف نگاهداری می‌شوند. در بازدید هیاتیی از کانون اصلاح و تربیت تهران توسط نمایندگان انجمن که در عین حال از مجهزترین مراکز کانون اصلاح و تربیت در ایران بشمار می‌رود، مشاهده گردید اولاً دختران با تمام جرائم و سنین مختلف در کنار هم بسر برده ثانیاً کودکان پسر نیز تا 12 سال در یک جا و کودکان پسر از 13 تا 18 سال در بند 5 طبقه ای که در هر طبقه آن یک گروه سنی قرار داده شده و درهای طبقات تنها در موقع شبها بسته می‌گردد، بسر می‌برند. این وضعیت به معنای آن است که گروه های سنی با جرائم مختلف در تمامی ساعات روز این امکان را دارند که با هم در ارتباط کامل قرار گیرند و

در نتیجه فلسفه تفکیک زندانی ها بر اساس سن و نوع جرم در بندهای کانون اصلاح و تربیت که اتفاقاً از حساسیت بیشتری نیز برخوردار است، کاملاً زیر سوال می‌رود. در عین حال بازدید هیاتی از انجمن از کانون اصلاح و تربیت حاکی از پیشرفت های زیادی در تامین امکانات و ایجاد فضای فیزیکی مناسب و حسن رفتار مددکاران با مددجویان بوده است. وجود بازداشتگاه های اختصاصی

رییس سازمان زندان ها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور از وجود بازداشتگاه های خارج از اختیار این سازمان خیر داد.

وی با اشاره به اینکه در قوانین ج. ا. ا تاسیس و اداره زندان انحصاراً در اختیار سازمان زندانهاست ولی واقعیت هایی وجود دارد که باعث شده این قانون را به طور دقیق نتوانیم اجرا کنیم. گویا که بعضی از الزامات امنیتی ایجاب کرده که واحدهایی برای خودشان بازداشتگاه هایی ایجاد کنند. برابر توافق نامه تهیه شده برای بازداشتگاه های اختصاصی حداقل باید در آن بازداشتگاه ها آیین نامه و قوانین مربوط به سازمان زندان ها رعایت شود. به گفته یساقی رییس سازمان زندان ها بازداشتگاه هایی وجود دارند که خارج از حوزه و اختیار عمل می‌کنند که در آن موارد مسئولیت با خودشان است. وی بند 209 زندان اوین را جزو این بازداشتگاه های اختصاصی معرفی کرده است. (85/7/15 / روزنامه اعتماد ملی) مرگ های قابل پیشگیری و برخوردهای غیر شفاف با آن

بند 1 از ماده 6 میثاق حقوق مدنی و سیاسی دولت ها را مسئول حفاظت از جان افراد بازداشتی می‌داند. بدیهی است که هر گونه مرگی در زمان توقیف، خارج از پروسه اعدام و قصاص و یا مرگ طبیعی باید مورد بررسی دقیق جهت شناسایی چگونگی وقوع مرگ و ارائه اطلاعاتی پیرامون دلایل فوت قرار گیرد. این مسئله هم در حیطه وظایف دولت بوده که باید نسبت به وظیفه خود عمل نماید و هم در حیطه وظایف گروه‌های مدافع حقوق بشر است که خواستار و پیگیر تحقیقات بی طرفانه درباره چگونگی وقوع مرگ‌های مشکوک باشند.

در سال 85 زندان‌های ایران بعد از تجربه تلخ مرگ زهرا کاظمی شاهد دو واقعه دیگر یعنی مرگ اکبر محمدی و فیض الله مهدوی بود. سازمان زندانها مرگ اکبر محمدی را در تاریخ 5/8/85 ناشی از اعتصاب غذا و مرگ فیض مهدوی را نیز ناشی از حلق آویز کردن خود دانست. اکبر محمدی دانشجوی بازداشتی حوادث کوی دانشگاه در 18 تیر 78 بود که بعد از دستگیری به اعدام و با دو درجه تخفیف به 15 و سپس 10 سال زندان محکوم شده بود. وی 7 سال از محکومیت خود را گذرانیده و به دلیل مشکلات جسمی بسیار از کمیسیون پزشکی طول درمان نامحدود گرفته بود. او در واکنش به بازداشت مجدد خود علیرغم درخواست مرخصی استعلاجی نامحدود و مخالفت مسئولان قضائی و سازمان زندانها با آن و نیز فراهم نکردن شرایط ملاقات با وکیلش بعد از درخواست وی برای ملاقات با وی، از 3 مرداد به اعتصاب غذا دست زد که به علت ضعف شدید جسمانی و سکنه قلبی مرگ دیگری را در زندانهای ایران رقم زد. این در حالی بود که به موازات پخش اخبار نامساعد از داخل زندان در رابطه با وی، مدیر کل زندانهای استان تهران وضعیت محمدی را نرمال، و بعد از فوت اکبر محمدی سخنگوی وقت قوه قضائیه علت فوت را نامعلوم و معاون دادستان علت مرگ وی را ناشی از افت فشار اعلام می‌نمایند.

جدا از آنکه توضیحات قابل قبولی در مورد مرگ دو فرد یاد شده به افکار عمومی ارائه نشد، در هر مورد نیز نسبت به درخواست افراد و سازمان‌های مدافع حقوق بشر که خواستار رسیدگی بی طرفانه نسبت به چگونگی رویداد این مرگ‌ها و برطرف شدن ابهامات موجود شده بودند، وقعی ننهادند.

فضای زندانها

یکی از مشکلات عمده در بسیاری از کشورها، سطح ازدحام جمعیت زندانیان است که با مساحت و فضای زندان ها همخوانی ندارد. در نتیجه سلول های تک نفره پذیرای چند نفر و اتاق ها با ظرفیت چند نفر پذیرای جمعیتی چند برابر خود می‌گردند.

بر اساس سخنان رئیس سازمان زندان‌ها، یک زندان با ظرفیت 70 نفر، 500 زندانی (یعنی 6 برابر) دارد. (85/7/15 - اعتماد ملی) و ظرفیت زندان‌های ایران حدود 55 تا 60 هزار نفر است در حالی که 150 هزار نفر زندانی دارید (85/9/15 آینده نو) و در نتیجه در فضای 70 نفر، 400 نفر زندانی سکونت دارد. (85/5/25 شرق)

این در شرایطی است که میزان مجرمان ایران نسبت به کشورهای مسلمان دو برابر است (19/9/85 آفتاب یزد)

رئیس انجمن مددکاری ایران می‌گوید از سال 57 ما به ازای هر 100 هزار نفر 230 نفر زندانی داریم در حالی که این ظرفیت باید به ازای هر 100 هزار نفر، 100 نفر باشد و ما پذیرای 1 میلیون و 200 هزار زندانی بوده ایم.

مدیر کل زندان‌های استان فارس نیز در همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری در دانشگاه شیراز گفته است ما با کمبود فضا برای نگهداری زندانیان مواجهیم و کارآمدی زندان و بهره‌وری آن به زیر سوال رفته است. (85/4/17 شرق)

یکی از کارمندان زندان چوبیندر قزوین نیز عنوان می‌کند که بر طبق ضوابط اعلام شده سازمان زندان‌ها، زندان مزبور 800 نفر ظرفیت دارد در حالی که هم اکنون پذیرای 2300 نفر زندانی است. بند زنان این زندان که حداکثر می‌تواند 100 زندانی را در خود جای دهد دارای 500 زندانی زن است.

می‌دانیم شرایط زندگی در یک زندان تاثیر سرنوشت‌سازي بر حفظ عزت نفس و حیثیت زندانیان دارد. شرایط نامساعد حبس از جمله شرایط غیر قابل تحمل فیزیکی زمینه را برای بروز انواع آسیب‌های جسمی و روحی فراهم می‌آورد. خبرگزاری فارس به نقل از روزنامه اعتماد ملی گزارش می‌دهد که سالانه تنها در استان تهران، 10 تا 15 نفر از زندانیان بر اثر مشکلات روحی به خودکشی دست می‌زنند.

فقدان مراقبان کافی یکی دیگر از مشکلات زندان هاست، امیری مدیرکل زندان‌های استان تهران، در مصاحبه با ایسنا می‌گوید: بر طبق آیین‌نامه زندانها برای هر 10 نفر زندانی یک مراقب پیش‌بینی شده است و این مسئله یعنی افزایش تعداد زندانی‌ها و عدم افزایش متناسب سایر امکانات زندان از جمله مراقبان موجب شده که در حال حاضر به ازای هر 63 نفر یک مراقب وجود داشته باشد. (ایسنا، مهر 85)

مدیر کل زندان‌های استان فارس نیز با طرح مواجهه با کمبود فضا برای نگهداری زندانیان عنوان می‌دارد که بسیاری از قاتلان حرفه‌ای از همین مددجویان کانون‌های اصلاح و تربیت و زندان‌ها بوده‌اند و سپس تبدیل به افرادی مثل بیجه و... شده‌اند. (85/4/17 شرق)

4- تغذیه

هر زندانی باید در نوبت‌های صرف غذا، غذایی با کیفیت خوب و تهیه مناسب، از اداره زندان دریافت کند. این غذا باید از ارزش غذایی کافی برای حفظ سلامتی و نیروی بدنی زندانیان برخوردار باشد. از سوی دیگر شکایت درباره کیفیت و کمیت غذا همواره یکی از رایج‌ترین شکایت‌ها در زندان‌هاست. ساده‌ترین راه برای ارزیابی این شکایت‌ها امکان حضور مستمر در زندان است که این امر برای انجمن دفاع و سایر سازمان‌های غیر دولتی مستقل فراهم نبوده است.

برنامه غذایی جاری در زندان‌های کشور از سوی بخش بهداشت و درمان در سال 1378 تهیه و برای تمامی زندان‌های مراکز استان‌ها ارسال گردیده است و تا زمان نگارش گزارش مبنای عمل قرار می‌گیرد، می‌باشد. نکته مهم در مقدمه برنامه این است که این برنامه در نهایت دقت در صرفه‌جویی تنظیم شده و هر گونه کاهش عوارض جنبی سوء تغذیه و افزایش هزینه‌های درمانی را دربرخواهد داشت.

رئیس سازمان زندان‌ها هزینه روزانه هر زندانی را 8 هزار تومان (85/9/19 آفتاب یزد) و مدیر کل زندان‌های استان فارس معادل 6 هزار تومان اعلام کرده‌اند وجود تفاوت فاحش در هزینه روزانه هر زندانی که سرانه غذای روزانه آن را نیز دربرمی‌گیرد، در کنار افزایش تورم شدید، تراکم زندان‌ها، عدم تناسب بودجه اختصاصی به امر زندان‌ها و زندانیان با نیازهای

موجود، امکان سوء استفاده باندهای مافیایی در پشت شبکه غذایی زندان‌ها، و عدم امکان نظارت سازمان‌های مدنی مستقل از جمله عوامل نابسامان امرتغذیه در زندان‌های کشور است.

اما آنچه که از گزارشات ارسال شده برمی‌آید این است که برنامه غذایی بازداشتگاه‌ها و زندان‌های مختلف با هم متفاوت است. به عنوان مثال برنامه غذایی اکثر بازداشتگاه‌های نیروهای انتظامی بسیار نابسامان بوده و در موارد بازداشت‌های کوتاه مدت که به وعده‌های غذایی نهار و یا شام مصادف شده، اهمیت چندانی به آنکه بازداشت شدگان از سهمیه غذایی نهار و یا شام بهره‌مند شوند، نداده‌اند. در حالی که بندهای تحت نظارت وزارت اطلاعات از لحاظ تغذیه شرایط مطلوبی دارد.

گرانی اجناس داخل زندان

یکی از مسائلی که از اکثر زندان‌ها گزارش می‌شود گرانی اجناس فروشگاه‌های زندان است. طبق آیین نامه سازمان زندان‌ها، اجناس در فروشگاه‌های زندان باید به نرخ تعاونی یعنی زیر قیمت بازار فروخته شود اما قیمت اجناس داخل زندان نه تنها تعاونی نیست حتی برابر قیمت بازار یا برچسب کالا نبوده و برخی از آنها گران‌تر از بیرون زندان به فرد زندانی فروخته می‌شوند که هیچ درآمدی ندارد و در مورد افراد متاهل هزینه‌های زندانی به خانواده بی‌پناه او تحمیل می‌شود. پرسش این است که ما به التفاوت درآمد حاصله از فروش اجناس بدون نرخ تعاونی در زندان‌های کشور که از نظر مالی رقم معتنابهی است، چه می‌شود و کجا می‌رود؟

5- گزارش وضعیت بهداشت و درمان جسمی و روانی زندانیان

خدمات بهداشتی و درمانی ارائه شده برای زندانیان از زبان مسئولان مراکز سلامت یا قرنطینه: کلیه زندانیان در بدو ورود به مدت سه تا هفت روز در این مراکز نگهداری شده و سپس وارد بند‌های عمومی زندان می‌شوند. در هر مرکز سلامت و قرنطینه یک پزشک و پرستار و روانشناس انجام وظیفه می‌نمایند. مشکل قرنطینه هنگام اجرای طرح‌های ضربتی است که معمولاً با دستگیری افراد زیادی همراه است و ناگهان جمعیت قرنطینه بالا می‌رود. در این صورت ناچار افراد به حداقل مدت یعنی سه روز در قرنطینه نگهداری می‌شوند.

سلامت بعد از ورود: سم زدایی جهت رفع سیندروم محرومیت از مواد مخدر جزو اولین خدماتی است که به زندانیان معتاد که بالاترین تعداد زندانیان را تشکیل می‌دهند، ارائه می‌گردد. شپش‌کشی و مبارزه با گال نیز از خدمات اولیه پزشکی است که برای زندانیان در بدو ورود در نظر گرفته می‌شود. همچنین بسته‌های آموزشی شامل مسایل اولیه بهداشتی برای زندانیان تهیه شده که در زمان ورود به بند عمومی در اختیار آنان قرار می‌گیرد. بسته آموزشی همچنین مراکز را که آماده دادن خدمات به زندانیان هستند معرفی می‌کند و زندانیان پس از این که وارد بند‌های عمومی می‌شوند می‌توانند داوطلبانه به آن مراکز مراجعه کنند.

کلینیک مثلثی: کلینیک مثلثی در واقع مراکز مشاور بیماری‌های رفتاری هستند و آموزش و خدمات حمایتی مراقبت درمان و مشاوره‌ای به کلیه افراد که سابقه رفتار پرخطر داشتند ارائه می‌دهند. طبق مقرارت در زندان‌های مرکزی و در زندان‌های بالای 500 نفر باید کلینیک مثلثی وجود داشته باشد. در حالی که اکنون 53 مرکز کلینیک مثلثی فعال وجود دارد

برنامه درمان جایگزین: برنامه درمان نگهدارنده با داروی متادون برای بیماران پرخطر در سطح وسیعی شروع شده و تحت گسترش است. این برنامه در کاهش آسیب... و در کنترل خشم و خشونت و همچنین کم شدن ورود و تجارت مواد مخدر در زندان تاثیر بسیاری داشته است. همچنین برنامه‌های ایجاد بهداشت محیط در سطح وسیعی در زندان‌ها انجام شده است. از جمله این اقدامات تامین آب شرب سالم و بهداشتی،

- حلوگیری از وجود حشرات و جوندگان موزی است.
- ایدز: زندانیان مبتلا به ایدز به طرق زیر شناسایی می‌شوند.
- 1- پایگاه های دیده ور وزارت بهداشت: بیشتر از صد پایگاه دیده ور در کشور وجود دارد که حدود شصت تا از آن ها در زندان های کشور است. این پایگاه ها برای گروه های پرخطر دیده وری انجام می‌دهند و نسبت به شیوع بیماری قضاوت می‌کنند و نظر می‌دهند که وضعیت نسبت به وضعیت ایدز چگونه است. پایگاه های دیده وری داخل زندان های زندانیان پر خطر را به عنوان جمعیت پرخطر به صورت رندوم آزمایش می‌کنند به این ترتیب که تعداد 250 تا 400 زندانی مورد آزمایش قرار می‌گیرند. سپس نتایج مثبت را شناسایی کرده و یک برآورد کلی نسبت به جمعیت کشور انجام می‌دهند.
 - 2- گروه های مثلثی: وقتی اطلاع رسانی عمومی می‌دهیم افرادی که این اطلاعات را دریافت می‌کنند داوطلبانه مورد تست قرار می‌گیرند.
 - 3- طبق درخواست پزشکان درمان گر. وقتی پزشک به کسی مشکوک می‌شود و یا یک برنامه درمانی می‌خواهند اجرا کنند که نیاز به آزمایش دارد.
 - 4- عده ای هم شناسایی شده هستند و وقتی وارد زندان می‌شوند ماموران را مطلع می‌کنند.

غربال گری و مشکلات موجود

سیاست های پیشین کشوری نشان داده است که برنامه ای که طبق آن جمعیتی را به صورت دسته جمعی مورد آزمایش قرار داده و بر اساس آن جداسازی انجام شود نه تنها هیچ نتیجه علمی و منطقی برای کشور ندارد بلکه موجب ایجاد تنش در فرد شده و او را از جامعه منزوی و در نهایت به عداوت به جامعه می‌کشاند. مضاف بر آن که برای بیماران مبتلا به ایدز فقط امکان آموزش و اطلاع رسانی و مداخلات امکان پذیر، در حدی که علم پزشکی نشان داده که این مداخلات می‌تواند تاثیر داشته باشد، وجود دارد.

بر این اساس، به موجب سیاست کشوری وزارت بهداشت انجام آزمایش ایدز از افراد، مگر به خواسته خودشان، و همچنین غربال گری ممنوع است حتی انجام آزمایش ایدز از زنان حامله و غربال گری آنان که در زمانی مطرح شده بود مورد قبول قرار نگرفت. سازمان زندان ها در هماهنگی با این سیاست کلی کشوری انجام آزمایش ایدز از زندانیان و غربال گری را ممنوع کرده است. زندانیانی که به گروه های مثلثی وارد می‌شوند به صورت داوطلبانه آزمایش می‌شوند و نتیجه آن در صورت مثبت بودن پس از آماده سازی فرد و طی مراحل مشاوره به فرد ابلاغ می‌شود.

در زندان ها طبقه بندی برای جداسازی بیماران مبتلا به ایدز وجود ندارد. ولی فرض بر آن است که همه افراد بند زندانیان پر خطر مبتلا به این بیماری هستند. فلسفه وجودی اردوگاه های معتادین که محل استقرار معتادان سخت و تزریقی است (که فرض می‌شود همگی آنان مبتلا به بیماری ایدز هستند)، درمان بیماری آنان و ایجاد اشتغال برای آن ها است. بر این اساس می‌توان گفت که نوعی طبقه بندی وجود دارد ولی منفک شده برای بیماران مبتلا به ایدز نیست. از راهکار های مبارزه با گسترش بیماری ایدز در زندان ها علاوه بر دادن آگاهی به زندانیان، فروش تیغ یک بار مصرف در فروشگاه های زندان است. تیغ های یک بار مصرف به گروه های پرخطر مانند معتادان تزریقی به طور رایگان پخش می‌شود. مراقبین با سرکشی مرتب به داخل بند در طول شب سعی می‌کنند رفتار جنسی زندانیان را کنترل کرده و از ارتباط جنسی میان آنان ممانعت به عمل آورند.

همچنین اتاق های ملاقات شرعی در زندان ها وجود دارد که زندانیان می‌توانند با همسر خود به مدت بیست و چهار ساعت ملاقات داشته باشند. پیش از این ملاقات ها، اطلاعات و وسایل لازم برای پیشگیری در اختیار زندانی و همسرش قرار داده می‌شود. با وجود این سازمان زندان ها خود معترف است که هنوز روابط جنسی میان زندانیان تحت کنترل در نیامده است. مسایلی چون بند های پر ازدحام، زندانیان سابقه دار و پر خطر که رفتار مجرمانه بخش قوی شخصیت آنان را تشکیل می‌دهد و ناهنجاری های روحی و روانی آنان

و همچنین کمبود نیروی مراقب از عواملی هستند که مانع از کنترل این امر در زندان ها گردیده است.

وجود مواد مخدر در زندان ها

با وجود مراقبت مداوم هنوز مواد مخدر به طور دایم به زندان وارد شده و در میان زندانیان خرید و فروش می‌گردد. جدا از آنکه وجود مواد مخدر در زندان مانع بهبود زندانیان معتاد و ایجاد محیطی مناسب برای کلیه زندانیان می‌گردد این واقعیت که مقامات سازمان زندان هنوز نتوانسته‌اند راهی برای جلوگیری از ورود مواد بیابند باعث بی اعتمادی زندانیان به مقامات شده و مانعی در جهت بهبود و بازپروری آنان می‌گردد.

جداسازی زندانیان مبتلا به بیماری مسری و یا روانی از دیگر زندانیان

مدیر کل بهداشت سازمان زندان ها خود به تفکیک زندانیان مبتلا به بیماران مسری و روانی از دیگر زندانیان تاکید دارد. لیکن این امر بنا به دلایل مختلف منجمله کثرت تعداد زندانیان و کمبود زندان ها تاکنون جنبه عملی نیافته است. یکی از مشکلات سازمان زندان ها طرح های ضربتی است که طی آن دستگیری در حد وسیع انجام می‌شود و در نتیجه تعداد زیادی زندانی وارد زندان ها می‌شوند و این ازدیاد ناگهانی جمعیت زندان برنامه های عملی داخل زندان را مختل می‌سازد.

مسئولان زندان/ مراقبین و مددکاران

زندانیان محکوم به کیفرهای طولانی که جرم سنگین تر و متعاقبا شخصیت مجرمانه قوی تری دارند، در محیط داخلی بند و در میان زندانیان دیگر از نفوذ زیادی برخوردار بوده و اداره بسیاری از امور داخلی بند زیر نظر آنان می‌باشد. علاوه بر آن احساس کلی زندانی به هر علتی که دستگیر و محبوس شده این است که جامعه به او ظلم کرده است. همین دو موضوع خود باعث ایجاد فشارهای شدید روانی بر مقامات زندان و بخصوص مراقب ها می‌باشد. گویی مقامات زندان و مراقبین، نمایندگان «جامعه ظالم» در مقابل «زندانی مظلوم» بوده و به طور دایم در تیررس خشم و انتقام آن ها قرار دارند. از این روست که وجود مراقبین به تعداد متناسب با تعداد زندانیان و نیز آموزش مداوم آنان در برنامه های اجتماعی و روانی و همچنین ایجاد امنیت اقتصادی برای آنها از مسائل عمده ای است که در اجرای سیاست های سا

نظرات (0) دنبالک (0) نسخه قابل چاپ

پیوست ۶

علیزاده به هاشمی شاهرودی گزارش داد: موارد نقض حقوق شهروندی در زندانها، بازداشتگاههای اصلاحاتی، امنیتی و آگاهی تهران، استفاده از چشم بند، ضرب و شتم متهمان و ...،

(سایت <http://www.isna.ir>، ۱/۵/۱۳۸۴)

[صفحه اصلی] [سرویس - فقه و حقوق] [عناوین کل اخبار سرویس فقه و حقوق - حقوق سیاسی] [عناوین کل اخبار] [چاپگر]
[دریافت فایل متن خبر] [دریافت فایل XML] [نسخه چاپی]

سرویس: فقه و حقوق - حقوق سیاسی

1384/05/01

07-23-2005

13:25:12

کد خبر: 8404-13



علیزاده به هاشمی شاهرودی گزارش داد:
موارد نقض حقوق شهروندی در زندان‌ها، بازداشتگاه‌های
اطلاعاتی، امنیتی و آگاهی تهران
استفاده از چشم‌بند، ضرب و شتم متهمان و...

خبرگزاری دانشجویان ایران - تهران

سرویس: فقه و حقوق - حقوق سیاسی

حجت‌الاسلام والمسلمین عباسعلی علیزاده، رییس کل دادگستری استان تهران و رییس هیات نظارت و بازرسی حفظ حقوق شهروندی، اقدامات انجام شده در رابطه با حفظ حقوق شهروندی را طی گزارش مفصلي به آیت‌الله هاشمی شاهرودی، رییس قوه قضاییه تقدیم کرد.

استفاده از چشم‌بند، ضرب و شتم متهمان، تعیین تکلیف نشدن متهمان و طولانی شدن مدت تحقیقات، زندان برای نوجوان 13 ساله به خاطر دزدیدن يك مرغ در بدترین بازداشتگاه‌ها، نگهداری پیرزن متولد 1311 در زندان به خاطر ناتوانی مالی، دستگیری زنی به جای شوهرش که متهم به جرایم مواد مخدر و متواری است، بلاتکلیف بودن 1400 زندانی یکی از زندان‌ها و... از موارد بارز نقض حقوق شهروندی است که هیات نظارت و بازرسی حفظ حقوق شهروندی در چند ماه بررسی خود از بازداشتگاه‌ها به آن رسیده است که به دنبال پیگیری‌های خبرنگار ایسنا از سوی رییس دادگستری تهران در اختیار این خبرگزاری قرار گرفت.

به گزارش خبرنگار ایسنا، این وقایع درحالی رخ داده است که احترام به کرامت و ارزش والای انسانی و تأمین آزادی‌های مشروع و حقوق شهروندی در راستای تأکید دین مبین اسلام به این مهم سبب شد که آیت‌الله هاشمی شاهرودی بخشنامه‌ای را در 20 فروردین 1383 در باب رعایت حقوق شهروندان خطاب به قضات، ضابطان، ناظران زندان‌ها و بازداشتگاه‌های سراسر کشور صادر کند.

اهمیت موضوع هم به حدی بود که دستگاه تقنینی کشور که متولی امر قانونگذاری است نیز بخشنامه مزبور را به تصویب رساند. در این بخشنامه که بعدها به صورت قانون درآمد به رعایت کلیه حقوق شهروندان مخصوصاً متهمان در مراحل مختلف تحقیق، تعقیب و نگهداری تأکید شده است.

همچنین بخشنامه رییس قوه قضاییه بر رعایت قوانین در کشف و تعقیب جرایم، اجرای تحقیقات، صدور قرارهای تأمین و بازداشت موقت و اجتناب از هرگونه سلب سلب شخصیت و سوءاستفاده از قدرت یا اعمال هرگونه خشونت و یا بازداشت‌های غیرقانونی، صدور احکام محکومیت طبق اصول و موازین قانونی، فراهم آوردن زمینه حق دفاع برای متهمان در محاکم و دادرسی‌ها و رعایت اخلاق اسلامی با مردم، ممنوعیت هرگونه شکنجه و توسل به روش خلاف در تحقیقات و بازرسی و پرهیز از کنجکاوی در اسرار شخصی و خانوادگی و همچنین انجام سوال‌ها و پرسش‌های روشن و مرتبط با اتهام انتسابی و خودداری از تحریف نوشته‌ها یا القای به متهمان و تأکید بر برخورد قانونی با متخلفان تأکید شده است.

بر اساس گزارش خبرنگار حقوقی ایسنا، در ماده‌ی 15 بخشنامه رییس قوه قضاییه مقرر شده که با هیاتی که برای نظارت بر اجرای این مواد تعیین شده‌اند، همکاری لازم مبذول شود.

این هیات که متشکل از نماینده‌ی سازمان قضایی نیروهای مسلح، نماینده‌ی دادستان نظامی تهران، نماینده سازمان بازرسی کل کشور، معاون رییس کل دادگستری و نماینده‌ی دادرسی انتظامی قضات و یکی از دادیاران دادرسی دیوان عالی کشور بودند اقدام به بازرسی‌های مختلفی از بازداشتگاه‌ها و آگاهی‌های استان تهران

کردند.

در گزارش تهیه شده از سوی هیات نظارت و بازرسی حفظ حقوق شهروندی، گزارش بازرسی از بازداشتگاه آگاهی تهران، بازداشتگاه سازمان حفاظت اطلاعات ارتش، بازداشتگاه اماکن، بازداشتگاه حفاظت اطلاعات وزارت دفاع موسوم به 64، بازداشتگاه حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی، زندان رجایی شهر، بازداشتگاه حفاظت اطلاعات سپاه، بازداشتگاه اطلاعات سپاه، بند 209 وزارت اطلاعات زندان اوین، بازداشتگاه آگاهی در شهرری، ستاد مبارزه با مواد مخدر ری، بازداشتگاه کلانتری 160 خزانه، زندان قزل حصار کرج واحد 3، ندامتگاه خورین ورامین، بازداشتگاه آگاهی ورامین، بازداشتگاه آگاهی شهریار، بازداشتگاه ستاد مبارزه با مواد مخدر شهریار، از دادگاه انقلاب اسلامی تهران و دادرسی ناحیه 7 انقلاب و ذکر شده که در آن از وجود موارد بارز از نقض حقوق شهروندی خبر داده شده است که هیات مذکور افراد متخلف را شناسایی و با برخی از آنها برخورد کرده است.

به گزارش خبرنگار حقوقی ایسنا، در اقدام دیگر و پیرو دستورالعمل رییس قوه قضاییه، دادگستری استان تهران اقدام به اختصاص شعبی برای رسیدگی و جمع آوری شکایات واصله درباره نقض حقوق شهروندی کرد که شعبه 79 دادگاه کیفری، شعبه 1059 دادگاه عمومی تهران، شعبه دوم بازرسی دادرسی تهران، شعبه های دوم و پنجم دادگاه های نظامی تهران شعبه 12 بازرسی و شعبه اول دادرسی دادرسی نظامی تهران در این راستا و در جهت سهولت مراجعه شهروندان و رسیدگی سریع تر به شکایات واصله در خصوص حقوق شهروندی تعیین شدند.

تاکنون 143 شکایت به این هیات واصل شده است که یکی از آنها مربوط به شخصی است که از دی ماه سال 1367 در زندان به سر می برد که در پرونده بازداشتی وی هیچ گونه سابقه ای از سوی مرجع قضایی یا حکم محکومیت وجود ندارد.

هیات نظارت و بازرسی حفظ حقوق شهروندی در اولین بازرسی خود گزارش بازرسی های خود از بازداشتگاه های حفاظت و اطلاعات، آگاهی و اطلاعات نیروی انتظامی، حفاظت اطلاعات ارتش در مورد وضعیت زندانیان و مسائل مربوط به بهداشت و نحوه ملاقات زندانیان و شیوه های اتخاذ شده در مورد احضار، جلب و نحوه دستگیری آنها را جمع آوری و در مورد احضار و برخورد با افراد خاطی تصمیماتی اتخاذ کرد.

در این گزارش آمده است که تعداد 1400 نفر زندانی در زندان رجایی شهر بلامتکلیف هستند که وضعیت آنها باید بررسی و چنانچه توسط مراجع ذی ربط تقصیر یا قصوری صورت گرفته باشد، اقدام قانونی صورت گیرد.

همچنین در این گزارش خواسته شده تا اداره آگاهی کرج و تهران وابسته به نیروی انتظامی دعوت و مسائلی به آنها تذکر داده شود. از جمله این موارد بلامتکلیفی دختری دوم دبیرستانی، زندانی کردن پیرزن ناتوان و کمبود مددکاران بوده است.

عبدالعلی میرکوهی، قائم مقام رییس کل دادگستری استان تهران در اولین جلسه هیات نظارت و بازرسی استان تهران وظیفه این هیات را نظارت و ارزیابی سیستماتیک واحدهای ذی ربط زندانها، دادرسیها، اداره اطلاعات، قضایی حفاظت اطلاعات و در نظر گرفتن جنبه های ارشادی و آموزشی دانسته و تصریح می کند که قانون آیین دادرسی کیفری که در حال تدوین و بازبینی قرار گرفته، بیشتر اتهامی است. همه جوانب باید رعایت شود و رعایت حقوق نیاز به اصلاح قانون دارد، قانون کلی است، نکات ابهام با نقص گفته شود.

حجت الاسلام والمسلمین علیزاده که ریاست هیات نظارت و بازرسی حفظ حقوق شهروندی را بر عهده دارد در یکی از جلسات این هیات بیان کرده که کلیه مصلحت های لازم در قانون در نظر گرفته شده و بایستی توسط مجریان به نحو صحیح اجرا شود و وظایف هیات هم انطباق عملکرد مجریان با قانون است و چنان چه فرد یا نهادی مصلحت دیگری را در نظر گرفته است ارتباطی با قانون ندارد و در صورت تخلف بایستی پاسخگویی آن باشد.

هیات در یکی از جلسات اعلام می کند که بر اساس اطلاعات رسیده برخی از نهادها از چشمبند استفاده می کنند و با توجه به استفاده از آن در قانون به مأموران تذکر داده شده اما آنها مسائل امنیتی را عنوان می کنند. بین مسائل امنیتی و اجرایی قانون تعارض ایجاد نموده اند.

علیزاده در این رابطه بیان می کند این مصلحت ها با قانون ارتباطی ندارد. هر کسی مشکلی دارد باید برود و آن را

حل کند. هر دلیلی که آنها برای زدن چشم‌بند دارند به ما ارتباطی ندارد ما نباید در اجرا مصلحت‌اندیشی کنیم.

یکی دیگر از اعضای هیات در جلسه‌ای مطرح کرده که در صحبت‌های فرمانده نیروی انتظامی تلویحا اقرار به ضرب و شتم شده که این مساله باید پیگیری شود.

رئیس هیات نظارت و بازرسی حفظ حقوق شهروندی مطرح می‌کند هم اینکه هیات شکایت و گزارش‌ها را پیگیری می‌کند بسیار موثر است. در کدام آیین آمده که یک زن را این قدر مورد ضرب و شتم قرار دهند، در قانون اساسی شکنجه ممنوع است ولو مطابق با واقع باشد، کسی نمی‌تواند دستور شکنجه صادر کند.

بر اساس این گزارش گویا عده‌ای بر سر راه این هیات مشکلاتی ایجاد کرده‌اند و از همکاری همه جانبه با این هیات خودداری کردند، میرکوهی مطرح می‌کند که این هیات باید وظایف قانونی خود را انجام دهد و چنانچه تهدیداتی هم از ناحیه هرکسی وجود داشته باشد نباید توجه شود و هیات باید شجاعانه وظیفه‌شان را انجام دهند.

در این گزارش مطرح شده که علی‌رغم تمام تأکیده‌های مسولان مبنی بر احترام به حقوق عامه، گروهیانی 4 نفر را در ترمینال فرودگاه بدون مجوز دستگیر می‌کند و سپس از روی عملکردهای خانوادگی و آلبوم آنها تشکیل پرونده می‌دهد. ما به قاضی خودمان اشکال داریم، متأسفانه قاضی در اختیار نیروی انتظامی است، قاضی ما نباید ابزار وزارت یا حفاظت قرار گیرد.

علیرغم تمام تأکیداتی که بر اجرای قانون حقوق شهروندی از سوی مسوولان عالی‌رتبه کشور صورت می‌گیرد، بر اساس گزارش تهیه‌شده از سوی دادگستری بارها شاهد مقاومت در مقابل کار هیات هستیم. به طوری که این هیات به بازداشتگاه اطلاعات سپاه مراجعه کرده اما این بازداشتگاه از راه دادن آنها خودداری کرده است و مطرح شده که حتی اگر مقام بالاتر از شما هم بیاید او را راه نمی‌دهیم.

هرچند که رئیس کل دادگستری استان تهران، این هیات را رسمی و قانونی عنوان کرده و گفته که ما باید مسوولیت‌مان را به خوبی انجام دهیم و نباید مساله‌ای از ما پنهان بماند، مسولان این بازداشتگاه خود را وری هرگونه قانون می‌دانند.

هیات نظارت و بازرسی حفظ حقوق شهروندی در بازدیدهای به عمل آمده از بازداشتگاه وزارت اطلاعات حدود 28 نفر افرادی که بر اثر ارتباط با یک شبکه ماهواره‌ای که توهین به مقدسات داشته دستگیر شدند را ملاحظه می‌کند که گویا اکثرشان بی‌سواد و فریب‌خورده هستند و بلاتکلیف باقی ماندند.

تعیین تکلیف نشدن متهمان و طولانی شدن مدت تحقیقات از مسائلی است که در این گزارش به آنها اشاره و بر ضرورت حل آن تأکید شده است.

هیات مذکور در مرحله‌ی دیگری از بازرسی‌های خود به زندان رجایی‌شهر مراجعه می‌کند و در کمال تعجب شاهد وجود پیرزنی متولد 1311 در زندان می‌شود و در صحبت با وی متوجه می‌شود که او چهار ماه است در زندان به سر می‌برد، این پیرزن منزلش را به سه افغانی رهن داده که چون نتوانسته رهن را به آنها برگرداند در زندان به سر می‌برد یا در این زندان خانمی می‌گفت چون به شوهرش تهمت مواد مخدر زده شده و وی متواری است، او را به جای شوهرش دستگیر کرده‌اند.

به گزارش خبرنگار حقوقی ایسنا، در بازرسی‌های به عمل آمده از کلیه بازداشتگاه‌های حفاظت اطلاعات‌ها بحث شنود به عنوان یک اصل مطرح بوده است. این هیات مطرح می‌کند که این وضعیت نباید وجود داشته باشد و در موارد مشخص نیز باید با مجوز قضایی این کار صورت گیرد.

یکی دیگر از مسایل قابل توجه که در بازرسی‌های انجام شده هیات نظارت و بازرسی حفظ حقوق شهروندی به آن برخورد شده این بوده که بازداشتگاه‌های حفاظت اطلاعات تعارض در مدیریت وجود دارد و هرچه کارشناسان خودشان می‌گویند، عمل کنند. آنجا به ظاهر تحت مدیریت سازمان زندان‌هاست، اما حرف سلسله مراتب خودشان را عمل می‌کنند.

در این گزارش بر اصل و حق مسلم متهمان در استفاده از وکیل تأکید و عدم حضور قاضی ناظر زندان و تبعیض آشکار در داخل زندان نیز از جمله موارد تخلف ذکر شده است، وجود دارد.

این گزارش به شمار خودکشی زنان زندانی در زندان رجایی شهر اشاره کرده و خواسته است علت

خودکشی‌ها در این زندان بررسی شود. هرچند که زندان سعی در کتمان این مساله داشته است. همچنین از مسایل قابل توجه وجود 7 مددکار در زندان رجایی شهر برای هر سه هزار نفر زندانی بوده است.

آنچه از گزارش مورد بحث بر می‌آید این بوده که هر یک از پادگان‌ها، حفاظت اطلاعات‌ها و... بازداشتگاهی جداگانه دارند که این خلاف بخش‌نامه رییس قوهی قضاییه است. هیات تذکر داده که بازداشتگاه‌ها باید متمرکز شوند، زندان‌ها نباید دو مدیریتی یا چندمدیریتی باشند. ماموران سپاه و ارتش نباید زندانبان باشند، زیرا اگر اتفاقی رخ دهد قوهی قضاییه باید پاسخ دهد " پس نمی‌شود که در اداره زندان نقشی نداشته باشد.

از جمله موارد مهم این گزارش نابسامانی‌های محیط بازداشتگاه‌هاست. در بخش‌نامه آیت‌الله هاشمی شاهرودی تاکید شده که فضای هر بازداشتگاه نباید از 12 متر کمتر باشد در حالی که بر اساس اطلاعات به دست آمده در جریان بازدید هیات نظارت و بازرسی حفظ حقوق شهروندی، متهمانی وجود داشتند که طی 8 یا 9 ماه در فضای کمتر از یک متر بازداشت شده بودند.

علیرغم تمام تأکیدات قانونی بر ممنوعیت شکنجه، گزارش تهیه شده از سوی هیات وجود شکنجه و انفرادی را در بازداشتگاه پذیرفته و درصدد انجام اقداماتی برای حل آن هستند. در این گزارش اقرار با آکراه فاقد اعتبار دانسته شده است و استفاده از چشم بند که در جریان بازرسی‌ها با آن برخورد کردند را مورد انتقاد شدید قرار دادند.

هنگام مطالعه‌ی گزارش تهیه شده به بازداشت نوجوان 13 ساله به خاطر دزدیدن یک مرغ به مدت شش روز در بدترین بازداشتگاه ورامین برخورد کردم؟ و این سوال برایم مطرح شد که آیا ما باید راحت‌ترین روش را برای کار انتخاب کنیم؟ چه کسی باید پاسخگوی این موارد که نقض بارز حقوق شهروندان است باشد؟ آیا می‌توان حقی که تضییع شده را به صاحبش برگرداند؟ خسارت‌های مادی و معنوی ناشی از این سهل‌انگاری‌ها را چه کسی جبران خواهد نمود؟

همچنین در این گزارش عنوان شده که هیات نظارت بر حفظ حقوق شهروندی خواستار آن شده است که مواردی از احتمال تعرض به دختران و زنان بازداشت‌شده و زندانی مورد بررسی قرار گیرد و نتایج این بررسی به اطلاع هیات رسانده شود.

در بخش‌های پایانی گزارش آورده شده که در حال حاضر سیاست نیروی انتظامی مقابله با دستگاه قضایی است، ما نباید مقابله کنیم، ما باید راه‌حل منطقی و شرعی ارائه دهیم.

هیات در بازرسی که در زندان قزل حصار به عمل آورده، آمار قابل توجه‌ای را ارائه کرده است. کل ندامت‌گاه تا تاریخ دهم خرداد 1384، 8061 نفر بوده است، تعداد متهمان دادسرای عمومی و انقلاب استان تهران 3075 است که تعداد 555 نفر با قرار بازداشت موقت، 1561 نفر با قرار کفالت و 959 نفر با قرار وثیقه به سر می‌برند.

تعداد کل محکومان محاکم عمومی و انقلاب 4986 نفر، محکومان به جزای نقدی 2058 نفر، کل متهمان 51 درصد به جرم اعتیاد، استعمال، خرید و فروش مواد مخدر و 49 درصد به جرم سرقت، ضرب و جرح و محکومیت‌های مالی، قتل عمد و غیرعمد است. از اول سال 1384 تعداد 3279 مورد به مرخصی اعزام شده‌اند که از این تعداد 481 نفر در مرخصی هستند و تعداد 80 نفر مرتکب غیبت شده‌اند و به زندان بازنگشته‌اند.

آمار کل ورود متهم و محکوم به زندان قزل حصار در سال 1383، 41458 و آمار کل خروج در سال 1383، 38830 نفر است.

انتهای پیام

کد خبر: 8404-13133

[صفحه اصلی] [سرویس - فقه و حقوق] [عناوین کل اخبار سرویس فقه و حقوق - حقوق سیاسی] [عناوین کل اخبار] [چاپگر] [دریافت فایل متن خبر] [دریافت فایل XML] [نسخه چاپی]

پیوست ۷

سخنگوی قوه قضائیه گفت ۲۹ قاضی به دلیل نقض حقوق شهروندان برکنار شدند.

(سایت <http://www.radiofarda.com>)

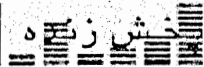


ایران خبرهای کوتاه
جهان دانش- فرهنگ
ورزش گزارش‌های ویژه
برنامه‌های ضبط شده
آشنائی با ما
فرانس‌ها
ماهواره‌ها

جستجو

جستجو

جستجو در آرشیو همکاران



صفحه نخست بدون

تصویر

گزارش‌های ایران

این صفحه را برای دوستانتان بفرستید
نسخه جای



سخنگوی قوه قضاییه گفت 29 قاضی به دلیل نقض حقوق شهروندان برکنار شدند

سخنگوی قوه قضاییه جمهوری اسلامی روز دوشنبه در کنفرانس مطبوعاتی برخی از خلاف کاری‌ها در قوه قضاییه را تایید کرد و گفت: 29 قاضی به دلیل نقض حقوق شهروندان از کار معلق یا اخراج شدند. وی همچنین به طور ضمنی تایید کرد که رئیس دادگستری نکا به دلیل افشای نام زمین‌خواران به کمیسیون مجلس شورای اسلامی از کار برکنار شد. معلوم نیست قضات برکنار شده از روحانیان خاطی هستند یا از قضات تحصیلکرده. وی گفت: در برخی استانها برای آن دسته از ضابطین قضایی که مرتکب تخلفات شده بودند، پرونده تشکیل شده است. وی گفت: هیچ قاضی حق ندارد به هیچ عنوانی غیر از آنچه که قانون تجویز کرده و وقت دادرسی را تجدید کند.

علی سجادی (rm) صدا | (wma) صدا [3:14 mins]

جمال کریمی‌راد سخنگوی قوه قضاییه روز دوشنبه در کنفرانس مطبوعاتی برخی از خلاف کاری‌ها در قوه قضاییه را تایید کرد و گفت 29 قاضی به دلیل نقض حقوق شهروندان از کار معلق یا اخراج شده‌اند. وی همچنین به طور ضمنی تایید کرد که رئیس دادگستری نکا به دلیل افشای نام زمین‌خواران به کمیسیون مجلس شورای اسلامی، از کار برکنار شد.

علی سجادی (راديو فردا): جمال کریمی‌راد صبح دوشنبه در کنفرانس مطبوعاتی هفتگی خود گفت باتوجه به این که سال 84 سال تعمیق بخشیدن به حقوق شهروندی است، لذا در برخی استانها برای آن دسته از ضابطین قضایی که مرتکب تخلفات شده بودند، پرونده تشکیل شده است. آقای کریمی‌راد عدم انجام به موقع دستورات قضایی، تضییع حق متهمین و افراد تحت تعقیب را از جمله تخلفات ضابطین

تکرار مناظر تلخ
درگیری میان نیروی
انتظامی و مردم:
پیامدهای انتصاب یک
بسیجی به
فرماندهی نیروی
انتظامی جمهوری
اسلامی، از دید
علیرضا نوری زاده



[۲:۴۵ ساعت پیش] متن
کامل

(wma) | (rm) صدا

صدا [4:22 mins]

فراخوان کمیته دفاع
از زندانیان سیاسی
و فعالان فرهنگی و
سیاسی برای
گردهمانی سه
شنبه در برابر
دانشگاه تهران



[۲:۴۵ ساعت پیش] متن
کامل

(wma) | (rm) صدا

صدا [4:27 mins]

مشاجره در کنفرانس
بنیاد پژوهش‌های
زنان در وین میان
دیدگاه‌های فعالان
داخل و خارج کشور



[۵:۲۵ ساعت پیش] متن
کامل

(wma) | (rm) صدا

صدا [5:00 mins]

تلاش‌های دولت
محمد خاتمی برای
پیگیری تخلفات
انتخاباتی از سوی



قوه قضاییه جدی
گرفته نمی‌شود

[۶:۲۵ ساعت پیش] متن
کامل

(wma) | (rm) صدا

صدا [2:29 mins]

انتشار جزئیات تازه

قضای عنوان کرد.

سخنگوی قوه قضایه همچنین گفت: در سه ماه اول سالجاری 16 نفر از قضات متخلف که اقدام به تضییع حقوق شهروندی و عدم رعایت قوانین کرده بودند اخراج شدند و 13 نفر نیز از شغل قضا معلق و تحت پیگرد قرار گرفتند. آقای کریمی‌راد از قضات برکنار شده یا معلق شده نامی نبرده است و نیز روشن نیست آیا قضات برکنار شده از روحانیان خاطی هستند یا از تحصیلکردگان. سابقه این قضات نیز مورد اشاره قرار نگرفته است.

در سالهای گذشته نیز گاه گاه برخی از قضات به دلایلی ناروشن از کار برکنار شده اند، از جمله دو سال پیش قاضی دادگاه اکبر گنجی که حکم زندان کوتاه مدتی برای او صادر کرده بود، مورد انتقاد مقامهای قوه قضایی قرار گرفت و پس از مدتی کوتاه بازنشسته شد. در موردی هم سال گذشته در شهر کرمان یک قاضی غیر روحانی به قتل رسید و با این که قوه قضایه قول داد پرونده را رسیدگی کند، اما تاکنون خبری از آن منتشر نشده است.

سخنگوی قوه قضایه همچنین از خلافاکاری دیگری در نظام قضایی خبر داد و تجدید وقت دادرسی را ظلم بزرگی در جهت تضییع حقوق شهروندی خواند و گفت: رئیس قوه قضایه تاکید کردند که نظارت دقیقی بر وقت دادرسیها انجام شود تا هر کسی به هر بهانه‌ای وقت دادرسی را تجدید نکند، بنابراین هیچ قاضی حق ندارد به هیچ عنوانی غیر از آنچه که قانون تجویز کرده وقت دادرسی را تجدید کند. چنانچه قاضی اقدام به این کار به بهانه واهی کند، قابل پیگرد توسط دادستان انتظامی قضات خواهد بود، لذا هر قاضی اگر به هر دلیلی نتواند در جلسه محاکمه حاضر شود باید دادرس علی‌البدل، جلسه دادگاه را برگزار کند.

یکی از خبرنگاران از سخنگوی قوه قضایه درباره علت برکناری رئیس دادگستری نکا پرسید که آیا به دلیل فاش کردن اسامی زمین‌خواران توسط وی به نمایندگان مجلس بوده یا نه. آقای کریمی‌راد با تایید ضمنی خبر گفت: من نیز شنیده‌ام که ایشان در جلسه‌ای در مجلس شرکت کرده بودند که نباید این بی‌احتیاطی سر می‌زد و ما نمی‌توانیم بصورت خودسرانه در هر جلسه‌ای شرکت کنیم.

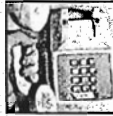
وی افزود: رئیس دادگستری نکا به عنوان بازپرس ابلاغ ویژه‌ای در رابطه با پرونده‌های زمین‌خواری داشتند، اما به لحاظ تراکم کاری و بحث مدیریتی، ایشان نتوانستند برای این پرونده‌ها وقت بگذارند بنابراین به تمایل وی این مسئولیت از وی گرفته شد.

درباره مرگ زهرا کاظمی در زندان اوین: مصاحبه با عبدالکریم لاهیجی



[۶:۴۵ ساعت پیش]
کامل
[[(rm) صدا | (wma)]]
صدا [4:19 mins]

صدای شما: پیام های تلفنی شنوندگان رادیوفردا



[۷:۴۵ ساعت پیش]
کامل
[[(rm) صدا | (wma)]]
صدا [6:56 mins]

سفر نخست وزیر دولت انتقالی عراق به ایران به تعویق افتاد



[۸:۴۵ ساعت پیش]

تلاش وکیل مدافع برای تامین آزادی وبلاگ نویس زندانی مجتبی سمیعی نژاد



[۸:۴۵ ساعت پیش]
کامل
[[(rm) صدا | (wma)]]
صدا [4:02 mins]

بایگانی

صفحه نخست

پیوست ۸

گفت و گو با مظفر الوندی، همه زندانیها مستحق زندان نیستند.

(سایت <http://www.sharghnewspaper.com>، ۱۶/۴/۱۳۸۴)

گفت وگو با مظفر الوندی همه زندانی ها مستحق زندان نیستند



مظفر الوندی مدیرکل فعلی پژوهش های سازمان زندان ها و اقدامات تامینی و تربیتی است. با وی گفت وگویی کوتاهی انجام داده ایم که در ذیل می آید:

...

• آیا در موضوعات راجع به زندان مطالعات تطبیقی صورت می گیرد و تجربیات دیگر لحاظ می شوند؟
شاخص های ما با جامعه ایران تعیین می شود زیرا بودجه و امکانات ما با تعیین وضعیت ها باید برابر باشد. حداقل استاندارد در امور زندان داریم و معمولاً طوری تنظیم می شود که آن حداقل ها لحاظ شود. آئین نامه زندان ها در ایران از آن حداقل بالاتر است از جمله مسائل روحی و عاطفی زندانی مورد توجه قرار گرفته و در بحث ملاقات و مرخصی عنایات خاصی شده است. ما از زندان های مختلف دنیا بازدید کرده ایم و متقابلاً بازدیدهایی نیز از زندان های ایران به عمل آمده. در امکانات زیست محیطی ممکن است امکانات بعضی از کشور ها بیشتر باشد مثلاً امکانات الکترونیکی پیشرفته مورد استفاده قرار گیرد اما از جهت حفاظتی و امنیتی بسیار سختگیری می شود و آنها برای این سختگیری اینطور استدلال می کنند که در کشورشان واقعاً آنها که مستحق مجازات زندان هستند نگهداری می شوند و باید در مورد آنان جدیت لازم به کار گرفته شود. ولی ما به عنوان یک زندانبان می توانیم بگوییم ۵۰ درصد زندانیانی که داریم می توانستند تحت این مجازات قرار بگیرند. در برنامه های بلندمدت برای زندان نیز مواردی در نظر گرفته شده به طور نمونه بیشتر کردن ملاقات ها و مرخصی ها به مناسبت های گوناگون. گرچه عده ای با شیوه های امنیتی و پلیسی با این قضیه مخالفت می کنند اما ما کاربرد بیشتری در افزایش این حقوق دیده ایم. البته ممکن است قرار گرفتن زندانی در محیط بیرون خسارتی هم داشته باشد. اما به مراتب کمتر از مزایای آن است. لازم به ذکر است که شورای تحقیقات در استان ها و شهرستان ها داریم که با افراد با تجربه ای پانزده روز یک بار جلسه تشکیل می شود و مسائل و مشکلات زندان مورد بررسی قرار می گیرد.

• نرخ بازگشت (زندانیان) به زندان چگونه است؟

نرخ بازگشت معمولاً خیلی از نظر استاندارد بین المللی درست نیست و ما می گوییم اگر یک زندانی به زندان آمد به جرم کلاهبرداری اگر بعد از آزادی با امکاناتی که برای او فراهم می شود باز به همان جرم به زندان افتاد، بازگشت است نه اینکه

مثلاً تصادف کرده و زندانی شده است این موارد بازگشت به زندان محسوب نمی شوند. اکنون نرخ بازگشت به ۲۵ درصد رسیده است.

• امکانات زندان تهران با شهرستان چه تفاوت هایی دارد؟

مسلم است که در بیرون از زندان هم امکانات تهران با شهرستان متفاوت است. در بعضی شهرستان ها مردم به گونه ای خاص زندگی می کنند و اگر خیلی به آنها رسیدگی شود تعجب می کنند. بعضی از شهرستان ها ۶۰ تا ۷۰ نفر زندانی دارند و طبیعتاً هزینه هایی که برای آنها می شود خیلی کمتر است.

• NGO های مربوطه چه اندازه تعامل دارید و نظر شما راجع به این NGO ها چیست؟

یکی از بند های وظایف سازمان زندان ها جلب مشارکت عمومی است و ما در رابطه با این جلب مشارکت تجربه خوبی داشته ایم به خصوص در کانون اصلاح و تربیت. در بعضی زندان ها NGO های قدیمی و سنتی داریم که متشکل از تعداد مختلفی از مردم است که معتمدین محل مشکلات مربوط به زندانیان را حل و فصل می کنند. بعضی گروه های اجتماعی هم اختصاصاً با زندان کار می کنند که با آنها هم همکاری هایی داشته ایم و منعی نداریم حتی با NGO های بین المللی نیز همکاری هایی صورت گرفته و اولین سازمانی بوده ایم که با PRI (سازمان اصلاحات جزایی بین المللی) ارتباط برقرار کرده ایم. به هر حال ما تابع قوانین کشور هستیم و اگر وزارت خارجه به ما اجازه بدهد همکاری های لازم را انجام می دهیم. ولی با سازمان های رسمی همکاری داریم مثلاً با یونیسف و یونسکو. با انجمن حمایت از زندانیان که تازه تاسیس است نیز مشکلی برای همکاری نداریم.

• شما به عنوان فردی که با این مقوله سروکار دارید چه مواردی را راجع به زندان و زندانی تصور می کنید که مغفول مانده است؟

آنچه در خصوص زندانی باید مورد توجه قرار گرفته شود و رسانه ها مدنظر قرار دهند پس از خروج زندانی از زندان است که انگ زندانی بودن به آن می خورد و اعتماد نسبت به او کاهش می یابد. شاید با تمهیداتی که از لحاظ فرهنگی می خواهیم انجام دهیم تغییراتی در این مورد حاصل شود اما آنچه مهم است این است که جامعه به زندانی نگاه معمولی ندارد و اگر برای کار وارد یک کارگاه صنعتی یا فرهنگی شود، مورد توجه قرار نمی گیرد. ضمن اینکه باید در جنبه های جزایی نسبت به مجرمین افراط و تفریط نکنیم. نظر ما این است که افرادی که ضرورتاً باید در زندان باشند تعدادشان اندک است. یکی از راه های اینکه مجرمین کمتر زندانی شوند راه حل مجازات جایگزین است که بعضاً مورد استفاده قرار گرفته و فوه قضاییه نیز در این مورد لایحه تهیه کرده است.

مفهوم دادرسی اساسی

علی اکبر گرجی*

دادگستری یا دادرسی اساسی یکی از مفاهیم اصلی و پایه ای حقوق اساسی نوین است. درست است که این مبحث هنوز در ادبیات حقوقی ایران جایگاه پایسته و شایسته خود را نیافته است اما امروزه در حقوق فرانسه و بسیاری از کشورهای دیگر متخصصان حقوق اساسی ناگزیر از داشتن تسلط نسبی به مباحث دادرسی اساسی هستند. به دیگر سخن در حال حاضر نمی توان کسی را که فاقد مهارت و تسلط نسبی در مباحث دادگستری اساسی است، متخصص حقوق اساسی نامید. اما پرسشی که در وهله نخست به ذهن خواننده ایرانی خطور می کند، این است که دادرسی اساسی چیست و عناصر تشکیل دهنده این شاخه علمی - حقوقی کدام است.

دادرسی اساسی مطابق تعریف میشل دوویلیه به «مجموعه سازمان ها و آئین هایی گفته می شود که توسط آنها برتری قانون اساسی تضمین می شود. هر چند که نظارت بر انطباق قوانین با قانون اساسی نماد این ضمانت است اما تضمین برتری قانون اساسی تنها به این امر محدود نمی شود. تضمین برتری قانون اساسی به مواردی چون معاهدات بین المللی، اعمال اداری و آرای صادره در دادگستری نیز ارتباط می یابد. اعمال دادگستری اساسی [همیشه] با وجود یک دادگاه قانون اساسی با صلاحیت انحصاری قضاوت درباره موضوعات مربوط به قانون اساسی همراه نیست؛ دادگستری اساسی می تواند همانند آنچه که دیوان عالی ایالات متحده انجام می دهد، توسط دادگاه های عادی نیز اعمال شود.»

دیدگاه های دیگری نیز در زمینه تعریف دادگستری اساسی قابل طرح اند: مثلاً مطابق تعریف هانس کلسن وظیفه و رسالت اصلی دادرسی اساسی تأمین و تضمین کارکرد منظم یا قاعده مند نهاد ها و سازمان های دولتی در چارچوب احترام به قانون اساسی است. در حالی که شارلی ایزنمن بر مسئولیت نظارت بر هنجار ها و قوانین تأکید بیشتری داشته و معتقد بود «دادرسی اساسی درباره قوانین دستوری اعمال می شود.» از نظر وی «مفهوم حقوقی دادگستری اساسی تضمین انفکاک صلاحیت بین قانونگذار عادی و قانونگذار اساسی است.»

نویسندگان جدید و در راس آنها استاد لویی فاورو در تعریف دادگستری اساسی همزمان دو شاخصه سازمانی و مادی را مورد توجه قرار می دهند. در این برداشت دادگستری اساسی عبارت از «مجموعه سازمان ها و فنونی است که به مدد آنها و به هیچ محدودیتی برتری قانون اساسی تضمین می شود.»

پس می توان به طور خلاصه دادرسی اساسی را به مجموعه نهاد ها و سازوکار هایی اطلاق کرد که غایت آنها تضمین احترام و برتری قانون اساسی است. وظایف و کارکرد های مختلف دادگستری اساسی را می توان در چند مورد ذیل خلاصه کرد:

۱- نظارت بر انطباق مصوبات پارلمان با قانون اساسی

۲- تفسیر قانون اساسی (مورد جمهوری اسلامی ایران)

۳- نظارت بر صحت انتخابات و رای گیری های سیاسی (انتخابات پارلمانی یا ریاست جمهوری و همه پرسی)

۴- تضمین کارکرد صحیح قوای عمومی

الف - ایفای نقش داوری بین قوای عمومی (مثلاً در موارد تعارض صلاحیت بین مجریه و مقننه) یا بین دولت و واحدهای محلی به ویژه در نظام های فدرال یا نیمه فدرال

ب - کارکرد سیاسی (مانند اعمال دادرسی سیاسی، نظارت بر اعمال اختیارات استثنایی، مشارکت در اعمال قدرت سیاسی (مورد شورای نگهبان که مثلاً مطابق اصل یکصد و یازدهم قانون اساسی در تشکیل شورای موقت رهبری مشارکت می کند).

و...

۵ - پشتیبانی از حقوق و آزادی های بنیادین

شاید بتوان وجه مشترک بسیاری از سامانه های دادگستری اساسی را مسئله نظارت بر امر تقنین دانست. به علاوه کمتر نظامی را می توان یافت که همزمان و به صورت صریح و رسمی همه وظایف چهارگانه فوق را بر عهده نهاد خاص دادگستری اساسی (دادگاه یا شورای قانون اساسی، دیوان داری، شورای نگهبان یا...) گذاشته باشد. در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران نیز شورای نگهبان مطابق اصول ۴، ۷۲، ۹۱ تا ۹۸ قانون اساسی صلاحیت «پاسداری» از قانون اساسی و تضمین برتری آن در حوزه مصوبات مجلس را دارد، اما این امر بدان معنا نیست که پاسداری از قانون اساسی و تضمین احترام و برتری آن تنها به حوزه قانونگذاری محدود می شود.

از آنجا که قانون اساسی، جامع الشمول بوده و در اصول مختلف خود به تعیین خطوط و محورهای کلی سازماندهی و اعمال دیگر قوا (مجریه و قضائیه) نیز پرداخته است، بنابراین قوای مجریه و مقننه نیز باید هر يك در قلمرو صلاحیت اختصاصی خود نسبت به مسئله حفاظت و پاسداری از اصول قانون اساسی اهتمام بورزند. به عنوان مثال حفاظت از حقوق و آزادی های بنیادین در اصول مختلف قانون اساسی مورد تأکید قرار گرفته است. با نگاهی به این اصول و مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی می توان به راحتی به جایگاه والای این حقوق و آزادی ها پی برد. هرچند که شورای نگهبان می تواند به صورت غیرمستقیم و در حوزه صلاحیت های اختصاصی خود (نظارت بر امر قانونگذاری، تفسیر قانون اساسی، نظارت بر روند همه پرسی و انتخابات) از حقوق و آزادی های بنیادین نیز حمایت مطلوب و متعادل به عمل آورد، اما در هیچ کدام از اصول قانون اساسی مسئولیت پاسداری از حقوق و آزادی های بنیادین به صورت مستقیم به شورای نگهبان واگذار نشده است. بنابراین باید مسئولیت مستقیم و موثر پاسداری از قانون اساسی در زمینه حقوق و آزادی ها را اصولاً متوجه دادگاه ها و نظام قضایی دانست، همچنان که اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی نیز به صراحت این وظیفه را بر عهده قوه قضائیه گذاشته و اعلام می کند: «قوه قضائیه قوه ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت» بوده و عهده دار وظیفه «احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی های مشروع» است.

مثال دیگر به رسالت رئیس جمهور در پاسداری از قانون اساسی مربوط می شود. مطابق اصل ۱۱۲ قانون اساسی، رئیس جمهور (بخوانید قوه مجریه) به عنوان عالی ترین مقام رسمی کشور پس از مقام رهبری مسئولیت اجرای قانون اساسی [...] را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می شود، بر عهده دارد.

• نتیجه آنکه

اولاً - وظایف و کارکردهای دادگستری اساسی متعدد و گوناگون است.

ثانیاً - اعمال این وظایف ممکن است توسط يك سازمان واحدی مانند دادگاه یا شورای قانون اساسی صورت نگیرد.

* مدیر مسئول نشریه حقوق اساسی

پیوست ۹

مصاحبه مطبوعاتی شیرین عبادی در لندن در دفاع از اکبر گنجی

(سایت <http://www.radiofarda.com>)



ایران
جهان
ورزش
گزارش‌های ویژه
دانش- فرهنگ
برنامه‌های ضبط شده
گوناگون
برنامه‌های هفتگی
آشنایی باما
فرکانس‌ها
ماهواره‌ها



جستجو



انتخابات 84 - گزارش های ویژه نسخه چاپی

این صفحه را برای دوستانتان بفرستید



مصاحبه مطبوعاتی شیرین عبادی در لندن در دفاع از اکبر گنجی

شیرین عبادی برنده جایزه صلح به دعوت انجمن سخن در لندن به این شهر رفته است. سفر او به لندن به منظور جلب توجه مقام ها و مسئولان کشور بریتانیا، رسانه ها و مردم عادی به وضعیت خطرناک اکبر گنجی موکل وی و روزنامه نگار زندانی در تهران است. ظهر سه شنبه یازدهم ژوئیه خانم عبادی در کنفرانس مطبوعاتی شرکت کرد و به سئوالات خبرنگاران در مورد وضعیت اکبر گنجی و سیاست های جمهوری اسلامی پاسخ داد.

شهران طبری (لندن) (rm) | صدیا (wma) [10:55 mins]

اکبر گنجی روزنامه نگار زندانی سی و یکمین روز اعتصاب غذای خود را می گذراند. بسیاری از مراجع و نهادهای بین المللی نسبت به وضعیت جسمی آقای گنجی هشدار داده اند و از جمهوری اسلامی خواستار آزادی او شدند. در همین حال کاخ سفید نیز در مورد وضعیت آقای گنجی ابراز نگرانی کرد و خواهان تلاش های بیشتر سازمان های مدافع حقوق بشر و سازمان ملل متحد برای نجات جان آقای گنجی شد. در همین حال شیرین عبادی برنده جایزه صلح به دعوت انجمن سخن در لندن به این شهر رفته است. سفر او به لندن به منظور جلب توجه مقام ها و مسئولان کشور بریتانیا، رسانه ها و مردم عادی به وضعیت خطرناک اکبر گنجی موکل وی و روزنامه نگار زندانی در تهران است. ظهر سه شنبه یازدهم ژوئیه خانم عبادی در کنفرانس مطبوعاتی شرکت کرد.

شهران طبری (راديو فردا): خانم شیرین عبادی در کنفرانس خبری سه شنبه یازده ژوئیه در لندن پس از محکوم کردن بمب گذاری های اخیر در این شهر و تسلیم به مردم بریتانیا صحبت خود را درباره اکبر گنجی روزنامه نگار زندانی در تهران آغاز کرد و در واقع این سفر خود را تلاشی برای جلب توجه عموم و به خصوص رسانه ها به وضعیت او خواند و از آنها خواست تا می توانند از مردم و دولت های خود بخواهند برای نجات جان موکلش تلاش کنند. خانم عبادی گفت:

صدای شیرین عبادی: من نگران جان گنجی هستم. او هر روز و بلکه هر ساعت يك گام به مرگ نزدیکتر می شود. تمامی تلاش های ما برای این که گنجی را در بیمارستان بستری کنیم به نتیجه نرسیده و حالا از شما یاری می خواهیم. چه کار دیگر باید کرد؟

ش . ط: شیرین عبادی از این که به عنوان وکیل آقای گنجی به او حق ملاقات داده نمی شود، توضیح داد و گفت:

صدای شیرین عبادی: آقای گنجی با خانواده اش می تواند ملاقات کند، اما از زمانی که اعتصاب غذا را شروع کردند، به من که وکیلش هستم اجازه ملاقات ندادند. سه بار من برای ملاقات با گنجی به زندان رفتم و هر سه بار گفتند که ممنوع الملاقات است و علتش هم این

رفتار های مخالف
مواد آئین نامه
دادرسی
کیفری و اعلامیه
حقوق
بشر در برخورد با متهمان در جمهوری اسلامی
ساعت پیش [۱۸:۱۳]
(rm) صدیا (wma) [3:49 mins]



گنجی در پاسخ به آیت الله منتظری اعلام کرد: «شعار امروز این است که آیت الله خامنه‌ای باید برود» [۱۳۸۲]
یکشنبه ۲ مرداد [متن کامل] (rm) صدیا (wma) [4:09 mins]



اعتراض کانون نویسندگان به محدودیت ها و فراخوان گردهمایی یکشنبه بر مزار احمد شاملو [شنبه ۱۳۸۴]
مرداد ۱ [متن کامل] (rm)



است که چون اعتصاب غذا کرده، مرتکب تخلف شده و در کمیته انضباطی تصمیم گرفته شده در سوئیت انفرادی بماند و ممنوع الملاقات باشد و این چیزی بود که در اطلاعیه رسمی قوه قضاییه آمده. بعد از حدود بیست روز آقای گنجی از سوئیت انفرادی به بند عمومی منتقل شدند و آن زمان من فکر کردم که دیگر ملاقات با ایشان آزاد شده. دومرتبه رفتم که درخواست ملاقات کنم و این بار رئیس زندان گفت فقط با اجازه دادسرای تهران امکان ملاقات با موکلم را دارم. این خلاف قانون است، زیرا که آقای گنجی حکمش صادر شده، در حال اتمام مدت محکومیت است و دادستان سمتی ندارد که بخواهد اجازه دهد یا ندهد. اما مع هذا من صبر کردم و خواهش کردم که به دادسرا زنگ بزنم و ببینم آیا اجازه می دهند که من ملاقات کنم یا خیر. به من گفتند که می توانید ملاقات کنید و من رفتم در اتاقی که وکلا همیشه آنجا موکلینشان را می بینند. بعد از 20 دقیقه آقای گنجی آمد و یک مردی هم به دنبالش. آن مرد گفت گنجی حق ندارد به تنهایی با من ملاقات کند و بایستی طبق دستور کتبی دادسرا ملاقات من با موکلم در حضور یک مراقب باشد. و این کار خلاف قانون بود و گنجی در اعتراض به چنین عمل خلاف قانونی حاضر نشد ملاقات کند و فوراً برگشت به سلولش. اما من در اینجا در انگلستان سنوآلی را مطرح می کنم. قوه قضاییه در اطلاعیه هایش رسماً اعلام کرده که اعتصاب غذا تخلف است و گنجی را به این علت مدتی در سوئیت انفرادی نگاه داشتند. حکومتی که اعتصاب غذا را تخلف می داند، چگونه است که یکی از مهمترین خیابان های تهران را به نام **بابی سنندز** نامگذاری کرده. قوه قضاییه بیاید توضیح بدهد چه فرقی بین اکبر گنجی و بابی سنندز است.

ش . ط : خانم عبادی گفت جایزه صلح نوبل به او کمک کرده تا صدای مردم ایران را به گوش جهان برساند.

صدای شیرین عبادی: آزادی بیان در قانون اساسی ما به رسمیت شناخته شده و اعتراض آقای گنجی به عملکرد سیاسی حکومت بوده. آقای گنجی علیه اسلام هرگز صحبت نکرده. جایزه نوبل البته به ما کمک می کند که صدای خودمان را بلندتر به گوش مردم جهان برسانیم. من و سایر مدافعین حقوق بشر در سراسر جهان فقط به اتکای مردم و نه حکومت ها کار می کنیم و به همین دلیل است که جایزه نوبل برای ما ارزش دارد، چون باعث می شود صدای ما رساتر، بلندتر به گوش مردم جهان برسد.

ش . ط : از سوی **راديو فردا** از خانم عبادی پرسیدم فکر می کنید پس از انتخاب آقای **احمدی نژاد** به ریاست جمهوری در وضع آقای گنجی چه تغییری ایجاد شود؟

شیرین عبادی: آقای احمدی نژاد که اخیراً به عنوان رئیس جمهوری انتخاب شده اند، طبق قانون اساسی اختیارات زیادی ندارند و علت شکست آقای **خاتمی** در برنامه اصلاحات هم همین مساله بود. برای این که رئیس جمهوری در سیستم قانون اساسی ما اختیارات زیادی ندارد.

ش . ط : یکی از خبرنگاران ایتالیایی در جلسه مطبوعاتی خانم عبادی از او پرسید به این ترتیب فکر می کنید با انتخاب آقای احمدی نژاد در ایران، هرگز اصلاحاتی صورت نخواهد گرفت؟

صدای شیرین عبادی: اصولاً بر این اعتقاد هستم که تحولات سیاسی و اجتماعی در هر کشوری بستگی به خواست و اراده مردم دارد و این خواست و اراده در مردم ایران وجود دارد. طبق اطلاعیه رسمی وزیر رفاه و تامین اجتماعی ایران در چند ماه گذشته اعلام کرد که بیش از ده میلیون نفر در ایران زیر خط فقر زندگی می کنند. یعنی این که از هر هفت نفر ایرانی یک نفر با روزی کمتر از یک دلار زندگی می کند و این در حالی است که ایران کشور ثروتمندی است. هم نفت داریم، گاز داریم، اورانیوم، مس و معادن بسیار غنی و این چیزی نیست جز سیاست های غلط اقتصادی در 25 سال گذشته و از سوی دیگر مردم ایران در 26 سال گذشته یک انقلاب و هشت سال جنگ با عراق را تجربه کردند و از خونریزی خسته هستند. بنابراین مردم ایران عمیقاً خواهان بهبود وضعیتشان، به طریق مسالمت آمیز و بدون خونریزی هستند و اگر یک فرد یا یک گروه نتوانست یا نخواست به وعده های خودش در زمینه اصلاحات عمل کند، دلیل بر این است که مردم از خواستشان دست کشیده باشند. مردم ایران خواهان اصلاحات عمیق هستند و مسلم بدانید که به آن خواهند رسید.

ش . ط : سازمان های حقوق بشر اگرچه از حق طبیعی آقای گنجی برای معالجه در بیمارستانی خارج از زندان دفاع می کنند، اما نمی توانند مستقیماً از اعتصاب غذای او

صدا |
(wma)
صدا 4:40
mins]

نیاز زنان
جوامع
مسلمان
به امکانات



وسیع
آموزشی،
ورزشی و
اشتغال در
مبارزه بر
علیه
افراطگرایی

[۱۳۸۴
پنجمین ۲۰ تیر

صدا |
(rm)

صدا |
(wma)

صدا 4:55
mins]

امنیت
جانی از
نوجوانان و
کودکان
ایرانی به
نام اسلام
سلب می
شود



[۱۳۸۴
چهارشنبه ۲۹ تیر

صدا |
(rm)

صدا |
(wma)

صدا 4:51
mins]

لزوم کمک
رسانی
فوری به
وضعیت
منوچهر
محمدی با
توجه به
بایکوت
خبری در
جمهوری
اسلامی



[۱۳۸۴
شنبه ۲۸ تیر

صدا |
(rm)

صدا |
(wma)

صدا 4:04
mins]

است که چون اعتصاب غذا کرده، مرتکب تخلف شده و در کمیته انضباطی تصمیم گرفته شده در سوئیت انفرادی بماند و ممنوع الملاقات باشد و این چیزی بود که در اطلاعیه رسمی قوه قضاییه آمده. بعد از حدود بیست روز آقای گنجی از سوئیت انفرادی به بند عمومی منتقل شدند و آن زمان من فکر کردم که دیگر ملاقات با ایشان آزاد شده. دومرتبه رفتم که درخواست ملاقات کنم و این بار رئیس زندان گفت فقط با اجازه دادسرای تهران امکان ملاقات با موکلم را دارم. این خلاف قانون است، زیرا که آقای گنجی حکمش صادر شده، در حال اتمام مدت محکومیت است و دادستان سمتی ندارد که بخواهد اجازه دهد یا ندهد. اما مع هذا من صبر کردم و خواهش کردم که به دادسرا زنگ بزنم و ببینم آیا اجازه می دهند که من ملاقات کنم یا خیر. به من گفتند که می توانید ملاقات کنید و من رفتم در اتاقی که وکلا همیشه آنجا موکلینشان را می بینند. بعد از 20 دقیقه آقای گنجی آمد و یک مردی هم به دنبالش. آن مرد گفت گنجی حق ندارد به تنهایی با من ملاقات کند و بایستی طبق دستور کتبی دادسرا ملاقات من با موکلم در حضور یک مراقب باشد. و این کار خلاف قانون بود و گنجی در اعتراض به چنین عمل خلاف قانونی حاضر نشد ملاقات کند و فوراً برگشت به سلولش. اما من در اینجا در انگلستان سنوآلی را مطرح می کنم. قوه قضاییه در اطلاعیه هایش رسماً اعلام کرده که اعتصاب غذا تخلف است و گنجی را به این علت مدتی در سوئیت انفرادی نگاه داشتند. حکومتی که اعتصاب غذا را تخلف می داند، چگونه است که یکی از مهمترین خیابان های تهران را به نام **بابی سنندز** نامگذاری کرده. قوه قضاییه بیايد توضیح بدهد چه فرقی بین اکبر گنجی و بابی سنندز است.

ش . ط : خانم عبادی گفت جایزه صلح نوبل به او کمک کرده تا صدای مردم ایران را به گوش جهان برساند.

صدای شیرین عبادی: آزادی بیان در قانون اساسی ما به رسمیت شناخته شده و اعتراض آقای گنجی به عملکرد سیاسی حکومت بوده. آقای گنجی علیه اسلام هرگز صحبت نکرده. جایزه نوبل البته به ما کمک می کند که صدای خودمان را بلندتر به گوش مردم جهان برسانیم. من و سایر مدافعین حقوق بشر در سراسر جهان فقط به اتکای مردم و نه حکومت ها کار می کنیم و به همین دلیل است که جایزه نوبل برای ما ارزش دارد، چون باعث می شود صدای ما رساتر، بلندتر به گوش مردم جهان برسد.

ش . ط : از سوی **راديو فردا** از خانم عبادی پرسیدم فکر می کنید پس از انتخاب آقای **احمدی نژاد** به ریاست جمهوری در وضع آقای گنجی چه تغییری ایجاد شود؟

شیرین عبادی: آقای احمدی نژاد که اخیراً به عنوان رئیس جمهوری انتخاب شده اند، طبق قانون اساسی اختیارات زیادی ندارند و علت شکست آقای **خاتمی** در برنامه اصلاحات هم همین مساله بود. برای این که رئیس جمهوری در سیستم قانون اساسی ما اختیارات زیادی ندارد.

ش . ط : یکی از خبرنگاران ایتالیایی در جلسه مطبوعاتی خانم عبادی از او پرسید به این ترتیب فکر می کنید با انتخاب آقای احمدی نژاد در ایران، هرگز اصلاحاتی صورت نخواهد گرفت؟

صدای شیرین عبادی: اصولاً بر این اعتقاد هستم که تحولات سیاسی و اجتماعی در هر کشوری بستگی به خواست و اراده مردم دارد و این خواست و اراده در مردم ایران وجود دارد. طبق اطلاعیه رسمی وزیر رفاه و تامین اجتماعی ایران در چند ماه گذشته اعلام کرد که بیش از ده میلیون نفر در ایران زیر خط فقر زندگی می کنند. یعنی این که از هر هفت نفر ایرانی یک نفر با روزی کمتر از یک دلار زندگی می کند و این در حالی است که ایران کشور ثروتمندی است. هم نفت داریم، گاز داریم، اورانیوم، مس و معادن بسیار غنی و این چیزی نیست جز سیاست های غلط اقتصادی در 25 سال گذشته و از سوی دیگر مردم ایران در 26 سال گذشته یک انقلاب و هشت سال جنگ با عراق را تجربه کردند و از خونریزی خسته هستند. بنابراین مردم ایران عمیقاً خواهان بهبود وضعیتشان، به طریق مسالمت آمیز و بدون خونریزی هستند و اگر یک فرد یا یک گروه نتوانست یا نخواست به وعده های خودش در زمینه اصلاحات عمل کند، دلیل بر این است که مردم از خواستشان دست کشیده باشند. مردم ایران خواهان اصلاحات عمیق هستند و مسلم بدانید که به آن خواهند رسید.

ش . ط : سازمان های حقوق بشر اگرچه از حق طبیعی آقای گنجی برای معالجه در بیمارستانی خارج از زندان دفاع می کنند، اما نمی توانند مستقیماً از اعتصاب غذای او

صدا |
(wma)
صدا 4:40
mins]

نیاز زنان
جوامع
مسلمان
به امکانات



وسیع
آموزشی،
ورزشی و
اشتغال در
مبارزه بر
علیه
افراطگرایی
[۱۳۸۴
پنجمین ۲۰ تیر

صدا |
(rm)

صدا |
(wma)
صدا 4:55
mins]

امنیت
جانی از
نوجوانان و
کودکان
ایرانی به
نام اسلام
سلب می
شود



[۱۳۸۴
چهارشنبه ۲۹
تیر

صدا |
(rm)

صدا |
(wma)
صدا 4:51
mins]

لزوم کمک
رسانی
فوری به
وضعیت
منوچهر
محمدی با
توجه به
بایکوت



خبری در
جمهوری
اسلامی
سه ۱۳۸۴

[شنبه ۲۸ تیر
(rm)

صدا |
(wma)
صدا 4:04
mins]

حمایت کنند. چه در موازین حقوق بشر هر نوع خشونت‌تی حتی خشونت نسبت به خود روا نیست. اما خانم عبادی می‌گوید:

صدای شیرین عبادی: توجه داشته باشید که آقای گنجی کلیه راه‌های مسالمت‌آمیز قانونی را طی کردند و به نتیجه نرسیدند و ناچار از اعتصاب غذا شد برای این که توجه مقامات قضایی و افکار عمومی در سطح ملی و بین‌المللی را به وضعیت خودش جلب کند. آقای گنجی برای شانتاژ و فرار از مجازات دست به اعتصاب غذا زده. برای این که پنج سال تمام حبسی را که غیرعادلانه می‌دانست تحمل کرد و بالاخره مجبور شد که اعتصاب غذا کند.

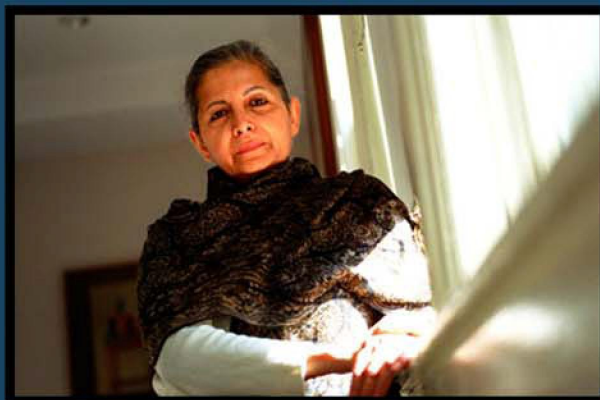
ش . ط: در پایان خانم عبادی گفت:

صدای شیرین عبادی: در اینجا به عنوان اختتامیه این کنفرانس مایل هستم چند نکته اضافه کنم. آقای گنجی یک ژورنالیست بسیار شجاعی هستند که همه باید از او حمایت کنیم، اما تعداد زندانیان سیاسی ما در ایران منحصر به آقای گنجی و چند نفر سرشناس دیگر نیست. متأسفانه تعدادی از جوانان ما، نویسندگان ما، ژورنالیست‌ها، فعالین اجتماعی در زندان هستند که شاید نام خیلی از آنها حتی به گوش شما نرسیده باشد. من آرزوی آزادی زندانیان سیاسی را دارم و امیدوارم حکومت ایران با آزاد کردن زندانیان سیاسی گامی مثبت در جهت وحدت ملی و وفاق ملی بردارد و تمام اعضای خانواده را گرد هم بیاورد و اجازه ندهد اینچنین بین ما تفرقه بیفتد.

بایگانی

صفحه نخست





مهرانگیز کار وکیل، روزنامه‌نگار، و فعال در زمینه حقوق بشر، حقوق زنان و گسترش مردم‌سالاری است. وی دانش‌آموخته رشته حقوق دانشگاه تهران است.

در فروردین سال ۱۳۷۹، مهرانگیز کار در کنفرانس «ایران بعد از انتخابات» که توسط بنیاد هانریش بل در برلین برگزار شده بود شرکت کرد و پس از بازگشت مدت دو ماه را در سلول انفرادی زندان اوین به سر برد. وی به خاطر فشارهای بین‌المللی موقتاً آزاد شد و موفق شد برای معالجه به خارج از کشور برود. وی از سال ۱۳۸۱ در تبعید به سر می‌برد و هم اکنون به عنوان پژوهشگر نیوهاوس در دانشکده دخترانه ولزلی مشغول به کار می‌باشد.